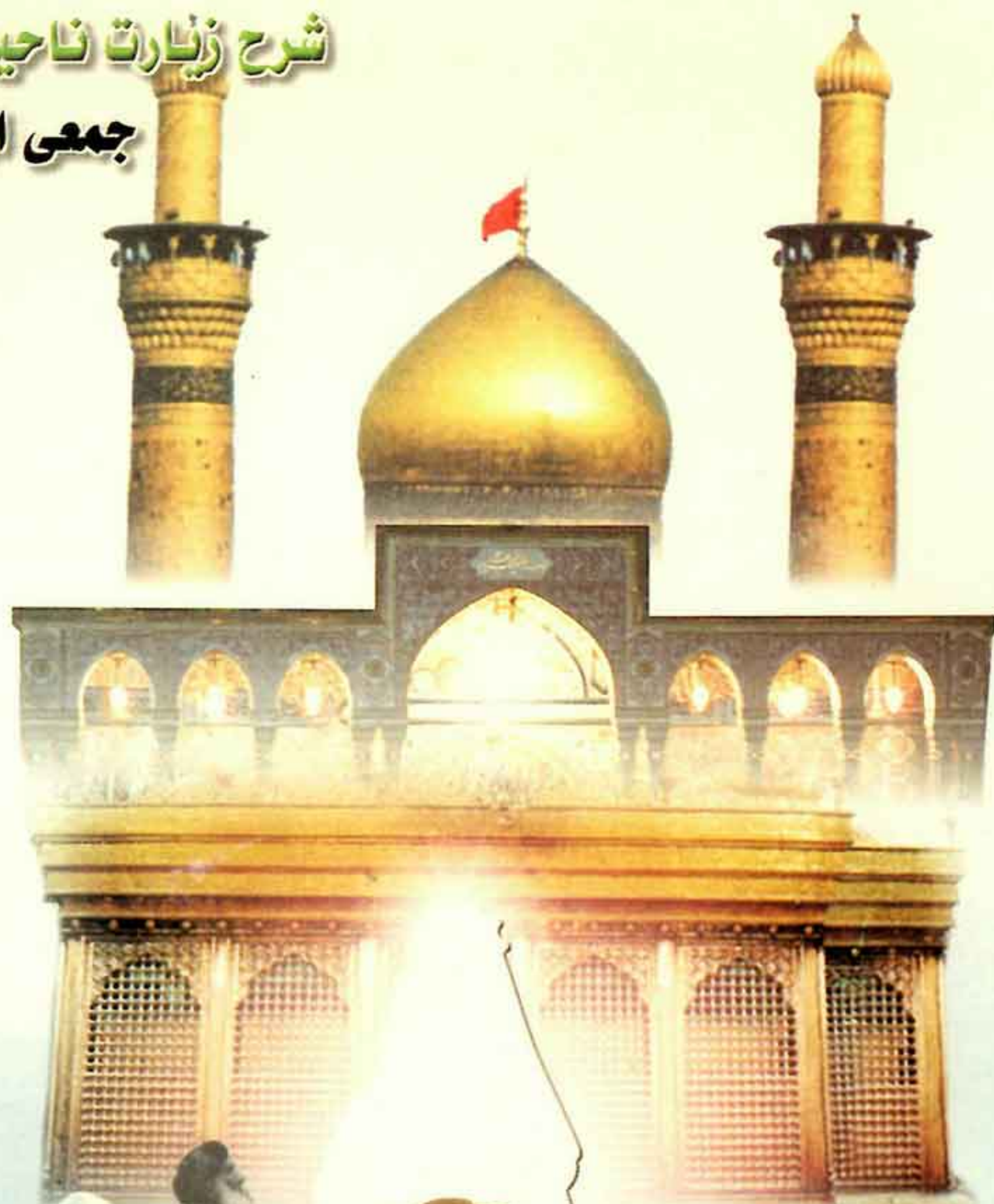


شرح زیارت ناحیه مقدسه

جمعی از اساتید

(۱)



# حُجْرَةُ نُور

به اهتمام:

سید هدایت الله طالقانی

# همره نور

شرح زیارت ناحیه مقدسه

(۱)

آیه الله معرفت

آیه الله کریمی جهرمی

سیّد هدایت الله طالقانی

به اهتمام

سیّد هدایت الله طالقانی

طالقانی، سید هدایت الله، ۱۳۳۱.  
 همره نور (شرح زیارت ناحیه مقدسه)، جلد ۱،  
 جمعی از اساتید، به اهتمام سید هدایت الله طالقانی. قم، سابقون، ۱۳۷۹.  
 شابک:  
 (دوره) ISBN : 964 - 92793 - 0 - X ● ۹۶۴ - ۹۲۷۹۳ - ۰ - X  
 (جلد ۱) ISBN : 964 - 92793 - 3 - 4 ● ۹۶۴ - ۹۲۷۹۳ - ۳ - ۴  
 فهرست نویسی بر اساس اطلاعات پیش از انتشار (فیبا):  
 کتابنامه: ص ۶۰ و ۱۸۹ تا ۱۹۲. همچنین بصورت زیر نویس.  
 ۱- امام حسین ۲- وقایع عاشورا ۳- نقش زیارات الف. عنوان.  
 کتابخانه ملی ایران

قم، خیابان چهارمردان، کوچه ۱۸، پلاک ۹۷  
 تلفن: ۷۷۲۷ ۷۲۷



نام کتاب:	همره نور (شرح زیارت ناحیه مقدسه، جلد ۱)
اثر:	جمعی از اساتید
به اهتمام:	سید هدایت الله طالقانی
تعداد:	۱۹۲ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه
چاپ اول:	فروردین ۱۳۸۰
چاپخانه:	امیر، قم
قیمت:	۴۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**تقدیم به :**

**لله هستی ؛ حسین !**

**که با بذل جان ، اسلام را جان بخشید !**

**و با قیامش ، راه عبد الله شدن را به انسانها آموخت !**

**و تقدیم به آنکه هستی در عزایش زار می‌گرید !**

**و تقدیم به آن پدر بزرگواری که جلوه‌ای از جلالش را و**

**جرعه‌ای از حلاوت وصلش را نصیبم نمود و.....**

## فهرست

به ترتیب سخنرانی سال ۱۴۲۱ ق.

- ۱۱ ..... سابقه کار روی زیارت ناحیه  
سخنرانی آیه الله محمد هادی معرفت
- نقش زیارت
- ۱۳ ..... ارتقاء سطح آگاهی و درک عمیق معارف اسلامی
- ۱۴ ..... مسائل اسلامی همه فهم است
- ۱۵ ..... معنای عصمت در مکتب تشیع
- ۱۷ ..... برخی از ویژگی های ذکر شده ائمه در زیارات
- ۱۷ ..... ا - اجداد ائمه، همه موحد بوده اند
- ۱۸ ..... ب - برخی از امور به ائمه واگذار شده است
- ۱۹ ..... نقش مستقیم ائمه معصومین در انجام امور
- ۲۱ ..... ج - کارها به برکت و وساطت ائمه انجام می شود
- ۲۳ ..... نتیجه

سخنرانی آیه الله علی کریمی جهرمی

### نقش زیارت

- ۲۶ ..... ۱- شناخت معارف اسلامی
- ۲۷ ..... ۲- ادای حقوق معصومین
- ۲۸ ..... ۳- توسل به ائمه اطهار
- ۲۹ ..... ۴- تبلور مبانی اعتقادی

## سخنان سید هدایت الله طالقانی

## در شش فصل

## آشنائی اجمالی با زیارت ناحیه

- ۱- مرثیه خوان ..... ۶۱
- ۲- زیارت شونده ..... ۶۳
- ۳- سیمای زیارت ..... ۶۴
- ۴- تصویر کلی بخش‌های زیارت ..... ۶۶
- ۵- بخش‌های زیارت از نگاه دیگر ..... ۶۹
- ۶- نام مشهور و معروف ..... ۷۱
- ۷- زمان خواندن ..... ۷۳

## جایگاه زیارت ناحیه

- ۱- سابقه صدور ..... ۷۶
- ۲- صحت صدور ..... ۷۷
- ۳- از دیار یار برای اهل معرفت ..... ۷۸

## دلایل صحت اقتساب زیارت ناحیه

## به امام زمان (عج)

- مقدمه ..... ۸۹
- ۱- شیوه‌های بررسی ..... ۹۰
- ۲- سابقه ثبت زیارت ناحیه ..... ۹۲
- ۲/۱- المزار القدیم از شیخ مفید، متوفای ۵۴۱۳.ق. .... ۹۳
- ۲/۲- مناسک المزار از شیخ مفید، متوفای ۵۴۱۳.ق. .... ۹۴

- ۲/۳ - المصباح از سید مرتضی، متوفای ۴۳۶ هـ. ق. .... ۹۶
- ۲/۴ - المزار ..... ۹۸
- ۲/۵ - المزار الکبیر از ابن مشهدی، متوفای ۵۹۵ هـ. ق. .... ۱۰۰
- ۳ - مستند بودن زیارت ..... ۱۰۱
- ۴ - انتساب زیارت به امام زمان (عج) ..... ۱۰۳
- ۴/۱ - مشخصات ابن مشهدی ..... ۱۰۴
- ۴/۲ - وثاقت و جلالت ابن مشهدی ..... ۱۰۵
- ا - مشایخ ..... ۱۰۶
- ب - راوی سند عالی ..... ۱۰۶
- ج - شاگردان ..... ۱۰۸
- د - تحصیل دروس عالی در نوجوانی ..... ۱۱۰
- ه - نظر متأخرین ..... ۱۱۱
- ۴/۳ - وثاقت کتاب المزار الکبیر ..... ۱۱۴
- نتیجه ..... ۱۱۶

### اعتبار زیارت ناحیه

- ۱ - در کتب متأخرین ..... ۱۱۷
- ۲ - نظر نهائی و حاصل کلام ..... ۱۲۱
- ۳ - چرا زیارت ناحیه در مفاتیح نیامده است؟ ..... ۱۲۳

### ویژگیهای زیارت ناحیه

- ۱ - کلیات ..... ۱۲۷
- ۲ - امتیازات ویژه زیارت ناحیه ..... ۱۲۹



- ۱۲۹ ..... ۲/۱ - از حجّت زمان است
- ۱۳۱ ..... ۲/۲ - گستردگی مخاطبین
- ۱۳۴ ..... ۲/۳ - زیارت ناحیه، مفسّر معارف اسلامی است
- زیارت ناحیه، مفسّر زیارت عاشورا است**
- ۱۳۵ ..... ۱ - ابو عبدالله
- ۱۳۵ ..... ۱/۱ - چند مطلب مقدماتی
- ۱۳۵ ..... أ - کنیه بودن
- ۱۳۶ ..... ب - سبب انتخاب این کنیه
- ۱۳۷ ..... ج - معنای عبد
- ۱۳۸ ..... د - چگونه می‌توان عبدالله شد؟
- ۱۳۹ ..... ۱/۲ - شرح از زیارت ناحیه
- ۱۳۹ ..... أ - صالح بودن
- ۱۴۱ ..... ب - تشخیص وظیفه
- ۱۴۳ ..... ج - مطیع امر خدا بودن
- ۱۴۴ ..... د - پشتوانه دین و مردم بودن
- ۱۴۵ ..... ۲ - نسب امام
- ۱۴۷ ..... ۳ - ثار الله و ابن ثاره
- ۱۴۷ ..... ۳/۱ - بیان اجمالی معنای ثار
- ۱۴۸ ..... ۳/۲ - بیان تفصیلی معنای ثار
- ۱۵۳ ..... ۳/۳ - کاربرد ترکیبی در روایات
- ۱۵۸ ..... ۳/۴ - تبیین معنای ظاهری ثار

- ۳/۵ - انتساب ثار به الله ..... ۱۵۹
- خون خدا، وجه تشبیه امام حسین به خون ..... ۱۵۹
- انتساب به خدا ، معانی مختلف انتساب ..... ۱۶۱
- ۳/۶ - شرح از زیارت ناحیه ..... ۱۶۳
- عامل حیات، معادل اسلام بودن ..... ۱۶۳
- شرافت ، خون ریخته شده ..... ۱۶۷
- ۴ - الوتر الموتور ..... ۱۶۹
- ۴/۱ - معنای کلمات ..... ۱۶۹
- ۴/۲ - شرح از زیارت ناحیه ..... ۱۷۶
- أ - مظلوم بودن ..... ۱۷۶
- ب - انتقام نگرفته ..... ۱۷۸
- ۵ - عظمت مصیبت ..... ۱۷۹
- ۵/۱ - سر بریده ..... ۱۸۰
- ۵/۳ - لبان خشک و جگر عطشان ..... ۱۸۰
- ۵/۳ - قتلگاه ..... ۱۸۲
- ۵/۴ - عزاداری در سراسر هستی ..... ۱۸۴
- ۶ - سر لعن ..... ۱۸۷
- فهرست منابع، مأخذ و مراجع ..... ۱۸۹

## به نام آنکه یادش قلبها را آرام می‌گرداند

### سابقه کار روی زیارت ناحیه

در دهه سوم خرداد ۱۳۷۳، مقارن با محرم ۱۴۱۵، در خلال مطالعه کتاب رمزالمصیبه با زیارت ناحیه مقدسه آشنا و سخت شیفته آن شدم. در جستجوی مدرک، ابتدا بحار الانوار را بدست آوردم و چون بصورت یک زیارتنامه مستقل و ترجمه دار در دسترس نبود و غبار گمنامی بر او نشسته بود، تصمیم گرفتم آنرا با چاپ و مطرح کردن در مجالس، احیاء و ترویج نمایم. در این ایام ترجمه آقای جزائری را یافتم و پس از چند ماه ترجمه انتشارات مسجد مقدس جمکران از چاپ اول خارج شد. بدین لحاظ از فکر چاپ و ترجمه این زیارت شریف منصرف شده و به انتظار وقتی مناسب برای شرح و تفسیر آن نشستم. سپس در سال ۱۳۷۸ ترجمه آقای اسدی (ناشر حسین احمدی) و ترجمه مسجد زینبیه قم را دیده و بتدریج ترجمه‌های جدیدی را که بدست می‌آمد، ملاحظه می‌نمودم.

در ۱۲ محرم ۱۴۱۵ (۱۳۷۳/۴/۱) در یک جلسه سخنرانی در تهران قسمت‌هایی از زیارت را تشریح نمودم.

در دهه آخر صفر ۱۴۱۶ (۱۳۷۴/۴/۲۹ تا ۱۳۷۴/۵/۷) ده شب در مسجد بقیة الله اصفهان به شرح این زیارت پرداختم.

از ۱۶ تا ۲۰ صفر ۱۴۲۰ (۱۱ تا ۱۵ خرداد ۱۳۷۸) مجلس زیارت ناحیه در مسجد پنجه علی قم برگزار شد. در این مجلس علاوه بر خواندن زیارت ناحیه، به شرح آن پرداختم.

از ۱۱ تا ۲۰ صفر ۱۴۲۱، همین مجلس مجدداً برگزار شد و سخنرانان مختلف به شرح این زیارت پرداختند.

از میان سخنرانی‌های ایراد شده، سه جلسه اول آن پس از ویرایش و اصلاحات لازم، به اساتید محترم داده شد تا نظر نهائی خود را اعمال نمایند. آنگاه با ویرایش، اصلاح، تکمیل و تنظیم جدید، تدوین گردید. سپس قسمتی از سخنرانی‌ها و یادداشتهای خود را که مربوط به مقدمات قبل از شرح زیارت بود، بر آن اضافه نمودم. سرانجام این مجموعه پس از پنج مرحله تکمیلی، بدین شکل در دسترس عموم قرار می‌گیرد.

بقیه نوشته‌های اینجانب که شرح ترتیبی و موضوعی زیارت ناحیه است، انشاء الله بعنوان جلد دوم تقدیم علاقمندان خواهد شد.

۲۱ محرم ۱۴۲۲ - قم

سید هدایت الله طالقانی

سخنرانی سه شنبه ۱۳۷۹/۲/۲۷

حضرت آیه الله محمد هادی معرفت

## نقش زیارات

### ارتقاء سطح آگاهی و درک عمیق معارف اسلامی

دعا و زیارت یکی از امتیازات و ویژگی‌های مکتب تشیع است که در بالا بردن سطح آگاهی و درک عمیق معارف اسلامی نقش بسزائی دارد. از اینرو ائمه اطهار روی آنها تأکید فراوانی داشته‌اند.

شناخت و درک عمیق معارف اسلامی یکی از سرلوحه‌هائی است که اسلام می‌خواهد امت اسلامی در سایه آن حرکت کند و به آرمان خود که دستیابی به حیات طیبه است برسد. از اینرو قرآن و احادیث تأکید دارند که مسلمانان باید از حالت عوام بودن خارج شده و نسبت به اصول و فروع معارف و احکام الهی و تمام ابعاد دین مبین اسلام آگاهی پیدا کنند و مهمتر این که این آگاهی باید در حد عمیق باشد؛ شناخت سطحی و ابتدائی در این امور از دید اسلام کافی نیست.

از اینرو مسئله تدبیر، تفکر، تعمق و تفقه در دین، وظیفه تک تک

مسلمین است .

ائمه برای اینکه سطح آگاهی و معلومات شیعیانشان را بالا ببرند راههای مختلفی را پیش روی ما قرار داده‌اند که یکی از آنها ادعیه و زیارات است. ائمه به شیعیان و پیروانشان دستور داده‌اند که در مواقع خاصی ادعیه و زیارات خاصی را بخوانند تا با خواندن آنها به معارف اصیل اسلامی دست یابند. درست است که در زیارات، به ائمه معصومین سلام و تهنیت می‌فرستیم؛ اما در این سلام‌ها نکته‌هایی وجود دارد که شخصیت و مقام امامان و همچنین روش امام‌شناسی را به ما یاد می‌دهد و سطح آگاهی ما را بالا می‌برد.

ما شیعیان، امامان و فضائل آنها را قبول داریم و مثلاً می‌دانیم دوازده امام داریم و آنها معصوم هستند. این اعتقاد، لازم و ضروری است، ولی کافی نیست. مهم این است که نسبت به آنها شناخت عمیق پیدا کنیم؛ باید معنای عصمت را درست بفهمیم و عمیقاً درک نمائیم.

### مسائل اسلامی همه فهم است

نکته قابل توجه این است که برای آشنائی با معارف اصیل اسلامی لازم نیست که ما حتماً ادبیات و کلام و فلسفه بدانیم؛ زیرا معارف اصیل اسلامی به قدری روشن و واضح است و قرآن طوری سخن می‌گوید که هر انسانی در هر سطح فکری که قرار داشته باشد، می‌تواند آنرا بفهمد. این یکی از ویژگی‌های بارز قرآن و اسلام است.

### معنای عصمت در مکتب تشیع

برای روشن شدن نکته مزبور، عصمت را که یکی از مسائل مشکل علم کلام است بیان می‌کنیم. عصمت یعنی داشتن بینش الهی. امام معصوم دارای بینشی است که مردم عادی از آن محروم هستند. وقتی من و شما گناهی را مرتکب نمی‌شویم، صرفاً به جهت این است که شرع مقدس، ما را از انجام چنان کاری منع کرده است، اما خودداری کردن معصوم از گناه به این دلیل است که قبح ذاتی آن اعمال و رفتارها را لمس می‌کند.

چرا اگر یک لیوان پر از منجلاب و آلودگی را به ما بدهند ما از خوردن آن امتناع می‌ورزیم؟ برای این که ما قبح ذاتی آنرا درک کرده و نسبت به آن احساس تنفر می‌کنیم. معصوم هم همین احساس تنفر را نسبت به همه گناهان دارد. از اینرو هیچگاه به چنین اعمالی آلوده نمی‌شود. برای معصوم حسن و قبح ذاتی اعمال کاملاً آشکار است. حال با توجه به این توضیحات، بخوبی می‌توانیم این معنا را درک کنیم که معصوم دارای بینشی است که واقعیت امور را آنگونه که هست می‌بیند. لذا امکان آلودگی به گناه در مورد ائمه معصومین منتفی است.

یکی از مصادیق روشنگر این معنا، داستان حضرت یوسف است که در آن شرایط خاص و در توطئه زلیخا فقط با «برهان رب» نجات یافت و مرتکب گناه نشد.

در ذیل آیه ﴿لَوْ لَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ﴾ امام صادق علیه السلام می فرماید: «برهان رب مقام عصمت می باشد» ؛ یعنی حضرت یوسف زشتی و پلیدی این کار را می دید، ولی زلیخا آن را نمی دید.

### خلاصه

باتوضیحات فوق روشن شد که:

- ۱ - سخن قرآن، ساده و برای همه قابل درک است .
- ۲ - اسلام از ما می خواهد که مسائل را نه در سطح ابتدائی، بلکه با تعمق و تفقه درک کنیم .
- ۳ - ادعیه و زیارات ، یکی از عوامل مهم برای شناخت و درک عمیق معارف اسلامی است. از اینرو ائمه اطهار روی آنها تأکید فراوانی داشته اند.



### برخی از ویژگی‌های ذکر شده ائمه در زیارات

برای این که نقش ادعیه و زیارات در شناخت و درک عمیق معارف اسلامی و منجمله امام‌شناسی مشخص‌تر شود، چند نمونه آن ارائه می‌شود.

#### أ - اجداد ائمه همه موحد بوده‌اند

در زیارت (هفتم) مطلقه امام حسین علیه السلام می‌خوانیم:

«أشهد أنك كنت نوراً في الاصلاب الشامخة و الارحام المطهرة  
لم تُنجسك الجاهليّة بانجاسها و لم تُلبسك من مدلهّمات ثيابها»<sup>(۱)</sup>  
«نور شما اهل بیت از زمان آدم همینطور از صلب‌های طاهر به رحم  
های پاک منتقل شده است.»

در قرآن کریم نیز به این معنا اشاره شده است ؛ آنجا که  
می‌فرماید : ﴿و تَقَلُّبُكَ فِي السَّاجِدِينَ﴾<sup>(۲)</sup>.

« و حرکت تو را در میان سجده‌کنندگان می‌بیند.»

شیعه و سنی نقل کرده‌اند که منظور این آیه این است که  
هیچکدام از پدران و مادران ائمه معصومین علیهم السلام و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله  
بت پرست نبوده‌اند و این خود مرحله‌ای از امام‌شناسی است.

۱ - این عبارت در زیارت اربعین امام حسین و نیز در دعای وداع زیارت  
حضرت رسول از بعید هم آمده است.

۲ - سوره شعرا (۲۶)، آیه ۲۱۹.

ب - برخی از امور به ائمه واگذار شده است

در زیارت رجبیه که قرائت آن در تمامی مشاهد مشرفه سفارش شده است خوانده‌اید که «انا سائلکم و آملکم فیما الیکم التفویض» «من از شما اهل بیت اموری را که خدا به شما تفویض نموده است درخواست می‌کنم و آنها را از شما انتظار دارم».

این عبارت به ما می‌آموزد که تعدادی از امور به ائمه اطهار تفویض شده است.

« یعنی اگر چه همه امور در حیطة قدرت خداوند است، با این وجود، خداوند به انبیاء و اوصیاء ولایت تکوینی و تشریحی داده و بدین سبب، انجام بعضی کارها را به آنها واگذار کرده تا خودشان مستقیماً این کارها را به اذن خدا انجام دهند»<sup>(۱)</sup>.

حال این اموری که به ائمه تفویض شده است چیست ؟ خود همین زیارات وارده از طرف معصومین ، موارد را ذکر می‌کنند که

---

۱ - عبارت داخل « » و نیز مطالب دو عنوان ۲/ب و ۳/ب از طالقانی. برای تفویض، دلائل عقلی و نقلی وجود دارد و موارد آن در روایات مشخص شده است. برای توضیحات بیشتر تفویض و دلیل عقلی آن رجوع شود به چهل حدیث امام خمینی (ره)، حدیث ۳۱، ص ۴۵۹ تا ۴۶۳ (بیان معنی تفویض و...) .

برای ملاحظه دلائل نقلی و مصادیق آن، رجوع شود به بصائر الدرجات، ص ۲۶۹. در حدیث دوم این باب، امام سجّاد می‌فرماید: ائمه، مرده را زنده می‌کنند، پیسی و خوره را شفا می‌دهند و بر آب حرکت می‌کنند و.....» .

برخی از آنها عبارتند از:

### ۱/ب - دادن پاداش

در زیارت رجبیه می خوانیم :

«علیکم التعویض» : « پاداش را شما می دهید » .

### ۲/ب - حسابرسی مردم

در زیارت جامعه کبیره موارد متعددی از امور تفویض شده و امور دیگر، بیان شده که از آن جمله است :

«حسابکم علیکم» : « حساب خلایق با شماست » .

حسابرسی، مرحله قبل از دادن پاداش است .

### ۳/ب - بازگشت مردم بسوی ائمه

«ایاب الخلق الیکم» : « بازگشت خلق بسوی شماست » .

بازگشت، مرحله قبل از حسابرسی است .

برای روشن شدن وضعیت نهائی مردم در قیامت، سه مرحله انجام می شود و هر سه مرحله هم به ائمه واگذار شده است .

ابتدا مردم بسوی ائمه بازگشت می کنند، سپس به اعمال آنها رسیدگی می شود و حسابرسی انجام می گردد، آنگاه پاداش داده می شود .

این سه مرحله ، به ائمه اطهار واگذار شده است .

شایان توجه است که این سه مورد، مربوط به آخرت است و ائمه در امور دنیوی، اعم از تکوینی و تشریحی نیز ولایت داشته و بطور مستقیم و کامل امور را انجام و یا تغییر می دهند .

### نقش مستقیم ائمه معصومین در انجام امور

همانگونه که ذکر شد خداوند متعال یکسری از اختیارات را به ائمه معصومین عطا کرده است. به همین دلیل است که وقتی ما با مشکلی مواجه می شویم به زیارت مشاهد مشرفه شرفیاب شده و از ائمه معصومین می خواهیم که مشکل ما را برطرف سازند.

در این رابطه، عده ای به ما می گویند: شما باید از ائمه بخواهید که آنها از خداوند بخواهند او مشکل ما و شما را برطرف سازد؛ یعنی آنها فقط نقش واسطه گری دارند و کارها با دعا کردن آنها و استجابات آن انجام می گیرد. این حرف اشتباهی است.

امام خمینی (ره) می فرمایند چه اشتباهی کرده اند آن افرادی که می گویند وقتی خدمت معصومین رسیدید از آنها طلب حاجت نکنید، بلکه درخواست کنید که آنها از خداوند بخواهند او حاجت شما را برآورده کند. بعد به آیات قرآن تمسک کرده و استدلال می کنند که مگر وقتی حضرت عیسی مرده زنده می کرد یا کور را شفا می داد از خداوند می خواست که خداوند این کارها را انجام دهد؟

تنها نکته ای که در قرآن ذکر شده این است که حضرت عیسی به اذن الله این کارها را انجام می داد. یعنی خداوند به ایشان این اجازه را داده بود که مرده زنده کند و...

به دلیل همین معرفت و شناخت است که ما هم وقتی خدمت امام معصوم می رسیم از او می خواهیم که مشکل و حاجت ما را برآورده سازد. زیرا ما معتقدیم که خداوند متعال این قدرت را به ائمه معصومین واگذار نموده است.

ج - کارها به برکت و وساطت ائمه انجام می‌شود

۱/ج - شفای بیماران

«فبکم یُجَبَّرُ المَهِیضُ وَ یُشْفَى المَرِیضُ»

« به برکت وجود شما شکستگی‌ها التیام پیدا کرده و مریض‌ها شفا می‌یابند.»<sup>(۱)</sup>

۲/ج - باردار شدن رحم‌ها

«و ما تزاد الارحام»

« به برکت شماست آنچه که فزاینده رحم‌ها می‌باشد؛ یعنی اگر رحمی مستعد تولید فرزند شد، این از برکت وجود ائمه علیهم‌السلام است.

۳/ج - واسطه صدور تقدیرات الهی

مهم‌تر این که، در اولین زیارت مطلقه حضرت اباعبدالله علیه‌السلام آمده است. <sup>(۲)</sup> «ارادةُ الرَّبِّ فی مقادیر امورهِ تهبطُ الیکم و تصدرُ مِن بیوتکم»

« تقدیرات الهی از طرف خداوند بر شما وارد شده و از بیوت شما به سراسر عالم صادر می‌شود.»

۱ - شفای بیماران، به دو صورت انجام می‌شود: گاهی بطور مستقیم توسط ائمه انجام می‌شود؛ چنان که در قسمت قبل (خصوصاً روایتی که در پاورقی ارائه شد) روشن گردید. گاهی هم با وساطت انجام می‌شود که در اینجا مورد توجه قرار گرفته است (طالقانی).

۲ - این زیارت از معتبرترین زیارات آن حضرت است و علامه امینی اوقاتی که حرم آن حضرت مشرف می‌شدند، عنایت ویژه‌ای نسبت به خواندن آن داشته‌اند.

### ۴/ج - واسطه در بخشش گناهان

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: هنگامی که مردم مرتکب گناهی شدند برای اینکه گناهان آنها را ببخشم، باید مراحل زیر را انجام دهند:

﴿و لو أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً﴾ (۱)

یعنی: افرادی که گناه کرده‌اند و می‌خواهند توبه نمایند، راهش این است که:

اولاً: بیایند پیش پیامبر. ثانیاً: در برابر او از خدا استغفار کنند. ثالثاً: پیامبر برای آنها طلب مغفرت نماید.

در این صورت خداوند آمرزنده گناه آنها و رحیم است.

همین آیه در زیارت حضرت رسول ﷺ آمده:

«اللَّهُمَّ انك قلتَ لنبیِّك محمدٍ صلی اللهُ علیهِ و آله: ﴿و لو أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ...﴾... اللهم و قد زُرته راغباً تائباً من سئیءِ عملی و مستغفراً لك من ذنوبی...» (۲)

وقتی ما در کنار قبر پیامبر اسلام ﷺ از ایشان می‌خواهیم که

۱ - نساء (۴)، آیه ۶۴.

۲ - عبارت مذکور، در دعای بعد از نماز زیارت حضرت رسول از بعید آمده است و شکل کوتاه‌تر آن در زیارت حضرت رسول (از نزدیک، که در مفاتیح الجنان، قبل از زیارت حضرت فاطمه زهرا آمده است) نیز ذکر شده است.

برای ما طلب مغفرت نماید، وهابی‌ها به ما اعتراض می‌کنند که پیامبر مرده است و نمی‌تواند کاری انجام دهد و این کار شما شرک است. می‌گوییم: این عین عبارت قرآن است. به ما پاسخ می‌دهند: این آیه مربوط به زمان حیات پیامبر است. تفکر و بینش آنها نسبت به پیامبر همین اندازه است، ولی تفکر شیعی بر اساس تعالیم عالیّه ائمه معصومین در ادعیه و زیارات این است که:

« شما اهل بیت زنده هستید و کلام ما را می‌شنوید و پاسخ ما را می‌دهید، ولی گوش ما برای شنیدن پاسخ شما مستعد نیست.»

«اشهد انک تسمع کلامی و ترد سلامی»

اینها معارفی است که ما در پرتو ادعیه و زیارات وارده از طرف معصومین می‌آموزیم و دیگران از آن محروم هستند.

#### نتیجه:

مجموعه ادعیه و زیاراتی که در کتب ادعیه نقل شده، صرفاً نیایش و سلام نیست، بلکه همراه آن شناخت معارف اسلامی از قبیل خداشناسی، پیامبرشناسی، امام‌شناسی و تمامی ابعاد دین‌شناسی می‌باشد که باید به این مسائل دقت شود.

ادعیه و زیارات یک مدرسه و یک دانشگاه متعالی و سیّار است که همیشه و همه جا می‌تواند همراه انسان باشد.

سعی کنید وقتی به زیارت ائمه مشرف می‌شوید با معرفت آنها را زیارت کنید؛ زیرا «شخصی که ائمه را با معرفت زیارت کند،

همچون کسی است که خداوند را در عرش زیارت کرده باشد».

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

### تذکر

- ۱- استاد محترم بحث را بطور کلی و نظر به جنبه عمومی ادعیه و زیارات مطرح نموده و تمام مثالها را از زیارتهای دیگر بیان کرده‌اند. تطبیق و ارائه مثال از زیارت ناحیه در بحث بعد ملاحظه خواهد شد.
- ۲- در اینجا فقط یک مورد از نقش ادعیه (ارتقاء سطح آگاهی و درک عمیق معارف اسلامی) بیان شده است. موارد دیگر در بحث بعدی ملاحظه خواهد شد.



سخنرانی ۲۸ و ۲۹/۲/۱۳۷۹

حضرت آیه الله علی کریمی جهرمی

## نقش زیارات

قبل از بیان نقش زیارات و آثار و فوائد آن، معنای زیارت ذکر می‌گردد.

زیارت دو معنای مصطلح دارد:

ا- تشرّف به حضور انبیاء و اوصیاء در زمان حیات آنان و نیز تشرّف به حرم مطهر و عرض ادب در کنار قبور منور آنان.

ب- خواندن عبارات خاص که متضمن سلام و تحیّت و عرض ادب به ساحت قدس آن اولیاء الهی است.

این معنا نیز همانند معنای اوّل به دو گونه است: گاهی با خواندن آن عبارات خاص در کنار قبور آن عزیزان انجام می‌شود و گاهی از راه دور. در هر حال از طریق قرائت آن متون، با آن بزرگواران رابطه برقرار کرده و عرض ادب می‌کنیم.

مقصود از زیارت در این بحث، همین اصطلاح اخیر (ب) است.

\* \* \*

زیارات یکی از الطاف خداوند متعال است که برای حفظ دین و معتقدات مردم، مقرر شده و حداقل دارای سه فایده اصلی می‌باشد.

## ۱- شناخت معارف اسلامی

زیارات، معتقدات انسان را روشن و تثبیت می‌کند؛ انسان را نسبت به خداوند متعال، عالم غیب، جهان آخرت، انبیاء و امامان و رسالت بزرگ آنها آشنا و آشناتر می‌سازد و بالاخره سطح آگاهی انسان را نسبت به معارف دینی بالا برده، به او شناخت عمیق و دید تازه می‌دهد.

علاوه بر این، نیروی ایمان را تقویت کرده و همواره روح توحید خالص را در جان انسان بیشتر می‌نماید، خصوصاً اینکه برنامه زیارتها مستمر است و بندگان خداوند در هر موقعیت زمانی و مکانی به زیارت پیامبر و ائمه اطهار و خاندان جلیل رسالت علیهم السلام می‌پردازند و با آنها ارتباط برقرار می‌کنند.

افزایش ایمان که شناخت قلبی است با شناخت ظاهری جمع شده و یک شناخت کامل و دو جانبه به انسان می‌دهد (۱) و چنین شناختی، انسان و جامعه را بسوی حیات طیبه سوق می‌دهد.

---

۱ - به بیان دیگر: نقش زیارات در زمینه شناخت، دو بعدی است: ظاهری و باطنی. ظاهری آن نیز در دو بعد (روشن و تثبیت کردن) می‌باشد که بعد روشنگری آن نیز دو بعد دارد:

ا - کمی یا افزایش آگاهی‌ها

ب - کیفی شامل ارتقاء سطح آگاهی، شناخت عمیق و دید تازه، می‌باشد. بعد باطنی، همان شناخت قلبی و ایمان است. (طالقانی)

## ۲- ادای حقوق معصومین

فایده دیگر زیارات، این است که ما از طریق این مراسم، گوشه کوچکی از حقوق آن بزرگواران را ادا می‌نمائیم؛ زیرا ائمه علیهم‌السلام - همان طور که در زیارت جامعه می‌خوانیم - اولیای نعم هستند و هر انسان خردمندی این را دانسته و پذیرفته است که باید نسبت به ولی نعمت خود ادای احترام کند.

در این مورد، روایتی از امام رضا علیه‌السلام نقل شده که می‌فرمایند: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ أَنْ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حَسَنِ الْإِدَاءِ، زِيَارَتِ قُبُورِهِمْ» (۱).

« هر امامی عهد و پیمانی برگردن شیعیانش دارد و از مراتب عالی ادای این عهد و پیمان، رفتن آنها به زیارت ائمه علیهم‌السلام است. »

این ادای حقوق که بصورت زیارت انجام می‌شود، همانطور که در ابتدای بحث بیان شد، به دو گونه محقق می‌گردد: یکی بصورت عمل (حضور در حرم یا مجلس زیارت) و دیگری با ذکر مقام و حقوق آن بزرگواران. مردم با خواندن زیارات خصوصاً با حضور در حرم پیامبر و امامان، مراتب رفیع و شأن والای آنان را می‌ستایند و از این رهگذر، حق شناسی خود را نسبت به حقوق بی‌شمار آن بزرگواران بویژه حق هدایت و امامت را نشان داده و قدردانی می‌کنند.

### ۳ - توسل به ائمه اطهار

زیارت‌ها یک نوع توسل آبرومند و با شکوه نسبت به بزرگان دین بشمار می‌رود؛ زیرا سلام و درود و عرض اخلاص، نوعی نمایش عشق و محبت عمیق قلبی نسبت به ائمه علیهم‌السلام و حاکی از ارتباط با آنان می‌باشد. در قرآن می‌خوانیم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾

«ای مؤمنان با تقوا باشید و وسیله‌ای برای اتصال به خدا فراهم آورید.»

ابن شهر آشوب در ذیل همین آیه از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل کرده است که می‌فرمایند: «أَنَا وَسِيلَتُهُ»<sup>(۱)</sup> یعنی آن وسیله‌ای که در قرآن از آن یاد شده من هستم.

و ما می‌دانیم که همه ائمه علیهم‌السلام انوار واحد هستند و حکم آنها همان حکم حضرت علی علیه‌السلام است. بنابراین با زیارت‌ها، ائمه را وسیله قرب الهی قرار می‌دهیم. از اینرو زیارت یک نحوه توسل است. زیارت وقتی جلوه مخصوص توسل را به خود می‌گیرد که زائر دریافته باشد این بزرگواران، محبوب‌ترین بندگان خدا و شاهدان اعمال در دنیا و شافعان مردم در آخرت هستند.

از اینرو در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفَعَاءَ اقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ

الْآخِيَارِ الْأئِمَّةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتَهُمْ شَفَعَائِي»

## ۴- تبلور مبانی اعتقادی

نکته قابل توجه اینکه خواندن زیارت مبتنی بر دو مقدمه اعتقادی است:

### ۴/۱- اعتقاد به حیات دائمی ائمه

اولین مقدمه اعتقادی، قرائت زیارات ائمه علیهم السلام، اعتقاد قلبی و راسخ انسان به حیات دائمی آنها می باشد و بر اساس همین اعتقاد است که با ائمه علیهم السلام صحبت می کند؛ زیرا انسان تنها با کسانی صحبت می کند که صاحب حیات و شعور و اثر هستند.

در اذن دخول مشاهد مشرفه می خوانیم:

«اشهد انک تشهد مقامی و تسمع کلامی و ترد سلامی».

«ای امام معصوم، شهادت می دهم که شما حال و موقعیت مرا می بینید [و می دانید که می خواهم با شما در ارتباط باشم] و سخن مرا می شنوید و با تمام نوازش گری جواب سلام مرا می دهید».

و نیز می خوانیم: «و اشهد انکم احياء عند ربکم ترزقون»

«شهادت می دهم که شما بزرگواران زنده هستید و نزد پروردگارتان روزی می خورید».

اینکه ما معتقدیم ائمه دارای حیات هستند. به همین دلیل است که آنها، هم شهید هستند و هم دارای مقام عصمت و هم دارای مقام ولایت مطلقه الهی می باشند.

## ۴/۲ - اعتقاد به برقراری ارتباط با عالم غیب

دومین مقدمه از مبانی اعتقادی زیارت ائمه علیهم السلام، این است که خداوند به انسان این لطف را عطا کرده است که بتواند از این عالم ماده با عالم ماوراء طبیعت یعنی جهان غیب، ارتباط برقرار کند. وقتی چنین مقدماتی تبیین گردید، دیگر تعجب نخواهیم کرد که چگونه برخی از بزرگان با وجود مشاغل و مسئولیت‌های علمی و اداره حوزه‌های علمیه، مقید به قرائت زیارات بوده‌اند.

در حالات مرحوم شیخ مرتضی انصاری رحمته الله علیه می‌خوانیم که ایشان در هر شبانه روز غیر از واجبات و نوافل، مقید به چهار برنامه دیگر هم بوده‌اند: ۱- خواندن یک جزء قرآن ۲- خواندن نماز حضرت جعفر طیار علیه السلام ۳- خواندن زیارت جامعه ۴- خواندن زیارت عاشورا و این چهار برنامه را از اوائل بلوغ تا آخر عمر شریفشان داشته‌اند. (۱)

چنین بزرگانی بخوبی دریافته‌اند که خواندن زیارات، نه تنها مانع خدمات بزرگ نیست، بلکه بر عکس عامل موفقیت چشمگیر برای کارهای فوق العاده و خدمات ارزنده می‌باشد؛ چرا که با خواندن زیارت، پیوند انسان با معصومین و ارتباط او با عالم غیب بیشتر شده و در سایه قرب الهی قدرت علمی و عملی و نیز توفیق او بیشتر می‌شود.

## دلایل صحت انتساب زیارت ناحیه به امام زمان (عج)

این سؤال مهم مطرح است که آیا زیارت ناحیه مستند است؟ یعنی آیا سند این زیارت به حضرت بقیة الله الاعظم (عج) ختم می‌شود؟ یا اینکه از منشآت برخی از اکابر و علمای اعلام است؟ بنا بر دلایل و شواهدی چند، می‌توان گفت که این زیارت از جانب حضرت خاتم الاوصیاء، امام زمان (عج) صادر شده است.

جهت روشن شدن بحث لازم به ذکر است که برای بررسی صحت سند و تقویت احادیث و روایات گاهی تمام سلسله سند را مورد بررسی قرار داده و تحقیق می‌کنند که آیا تمام راویان حدیث؛ صالح، پرهیزکار و با تقوا و محتاط در نقل بوده‌اند یا خیر؟ ولی این روش همیشه ضروری نبوده و یا ممکن نمی‌باشد؛ چرا که گاهی یک روایت سندش کاملاً روشن نیست و به عبارتی روایت مرسله یا مقطوعه می‌باشد. گاهی هم سند ضعیف است، لیکن حجیت آن از راه‌های دیگری ثابت می‌گردد.

صحت سند زیارت ناحیه از همین راه‌ها (شیوه دوم) بدست می‌آید که در دنباله بحث، ملاحظه خواهد شد.

## ۱- همسوئی با زیارات معتبر

یکی از طرق تقویت سند و احراز صحت حدیث این است که بررسی کنیم؛ آیا فرازهای این روایت در روایات معتبر آمده یا خیر؟ مشاهده چنین مطلبی موجب می شود که فقیه بتواند به این روایت ضعیف و یا مقطوعه یقین یا اطمینان حاصل کند و بر اساس آن فتوا بدهد.

این ویژگی در زیارت ناحیه مشاهده می شود. بعنوان نمونه در این زیارت امام زمان (عج) به جدّ بزرگوار خود خطاب می کنند:

«وَأُقِيمت لَكَ الْمَأْتَم فِي أَعْلَى عَلِيّينَ وَ لَطَمت عَلَيْكَ الْحَوْرُ الْعَيْنِ وَ بَكَتِ السَّمَاءُ وَ سُكَّانُهَا وَ الْجِنَانُ وَ خُزَّانُهَا..»

«ای حسین تو آن شهیدی هستی که مجلس عزای تو را نه تنها در زمین، بلکه در عالم بالا بر پا می کنند و حوریان بهشتی در عزای تو مشغول به صورتهایشان می زنند و آسمان و ساکنین عالم بالا و بهشت و نگهبانان آن برای تو می گریند.»

در بحار و در کامل الزیارات ابن قولویه روایات زیادی نقل شده که عزای سید الشهداء علیه السلام در عالم بالا و توسط اهل آسمانها بر پا شده است.

این مسئله، انسان را مطمئن می کند که این زیارت از ناحیه مقدسه معصوم صادر شده است.



## ۲- داشتن مضامین بلند و موزون

راه دیگر این است که زیارتی دارای مضامین بسیار بلندی بوده و محتوای ارزشمندی داشته باشد؛ هر چند مضامین آن در روایات دیگر هم نیامده باشد. در چنین صورتی برای فقیه اطمینان حاصل می‌شود که این روایت از جانب معصوم صادر شده است.

بدیهی است که اگر این مضامین عالی در قالب الفاظ و عبارات موزون و مشابه کلمات اهل بیت باشد اطمینان مضاعف خواهد شد. از مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء سؤال شد که آیا سند دعای صباح صحیح است؟ ایشان از همین راه وارد شدند و پاسخ دادند که ما کلمات ائمه علیهم السلام و بویژه کلمات امیرالمؤمنین را می‌شناسیم و امکان ندارد این گونه مضامین عالی جز از دهان امیرالمؤمنین علیه السلام صادر شده باشد.

زیارت ناحیه نیز دارای چنین خصوصیتی است و از مضامین بلند و معانی عالی برخوردار بوده و دارای عباراتی موزون و متناسب با لسان معصوم می‌باشد. لذا این گواه زنده ما را مطمئن می‌سازد که این زیارت از امام معصوم صادر شده است.

بعنوان مثال این عبارات زیارت ناحیه را می‌نگریم:

« فالویل للعصاة الفسّاق، لقد قتلوا بقتلک الاسلام »

«وای بر حال آن عاصیان فاجر و اهل گناه. ای حسین با کشتن تو

اسلام را کشتند».

چه مضمون بلندی است ! سید الشهداء علیه السلام را هم تراز اسلام معرفی کرده است. (۱)

«و عَطَّلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ»

«با کشتن تو نماز و روزه را ضایع کردند».

«و نقضوا السنن و الاحکام»

«با کشتن تو سنت‌ها و احکام الهی را نقض کردند».

«و هدموا قواعد الايمان و حرّفوا آیات القرآن»

«با کشتن تو ستون‌های ایمان را سرنگون و آیات قرآن را تحریف

کردند».(۲)

«و هملجوا فی البغی و العدوان»

«ای حسین! جنایت کاران در ظلم و تجاوز بر تو پیش تاختند».

۱ - در این رابطه شاعر گفته:

و يُكْبِرُونَ بِأَن قُتِلَتْ و أَمَّا قَتَلُوا بِكَ التَّكْبِيرَ و التَّهْلِيلَا

برای این که ترا کشتند، تکبیر گفتند، در حالی که با کشتن تو تکبیر و لا اله الا الله را کشتند .

۲ - چقدر آیه در شأن اهل بیت : بود و مخالفین، آنها را بر دیگران تطبیق

نمودند. شبیه آیه ( و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضاة الله و

الله رثوف بالعباد) که این آیه در شأن حضرت امیر ۷ نازل شده بود، اما

مخالفین ایشان، این آیه را در مورد دشمنان آن حضرت تأویل کردند.

در مورد امام حسین ۷ نیز قرآن را تحریف کرده، آیه اولوالامر را با یزید

تطبیق کرده و حسین ۷ را مخالف و خروج کننده بر ولی امر قلمداد کرده و اقدام

به قتل وی نمودند.

### ۳ - امضاء علما

روش دیگر برای تقویت یک روایت، امضاءهای صریح یا تلویحی علما و بزرگان می‌باشد که در اینجا برخی از آنها ارائه می‌شود:

۳/۱ - شیخ محمد بن مشهدی رحمته الله از علمای بزرگی است که در وثاقت و جلالت او هیچ بحثی نیست. ایشان برای نقل زیارت ناحیه چنین بیان فرموده است: «زیارة اخری فی یوم عاشورا مما خرج من الناحية الى احد الابواب»<sup>(۱)</sup>.

«این زیارت دیگری در روز عاشورا است که از ناحیه حضرت ولی عصر صادر شده و بدست یکی از سفرای ایشان رسیده است». از تعبیر ایشان روشن می‌شود که ایشان هیچگونه تردیدی در صحت انتساب زیارت ناحیه به حضرت بقیه الله (عج) نداشته‌اند. آیا شما احتمال می‌دهید یک عالم جلیل القدری مثل ابن مشهدی حدیث یا زیارتی را جعل کند و آن را به حضرت بقیه الله (عج) نسبت دهد؟!!

۳/۲ - علامه مجلسی رحمته الله یک حدیث شناس عالی مرتبه‌ای است و کتاب مرآة العقول ایشان با صدای رسا فریاد می‌زند که ایشان در علم درایت و حدیث تبحر بسیار داشته است. ایشان در ذیل روایت

مزبور می فرماید: « فظهر أنَّ هذه الرواية منقولة مروية » (۱).

از این عبارت، مشخص می شود که علامه مجلسی زیارت ناحیه را یک زیارت منقوله دانسته و آن را از منشآت علماء و اکابر نمی داند.

۳/۳ - آیه الله حائری رحمته

مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقای شیخ قوام الدین و شنوهای اظهار می داشتند که در سنین نوجوانی از مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری پرسیدم که در این عبارت از زیارت ناحیه « و سرجک علیه ملویاً»، زین را به راکب (امام حسین) نسبت داده است، در حالی که زین را به مرکوب نسبت می دهند (۲).

ایشان پاسخ دادند: در عرب، تعابیر یک گستره ای دارد؛ یعنی می توان زین را به هر یک از راکب یا مرکوب نسبت داده و گفت: زین اسب یا زین صاحب اسب.

نکته ای که بنده از این مطلب استفاده می کنم این است که اگر آقای حاج شیخ عبدالکریم با آن احتیاط فوق العاده ای که داشتند کمترین شک و تردیدی راجع به زیارت ناحیه در ذهنشان بود، قاعده اش این بود که بگویند این زیارت از طریق اهل بیت علیهم السلام به ما نرسیده و حتی همین جمله را هم شاهی بر ضعف زیارت ناحیه به

۱ - همانجا

۲ - زیرا معنی جمله مزبور این است که ای حسین، زین تو بر آن اسب واژگون شده بود.

حساب آورند، در حالی که ایشان در پی حل اشکال برآمده و آن را دفع نمودند.

به عبارت دیگر: ایشان اعتبار این زیارت را مسلم و مفروع عنه دانسته و مشکل را حل کردند.

۳/۴ - محدث قمی رحمته الله که عالمی موثق و در نقل روایت بسیار محتاط و جزء نوابغ بوده، در وصف امام حسین می فرماید:

«فکان کما وصفه ابنه الامام المهدی»<sup>(۱)</sup>

«امام حسین علیه السلام آنچنان بود که فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه، او را توصیف کرده است.»

آنگاه این جملات را از زیارت ناحیه می آورد:

«کنت للرسول عضداً و للقرآن سنداً...»

مرحوم محدث قمی، این جملات را که در وصف امام حسین است، به امام زمان نسبت داده و همین تعابیر را بهترین معرفی برای امام حسین علیه السلام می داند.

خلاصه اینکه ایشان خیلی صریح و بدون تشویش و احتمال ضعف سند، زیارت ناحیه را به امام زمان نسبت داده و آنرا قطعی گرفته و تأیید کرده اند.<sup>(۲)</sup>

۱ - نفس المهموم چاپ بصیرتی ص ۲۳۳، ترجمه مرحوم کمره‌ای و چاپ اسلامیة ص ۱۰۴ (وقایع شب عاشورا).

۲ - در اینجا ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا محدث قمی این زیارت را در مفاتیح نقل نکرده است؟ پاسخ این سؤال پس از پایان مؤیدات علما بر صحت انتساب این زیارت به امام زمان، بیان خواهد شد.

۳/۵ - سید عبد الرزاق موسوی مقرر رضی الله عنه (۱) پس از نقل عبارت پر سوز «فلما رأین النساء جوادک مخزياً»، مدرک عبارت فوق را زیارت ناحیه مقدسه ذکر کرده است (۲).

۳/۶ - سید محمود امامی اصفهانی رضی الله عنه که عالمی بزرگوار و محدثی جلیل القدر است، در چند مورد از کتاب سودمند خود به نام «ثمرات الحیاة» فقراتی از این زیارت را نقل کرده و به هنگام نقل چنین تعبیر نموده است: «كما فی زیارة الناحیه» مثل: «و بالعویل داعیات...» و یا «فلما رأین النساء جوادک مخزياً» (۳).

این عالم محترم و محدث سابقه دار که مقبول علمای بزرگ بوده (۴) عبارات مذکور را به ناحیه مقدسه نسبت داده است.

۱ - محقق و نویسنده عرب، که متوفای ۱۳۹۱ هـ ق. بوده و تألیفات مختلفی در باره شهدای اهل بیت دارد. اولین اثر ایشان، «زید شهید» و معروفترین اثر، «مقتل الحسین» است. برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع شود به: الذریعه ج ۱۲، ص ۸۸ و ج ۲۲، ص ۳۲.

۲ - مقتل الحسین، ص ۳۶۸.

۳ - ثمرات الحیاة، چاپ قدیم، ج ۲ ص ۱۸۶ و ۳۶۹.

۴ - چنانکه مرحوم آیت الله حاج آقا رحیم اریاب اصفهانی رضوان الله علیه او را در تقریظی که بر همان کتاب نوشته، چنین توصیف کرده‌اند:  
«السید السّند، التقی النقی، العالم الورع، البارع الخاشع، الصفیّ، السالک مسالک اجداده الامجاد...»

و مرحوم آیت الله حاج میرزا علی آقای شیرازی رضوان الله علیه در تقریظ خود او را بدین نحو ستوده است: «سید و آقای نبیل و محدث جلیل غوّاص بحار انوار و مخزن لثالی اخبار... پنجاه سال است که از مواعظ و ذکر اخبار ایشان در مجالس عمومی و خصوصی استفاده نموده‌ام.

#### ۴ - رابطه خاص

مؤید دیگر برای صحت انتساب زیارت ناحیه به امام زمان (عج)، رابطه خاص بین حضرت بقیه الله (عج) و وجود مقدس امام حسین علیه السلام در این زیارت می باشد.

قرآن کریم این رابطه را چنین بیان داشته است:

﴿ و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً ﴾ (۱)

« هر کس مظلومانه کشته شود، این حق را برای ولی او قرار داده ایم که از قاتلین آن مظلوم، انتقام گیرد و خونخواهی کند.»

در تفسیر این آیه شریفه از معصوم علیه السلام نقل شده است که مراد از مظلوم در این آیه شریفه امام حسین علیه السلام و مراد از ولی او که خداوند متعال به او سلطنت می دهد، حضرت ولی عصر (عج) است.

جلوه دیگری از این ارتباط را در زیارت مخصوصه امام حسین در شب نیمه شعبان مشاهده می کنیم.

جلوه سوم این رابطه را کتاب الزام الناصب اینگونه بیان می دارد که حضرت ولی عصر (عج) در روز ظهور تنها از جدشان امام حسین سخن می گویند.

حال این رابطه مخصوص و این پیوند ویژه حضرت ولی عصر (عج) با جد بزرگوارشان حضرت سید الشهداء را در معانی عالیّه

زیارت ناحیه مقدسه بخوبی می‌توان مشاهده نمود و این خود مؤیدی است بر اینکه این فقرات دلسوزانه و این عبارات مهیج از قلب سوزان حضرت بقیه الله (عج) در سوگ امام حسین علیه السلام برخاسته است.

## ۵- شواهد داخلی

ویژگی‌های زیارت ناحیه که در بخش بعدی بیان می‌شود، هر کدام شاهی برای این هستند که این زیارت از معصوم صادر شده است



### چرا زیارت ناحیه در مفاتیح نیامده است؟

همانگونه که قبلاً اشاره شد محدث قمی (حاج شیخ عباس)، زیارت ناحیه را در کتاب نفس المهموم مورد توثیق قرار داده، ولی آن را در مفاتیح الجنان نیاورده است و مناسب است که علت آن روشن شود.

به نظر می‌رسد که یکی از دو مورد زیر می‌تواند علت این امر باشد:

- ۱ - ممکن است ایشان غفلت کرده و از قلمشان افتاده باشد.
- ۲ - امکان دارد که چون این زیارت طبق نقل ابن مشهدی از زیارات روز عاشورا<sup>(۱)</sup> است، به ذکر همان زیارت عاشورای معروف اکتفا کرده باشد.

البته این محدث جلیل القدر زیارت عاشورای غیر معروفه را نیز نقل کرده است، ولی آن زیارت غیر معروفه بسیار نزدیک به زیارت عاشورای معروفه است و بسیاری از عبارات هر دو عین هم یا نزدیک به هم می‌باشد، ولی این زیارت، زیارتی خاص و دارای مطالبی مخصوص و نظم و نسق ویژه‌ای است.<sup>(۲)</sup>

---

۱ - در مباحث بعدی (زمان خواندن زیارت ناحیه، ص ۷۳) روشن خواهد شد که زیارت ناحیه، اختصاص به روز عاشورا ندارد (طالقانی).  
 ۲ - بررسی و پاسخ این سؤال، در مباحث بعدی (ص ۱۲۳) نیز ارائه شده است (طالقانی).

### نکته قابل توجه

همواره لازم است از نقاط مثبت بهره گرفت و نباید با روی آوردن به نقاط منفی و تردید گرائی، خویشتن را از خیرات و برکات بی شمار محروم ساخت .

## ویژگی های زیارت ناحیه

### ۱- تبیین جنایات بنی امیه

زیارت ناحیه ، عملکرد ظالمانه بنی امیه را به نحوی بازگو نموده که تمام مردم دنیا متوجه می شوند که چه جرم و جنایت بزرگی در کربلا نسبت به فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واقع شده است. هیچ زیارتی عمق فاجعه کربلا را همانند زیارت ناحیه بیان نکرده است؛ مثلاً زیارت عاشورا فقط اشاره ای به عظمت مصائب امام حسین علیه السلام و فاجعه عاشورا نموده است و نیز یکی از زیارت های جامعه مشتمل بر فرازهایی از مصیبت آن بزرگوار می باشد ، ولی همانند زیارت ناحیه نیست و در هیچ موردی مصیبت عاشورا آنگونه که بوده جلوه داده نشده است.

یکی از مواردی که این حادثه وحشتناک را تبیین می کند این جملات تأثر انگیز است:

« فلئن اُخرتنی الدهور و عاقنی عن نصرک المقدور و لم اکن لمن حاربک محارباً و لمن نصب لک العدوّة مناصباً فلاندُبَّتک صباحاً و مساءً و لا یکنّ لک بدل الدموع دماً...»

«اگر روزگار تولد مرا به تأخیر انداخت و مرا از یاری تو محروم گردانید و با محاربان تو به محاربه پرداختم و با دشمنان تو به ستیز نایستادم، اکنون صبح و شام برای تو شیون می‌کنم و بجای اشک خون می‌گیریم.»

**خون گریه کردن بجای اشک، رمز عظمت مصیبت است.**

احتمال می‌رود که مقصود از صباح و مساء، همان اوّل صبح و هنگام عصر یا اوائل شب باشد. در این صورت، افراد زیادی هستند که در این دو وقت برای امام حسین علیه السلام گریه می‌کنند. اما ظرافت این عبارت آن است که با گریستن در این دو وقت نوعاً اشک تمام نمی‌شود تا انسان بجای اشک خون گریه کند. بنابراین بعید نیست که ذکر این دو کلمه رمز تمامی اوقات باشد؛ چنان که گفته می‌شود من شب و روز به یاد تو هستم و این جمله کنایه از استمرار است.

براین اساس، امام فرموده: من پیوسته در سوگ تو گریان و نالانم. جملات فوق شدت مصیبت عاشورا را بصورت کلی بیان کرده و جملات دیگر، انواع جنایات بنی امیه را بیان می‌کند؛ نظیر:

**«فمنعوك الماء و وُروده»**

«پس ترا از آب و وارد شدن بر آن بازداشتند.»

**«نصبوا لك غوائل مکرهم و قاتلوك بکيدهم و شرهم»**

«راههای مرگ آفرین مکرشان را بر سر راهت نهادند و بانیرنگ و

شرارتشان با تو جنگیدند.»

## ۲- ذکر مصائب

این زیارت مشتمل بر ذکر قسمت عمده و چشمگیری از مصائب امام حسین علیه السلام است. آن هم مصائبی جگر سوز و تأثرانگیز، که حاکی از آن است که از قلبی برخاسته که مطلع بر همه مصائب کربلاست و سوخته آن فاجعه بزرگ بوده است. اینک از باب نمونه این جملات را یاد آور می شویم:

«و اسرع فرسک شاردأ الی خیامک قاصداً محمماً باکیاً، فلماً رأین النساء جوادک مخزياً و نظرن سرجک علیه ملویاً، برزن من الخدور ناشرات الشعور، علی الخدود لاطمات، الوجوه سافرات و بالعویل داعیات و بعد العزّ مذللّات و الی مصرعک مبادرات و الشمر جالس علی صدرک و مولغٌ سیفه علی نحرک»<sup>(۱)</sup>

۱- پس از دقت و تحقیق روشن می شود که:

اولاً: «مولع» صحیح نیست و «مولغ» صحیح است؛ زیرا این کلمه در بحارالانوار (ج ۹۸ ص ۳۲۲) و مصادر قبلی آن با غین نقطه دار ثبت شده است. از این گذشته، معنای مولغ، «فروکننده» است که مناسبتر بوده و از لطافت خاصی برخوردار است: این لغت وقتی بکار می رود که درنده ای زبانش را در ظرف فرو کند تا آب یا خون بخورد و سیراب شود و بیشتر برای درندگان بکار می رود. (لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۹۸).

امام زمان (عج) عمل شمر را به عمل درندگان تشبیه فرموده و چنین ترسیم کرده که آن درنده خوی ملعون شمشیرش را همانند زبان درندگان در بدن امام فرو کرده تا خون امام را بریزد و از دیدگاه پلید خویش ارضاء و سیراب شود!! ←

«اسب تو شتابان و شیون کنان، شیهه می کشید و گریان به سوی  
 حرمسرای تو رهسپار گردید. همین که زنان حرم اسب تو را بهم ریخته  
 و زار دیدند و زین تو را واژگون مشاهده کردند، از خیمه ها بیرون آمده  
 همگی مو پریشان کرده سیلی بر صورت ها می زدند، نقاب از چهره  
 انداخته و صدا را به ناله بلند کردند. و بعد از عزت و سربلندی، به  
 روزی تأسف بار، مبتلا شدند و به سوی قتلگاه تو حرکت کردند در  
 حالیکه...».

این مصیبت، جگر خراش و تأثرانگیز است و خصوصاً بعضی از  
 فرازهای آن جانکاه است. از ایام کودکی یا نوجوانی به یاد دارم که  
 مرحوم آیه الله سید ابراهیم حق شناس جهرمی رضوان الله علیه این  
 مصیبت را می خواندند و با تأثر شدید و گریه مخصوص می گفتند:  
 زبان، لال است که جمله «بعد العزّ مذلات» را ترجمه کند!

از خروش اسب شاهنشاه عشق	زلزله افتاد در خرگاه عشق
بانوان از خیمه بیرون ریختند	در زمان شور، نشور انگیختند
ریختند اختر به روی آفتاب	یا که افشاندند بر گلها گلاب
دیده ها از اشک خونین بر همه	گنج دامن پر زلزل و در همه <sup>(۱)</sup>

➡ **ثانیاً:** عبارت «برزن من الخدور... سافرات» به شکل دیگری است که در  
 بعد و نیز در جلد ۲ تبیین گردیده است.

۱ - شعر از ابوالقاسم لاهوتی. نقل از شکوفه های ولایت، ص ۱۹۵.

### ۳- سلام‌های زیاد

این زیارت از تمام زیارات یا اکثر قریب به اتفاق آنها بیشتر سلام دارد؛ سلام برگروه چشمگیری از انبیاء الهی، سلام بر ائمه طاهرین و سلام بر حضرت سید الشهداء به نحو اخص.

در ضمن این سلام‌ها، اهدافی دنبال شده که برخی از آنها در ذیل (شماره‌های ۴ تا آخر) تبیین می‌گردد:

### ۴- سلام بر انبیا و توجه دادن مردم به سوی خدا

زیارت ناحیه، در تحکیم اساس خداشناسی نقش ویژه‌ای دارد. یکی از مصادیق این امر، توجه دادن مردم بسوی خداست که از فقرات سلام بر پیامبران الهی (در ابتدای زیارت)، قابل استفاده و استخراج می‌باشد.

در اکثر<sup>(۱)</sup> این سلام‌ها، صفات انبیاء به خداوند متعال نسبت

۱- در ابتدای زیارت ناحیه، نام بیست و سه نفر از انبیاء الهی ذکر شده است. نحوه توصیف آنها به چهار شکل انجام شده است:

ا- نام پانزده نفرشان (۶۵/۲٪ کل)، همراه با جمله‌ای آمده که در آن جمله، خداوند بعنوان فاعل و لطفی که خدا در حق آن پیامبر انجام داده، ذکر شده است؛ مثل: «السَّلامُ عَلٰی صَالِحِ الَّذِي تَوَجَّهَ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ».

ب- نام چهار نفرشان (۱۷/۴٪ کل)، همراه با صفت منسوب به خدا ←

داده شده است؛ نظیر:

« حباه الله بخلته » ، « از لفه الله بشهادته » ،.....

«بخشنده خلّت و دوستی به ابراهیم، خداوند است. فدا دهنده ذبح عظیم بجای اسماعیل، خداوند است. قرار دهنده نبوت در ذریه اسحاق، خداوند است. برگرداننده بینائی چشمان یعقوب، خداست. نجات دهنده یوسف از چاه، خداوند است. شکافنده دریا برای موسی، خدا است. زنده کننده عزیز بعد از مردنش، خداوند است. نزدیک کننده یحیی به مقام قرب در پرتو شهادت، خدا بود» .

در مواردی که فعلی نسبت داده نشده، آنجا هم به نحوی اسم پروردگار ذکر شده است<sup>(۱)</sup>؛ مانند:

«السّلام علی عیسی روح الله و کلمته»، «السّلام علی محمّد حیب الله و صفوته» .

«سلام بر عیسی که روح خدا و کلمه الله بود و این مقام و مرتبت را داشت که نمایشگر ذات اقدس پروردگار بشمار آید، سلام بر حضرت محمّد که محبوب درگاه ذات اقدس الهی به شمار می آید» .

⇒ آمده است؛ مثل: «السّلام علی آدم صفوة الله من خلیقته». این چهار نفر عبارتند از: آدم، شیث، عیسی و محمد صلوات الله علیهم .

ج - نام دو نفرشان (۸/۷٪ کل)؛ یعنی ادریس و هود، همراه با صفتی آمده و سپس یادآوری شده که تحقق آن، به کمک خدا بوده است .

د - نام دو نفرشان (۸/۷٪ کل)؛ یعنی نوح و زکریا، فقط همراه با توصیف آمده و ذکری از خدا نشده است (طالقانی) .

۱ - به توضیحات ارائه شده در پاورقی قبل، توجه شود (طالقانی).



## نتیجه

در اکثر سلام‌های ذکر شده در این زیارت، اسم مبارک پروردگار به یکی از دو صورت فوق آمده است و علتش، توجه دادن مردم بسوی خداوند است.

غالباً انسانها بواسطه طبیعتشان تشنه فضائل هستند و این مسئله گاهی موجب می‌شود که صاحب فضیلت را مستقل و جدا از دهنده فضائل ببینند. لذا همراه با این عبارات، پیوسته اسم خدا ذکر گردیده تا مردم تحت جذبه‌های انبیاء، متوجه خدای انبیاء گردند و به گونه‌ای نباشند که یاد آن بزرگواران، موجب فراموشی خدا شود.

همواره باید متوجه باشیم که دهنده تمام فضائل و کمالات و معدن تمام خوبی‌ها و حسن‌ها و منشأ جمالها و جلالها، ذات اقدس الهی است.

به همین دلیل، سفارش شده است که در حرم‌های مطهر معصومین علیهم‌السلام تکبیر و تسبیح گفته و نماز بخوانیم و ذکر الهی را بجای آوریم. این سفارش برای این است که نکند جذبه‌های بسیار عمیق اهل بیت و حرم‌های مطهر آن بزرگواران، باعث شود که از دهنده اصلی تمام این فضائل و کمالات غافل شویم.

این امر، نکته آموزنده و هشدار و هدایت است که امت اسلام و مخصوصاً شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام باید متوجه آن باشند.

## ۵ - سلام بر انبیاء و پیامبر شناسی

همانطور که اشاره شد، در ابتدای این زیارت نام ۲۳ پیغمبر ذکر شده و معارفی را به ما می آموزد. یکی از آنها خداشناسی است که بیان شد. یکی دیگر از آنها پیامبرشناسی است.

در این سلام‌ها، برای هر یک از انبیاء مقامات و فضائلی که خدای متعال به آنها عنایت نموده بیان گردیده است؛ نظیر:

«السَّلَامُ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ الَّذِي حَبَاهُ اللّٰهُ بِخَلْتِهِ»

« سلام بر حضرت ابراهیم که خدا دوستی خود را به او عنایت کرد و به همین دلیل در میان انبیاء به ابراهیم خلیل الله مشهور است.»

«السَّلَامُ عَلٰی اِسْمَاعِيْلَ الَّذِي فِدَاهُ اللّٰهُ بِذَبِيْحٍ عَظِيْمٍ مِنْ جَنَّتِهِ»

«سلام بر پیامبر بزرگواری که خداوند متعال بجای قربانی شدن او فدیة عظیمی از بهشت فرستاد تا بجای او قربانی گردد.»

«السَّلَامُ عَلٰی زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِي مِحْنَتِهِ»

« سلام بر حضرت زکریا که در آزمایش سختی که برای او پیش آمد، صبر و تحمل بسیار از خود نشان داد.»

«السَّلَامُ عَلٰی يَحْيٰى الَّذِي اَزَلَفَهُ اللّٰهُ بِشَهَادَتِهِ»

« سلام بر حضرت یحیی پیغمبری که خداوند متعال او را در لوای شهادت به مقام قرب خود رسانید و در پرتو شهادت، او را مقرب درگاه خود قرار داد.»

این عبارت از آن حکایت می‌کند که بهترین وسیله و عالیترین عامل برای نیل به مقام قرب حق تعالی، مقام شهادت است. شهید قرب به حضرت حق پیدا کرده و در جوار معبود ساکن می‌گردد. در این بخش از زیارت فضائل و مناقب و نقشه‌های هدایت‌کننده انبیاء بیان شده که ما را با آنها آشنا می‌کند و به ما درس پیامبرشناسی می‌آموزد.

### فایده و برکت آشنائی با مکتب انبیاء الهی

یکی از آثار و فوائد زیارات، آشنائی با مکتب انبیاء الهی است که نتیجه آن، محافظت انسان از فرو غلطیدن در دامن گمراهان و شیاطین است.

نام انبیای الهی، یادآور صبر، جهاد، ایثار، نوع دوستی، ظلم ستیزی و عالیترین مظاهر بندگی خداوند متعال است.<sup>(۱)</sup> یاد سفرای الهی، تذکر یک دنیا صفا و نورانیت و القاء کننده روشها و سنتهای عالی انسانی است.

ذکر رسولان خدا، دریچه سعادت‌مندی و رشد و رستگاری بوده و خاطره‌انگیز و حرکت آفرین است.

---

۱ - چنان که اغلب این صفات در عبارات همین زیارت ناحیه، صریحاً آمده و یا بدان اشاره شده و یا کلمات خاص، یادآور آنها می‌باشد؛ نظیر: صبر ایوب و زکریا، ایثار اسماعیل، شهادت یحیی و مجاهدت‌های طولانی همه انبیاء خصوصاً نوح و ابراهیم صلوات الله علیهم اجمعین (طالقانی).

## ۶ - معرفی معصومین پاک

در سه جای این زیارت، از معصومین پاک علیهم السلام سخن به میان آمده است:

أ - در اوائل زیارت، بعد از سلام بر پیامبران علیهم السلام این عبارت آمده: «السّلام علیّ أميرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب المخصوص بأخوّه، السّلام علی فاطمة الزّهراء ابنته، السّلام علی ابی محمّد الحسن وصیّ ابیه و خلیفته، السّلام علی الحسین الذی سمحت نفسه بمهجته».

در این قسمت، نام چهار تن از اصحاب کساء علیهم السلام با ذکر خصوصیات آن بزرگواران بیان شده است:

« سلام بر امیرالمؤمنین علی علیه السلام که در برادری با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله امتیاز ویژه‌ای دارد».

هیچ کس در زیر این آسمان نیست که افتخار برادری با رسول خدا صلی الله علیه و آله داشته باشد، جز مولای ما امیرالمؤمنین علی علیه السلام.  
« سلام بر فاطمه زهرا علیها السلام که دختر پیامبر است».

شناخت و توجه به این نسبت، موجب می‌شود که اولاً انسان ظلم و ستمی نسبت به ایشان روا ندارد، ثانیاً نسبت به کسانی که به آن بزرگوار ظلم و ستم روا داشتند، شناخت دقیقی بدست آورد.

« سلام بر امام حسن مجتبی علیه السلام که وصی پدر بزرگوار خود بود».

« سلام و درود بر حسین علیه السلام که جوانمردی او به حدی رسید که خونس را در راه خدا و برای برقراری احکام خدا و حمایت از حریم دین، بذل و بخشش نمود.»

**ب -** در قسمت پایانی زیارت (قسمت دعا و درخواست)، امام زمان خدا را به انوار طیبه معصومین علیهم السلام قسم می دهند، از پیامبر و فاطمه و امیرالمؤمنین تا امام عسکری، همه را با نام ذکر نموده و سپس مطالبی را از خداوند درخواست می کنند و در این عبارات هم ویژگی ها و صفاتی را برای ائمه هدا بیان می دارند که بسیار قابل توجه است.

**ج -** در آخر (دعای قنوت) هم مجدداً با سلام یادی از ائمه طیبین شده و مخصوصاً برای پنج تن آل عبا ویژگی هائی بیان گردیده که از آن جمله است:

«فصل علی محمد رسولک الی الثقلین و سید الانبیاء المصطفین و علی اخیه و ابن عمه اللذین لم یشرکا باللّه طرفه عین ابداً»

« خدایا درود فرست بر محمد و علی، آن دو بزرگواری که حتی به اندازه یک چشم بر هم زدن هم نسبت به خداوند شرک نوزیدند.»

این مطلب از دو جهت آموزنده است: یکی اینکه حضرت علی علیه السلام را در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و با یک صفت معرفی نموده و دیگر این که در مقابل حضرت علی علیه السلام کسانی قرار داشتند که خود را هادی جامعه معرفی می کردند، ولی مدت زیادی از عمر آنها در شرک و بت پرستی گذشته بود.

« و علی فاطمة سیده نساء العالمین »

« و سلام بر فاطمه زهرا علیها السلام که بانوی زنان هر دو عالم است ».

« و علی سیدی شباب اهل الجنة »

« سلام بر امام حسن و امام حسین دو آقای جوانان اهل بهشت ».

در ادامه این جملات ، نام بقیه ائمه نیز ذکر شده و از خدا خواسته شده که به حق حجة بن الحسن ، فرج ایشان را نزدیک گرداند و همچنین درخواستهای دیگری بیان شده است .

پس در سه جای این زیارت ، حضرت بقیة الله الاعظم (عج) به ما درس امام شناسی می دهند و در آن اهلبیت علیهم السلام را به ما معرفی می کنند.

این سه جا، در واقع سه موقعیت مهم می باشد:

موقعیت اول، اوائل زیارت و بدنبال بخش پیغمبر شناسی است که مجموعاً مبانی اعتقادی و نیز سابقه امام حسین را تبیین می کند .  
موقعیت دوم ، قسمت دعا و درخواست می باشد. در این قسمت نام ائمه از آن جهت ذکر شده که می خواهیم به آنها توسل پیدا کنیم و چون توسل نیازمند شناخت است ، نام ائمه همراه با اوصاف خاصی بیان شده است .

موقعیت سوم ، دعای قنوت است که جایگاه ویژه خود را دارد. در این جا بعد از اقرار به ابعاد مختلف توحید، از خدا می خواهیم که بر یکایک چهارده معصوم صلوات بفرستد و دعای ما را اجابت کند.

## ۷ - سلام‌های مختلف بر امام حسین

در زیارتهای دیگر، سلام بر حضرت امام حسین یکجا و بصورت کلی آمده، ولی در این زیارت، سلام‌ها گاهی با ذکر نام و فضائل و عملکرد ایشان بیان شده و گاهی بر اعضا و جوارح ایشان. هر یک از این موارد در ذیل ملاحظه می‌گردد.

### ۷/۱ - سلام بر اعضا و مصیبت وارد شده بر آنها

«السّلام علی الشّیب الخضیب السّلام علی الخد التّریب»  
 «السّلام علی الثّغر المقروع بالقضیب السّلام علی الرّأس المرفوع»  
 «السّلام علی الاجساد العاریة فی القلوات».

\* سلام بر محاسن به خون خضاب شده و رنگین امام حسین

\* سلام بر گونه خاک آلود آقا

\* سلام بر لب نازنینی که زیر چوب یزید رفت

\* سلام بر سری که بالای نیزه زده شد

\* سلام بر آن اجسادى که برهنه در بیابان ماند....

شایان توجه است که در این عبارات، علاوه بر آن که هر یک از اعضا آن حضرت مورد سلام قرار گرفته، به مصیبت آن عضو و صدمه‌ای که بر آن وارد آورده‌اند، نیز اشاره شده است.

این گونه سلام‌ها، اگر با توجه خوانده شود، انسان را با عمق فاجعه سید الشهداء عجبین می‌کند.

## ۷/۲ - ذکر فضائل و مناقب حضرت سید الشهداء

در قسمت دیگری از سلام‌ها، فضائل نسبی و کرامت‌های اخلاقی و اجتماعی آن بزرگوار ذکر گردیده است:

«السَّلام علی ابن خاتم الانبیاء»: «سلام بر فرزند خاتم پیامبران».

این عبارت بیان فضیلت حسبی آن بزرگوار است .

«السَّلام علی من بکنه ملائکة السماء»

« سلام بر آقائی که ملائکة آسمان برای او گریه کردند».

در این عبارت فضیلت معنوی و موقعیت سیدالشهداء و نیز

عظمت مصیبت ایشان بیان شده است.

«السَّلام علی من اطاع الله فی سرِّه و علانیته»

« سلام بر کسی که اطاعت خدا نمود و در آشکار و نهان از

فرمانبرداری او سرپیچی ننمود».

«السَّلام علی من جعل الله الشفاء فی تربته»

« سلام بر بزرگواری که خداوند متعال شفا را در خاک و تربت او

قرار داده است ».

شایان ذکر است که از نظر فقهی، خوردن تمامی خاک‌ها حرام

است، مگر تربت مطهر حضرت سیدالشهداء به قصد شفا یافتن.

«السَّلام علی من الاجابة تحت قُبَّته»

« سلام بر آقائی که دعا در زیر گنبد او اجابت می شود ».

«السَّلام علی الائمة من ذرّيته»

« سلام بر بزرگواری که ائمة هدا از ذریه ایشان می باشند».



### ۷/۳ - معرفی سیمای ملکوتی امام حسین

در قسمت دیگری از این زیارت، خلق و خو و اهداف بلند و آرمانهای عالی حضرت سید الشهداء علیه السلام معرفی شده است. این قسمت دارای چهار بخش است.

#### أ - ارکان اجتماعی :

در این بخش، ویژگی هائی از حضرت سید الشهداء بیان شده که هر چند جمالاتی از صدر آن در زیارات دیگر هم نقل شده، ولی دنباله آن مطالب دیگری آمده که مخصوص این زیارت می باشد؛ نظیر: «اشهد انک قد اقامت الصلاة و اتيت الزکوة و امرت بالمعروف و نهيت عن المنکر».

#### ب - مطیع مولا بودن :

این بخش با عبارت زیر شروع شده است: «و کنت لله طائعاً و لجدک محمد صلی الله علیه و آله تابعاً و لقول اییک سامعاً...»  
«تو ای حسین! همواره نسبت به خدا فرمانبردار و نسبت به جدت محمد صلی الله علیه و آله پیرو و نسبت به گفته پدرت مطیع و شنوا بودی».

#### ج - مردم و اسلام :

در این بخش حضرت سید الشهداء چنین توصیف شده اند:

« کنت ربيع الايتام و عصمة الانام و عزّ الاسلام و معدن الاحکام و حليف الانعام، سالکاً طرائق جدک و ايک... »

« ای حسین! تو بهار یتیمان بودی و جایی که تو حضور داشتی یتیمان شادان و خرم بودند. یا ابا عبدالله تو نگهبان جامعه و حافظ و پناهگاه مردم بودی. سر بلندی اسلام بواسطه وجود تو بود. تو کانون احکام خدا و هم پیمان نیکوکاری بودی، همواره راه جد و پدرت را می پیمودی. »

#### د - عبودیت :

بخش پایانی ، نقطه اوج زیارت ناحیه مقدسه است ؛ یعنی به موضعی می رسیم که محدث قمی بدان استناد کرده است<sup>(۱)</sup> ایشان فرموده اند: امام حسین علیه السلام آنچنان بود که فرزندش مهدی (عج) بیان داشته است. واقعاً عبارات این قسمت دارای معانی بلندی است: « کنت للرسول صلی الله علیه و آله ولداً و للقرآن سنداً و للامة عضداً و فی الطاعة مجتهداً، حافظاً للعهد و الميثاق، ناکباً عن سبل الفساق، باذلاً للمجهود، طویل الركوع و السجود، زاهداً فی الدنيا زهد الراحل عنها، ناظراً اليها بعین المستوحشین منها... ».

« ای حسین تو برای پیامبر فرزندی شایسته و برای قرآن پشتوانه ای عظیم و برای امت اسلام بازوئی توانا بودی . ای حسین تو در اطاعت پروردگار بسیار کوشا بودی . تا آخرین نفس در راه عهد و

۱ - در بحث دلائل صحت انتساب تبیین شد.

پیمانی که با خداوند بسته بودی ایستادگی کردی . ای حسین تو از راههای گناهکاران و فاسقان ، رویگردان بودی و هر چه توان داشتی در راه احیای احکام خداوند بذل نمودی . رکوع و سجود طولانی داشتی و نسبت به دنیا بی رغبتی نشان می‌دادی .»

این عبارت مخصوصاً برای امروز ما بسیار آموزنده است. زهد و بی رغبتی امام حسین به دنیا آنگونه بود که دنیا را همچون سرایی می‌دانست که باید به زودی از آن کوچ نماید و به سرای باقی بشتابد. حتی از این مرحله هم بالاتر؛ یعنی حضرت سید الشهداء نه تنها نسبت به دنیا بی میل بود، بلکه به دیده وحشت بدان می‌نگریست . به دنیا به دو گونه می‌توان نگریست : نگاه خریداری و نگاه وحشتزدگی . و نگاه امام حسین به دنیا، نگاه وحشتزدگان بود که آمیخته با تنفر و انزجار است .

اکنون نکند که نگاه ما به دنیا نگاه عاشقانه و خریدارانه باشد که آمیخته به حب و دل بستگی به دنیا است؟!

عبارت اخیر بازگو کننده نوع نگاه امام حسین علیه السلام به دنیا و وظایف یک مسلمان متعهد در این دنیا می‌باشد که این خود درس بسیار بزرگی برای ما شیعیان است.

والحمد لله رب العالمین

## فهرست منابع

شماره	نام کتاب	نام مؤلف	وفات ق.ه	ناشر - محل
۱	الزام الناصب	علی یزدی	۱۳۲۳	اعلمی - بیروت
۲	بحار الانوار	علامه مجلسی	۱۱۱۱	الوفاء - بیروت
۳	ثمرات الحیاة	سیّد محمود امامی اصفهانی	؟	صحاف اصفهان
۴	زندگانی و شخصیت شیخ مرتضی انصاری	مرتضی انصاری از نوه های شیخ	۱۲۸۱	کنگره شیخ اعظم انصاری
۵	مقتل الحسین	سیّد عبدالرزاق موسوی مَقَرَّم	۱۳۹۱	بصیرتی - قم
۶	مناقب آل ابی طالب	ابن شهر آشوب	۵۸۸	علامه - قم
۷	نفس المهموم	شیخ عباس قمی ترجمه آیه الله کمره ای	۱۳۵۰	اسلامیه، تهران. بصیرتی - قم

سخنرانی و اثر

سید هدایت الله طالقانی

## آشنائی اجمالی با زیارت ناحیه

### ۱- مرثیه خوان

آنگاه که با طهارت و توجه، چشم دل به دیار عشق و شهادت  
دوخته و زیارت ناحیه را می خوانیم، صدای کدامین مرثیه خوان را با  
گوش جان و صفای دل می شنویم؟  
مرثیه خوان، امام زمان ارواحنا له الفداء است. او که تنها وارث  
برجای مانده از سالار شهیدان و خونخواه واقعی ابا عبدالله و  
آشناترین مردم نسبت به امام حسین علیه السلام و حوادث عاشورا است.  
اوست که به دیده بینای امامتش لحظه به لحظه عاشورا و  
حماسه آفرینی های عاشورائیان را دیده و تلخی مصیبت هایش را به  
زیباترین صورت ترسیم نموده است و اوج مظلومیت سالار شهیدان و  
اهل بیتش را بازگو می کند. رنج غربت و تنهایی امام حسین علیه السلام،  
تشنگی طفلان خردسال و داغ جانکاه شهادت یاران و اهل حرم و درد  
اسارت فرزندان رسول الله را به زبان مرثیه خوان دلسوخته ادا نموده

تا داغ جانکاه این مصیبت بزرگ را بر عمق وجود جانها بنهد و خفتگان را بیدار و بیداران را به خروشی عارفانه و دائمی هدایت کند. اوست که سوزش تازیانه و سیلی را بر یتیمان کربلا درک می‌کند و سنگینی اهانت‌ها و بی‌حرمتی‌ها را نسبت به اهل بیت لمس می‌نماید و از درد می‌نالند و خطاب به جدّ بزرگوارش امام حسین می‌گوید:

«اگر روزگاران، تولد مرا به تأخیر انداخت و تقدیر الهی مرا از یاری تو بازداشت و نتوانستم با دشمنان تو بجنگم، اکنون هر صبح و شام بر عزای تو زاری می‌کنم و بجای اشک، خون می‌گیریم.»<sup>(۱)</sup>

زیارت ناحیه مقدسه، آموزه‌هایی از عشق و معرفت و عرفان و سوز و حماسه و توسل است. در عین حال که مرثیه است، مسئولیت آفرین و حرکت ساز هم هست؛ چرا که مرثیه خوان، انسان کامل و استاد جامع است. ظاهر و باطن را، معرفت و سوز را، عشق و عرفان را و... را با هم آمیخته و واقعیات جانگداز را با زبان ملکوتی خویش ترنم می‌نماید.

مرغان گلستان همه با سوز و ساز عشق

نالند خوش، همره تو ای سپهسالار عشق<sup>(۲)</sup>

۱ - در تدوین مطالب این قسمت، از مقدمه زیارت ناحیه، ترجمه و چاپ مسجد مقدس جمکران استفاده شده است.

۲ - مصرع اول از مرحوم مهدی الهی قمشه‌ای (شکوفه‌های ولایت، ص ۳۴۸) گرفته شده است.

## ۲- زیارت شونده

با این مرثیه غم‌انگیز، کسی زیارت می‌شود که خاک تربتش شفاء دردهای بی درمان و حرمش جایگاه استجابت دعاست.

زیارت کسی است که برای احیای دین قیام نمود و بدون یاور از دین حمایت کرد. آنچنان دلیرانه در راه اعتلای کلمه حق نبرد کرد که ملائکه آسمانها به تعجب افتادند و به مقام سالار شهیدان نائل آمد و لقب سیّد الشهداء را به خود اختصاص داد.

زیارت کسی است که زمینه ظهور بندگان خدا و عبدالله شدن مردم را در طول تاریخ فراهم نمود و ابو عبدالله گردید و این به بهای آن بود که بالبهای خشکیده در ملاء عام نحر شد و بدنش زیر سم اسبها درهم شکست و در سرزمین کرب بلا آرمید و اهل آسمانها و زمین در عزای او گریستند.

زیارت کسی است که در گودال قتلگاه جان کند و اینک، همان گودال، محل جان‌کندن عاشقان است، جایی است که دل‌کنده می‌شود و به معراج می‌رود.

زیارت کسی است که در غربت و بدون یاور به شهادت رسید و اینک، همان مشهد، مشهدی دیگر شده است. آن مشهد، محل شهادت بود و اینک محل شهود و دیدن و یافتن و چشیدن و...

زیارت کسی است که نامش، گننده دلها و صحن و سرایش، آتش افروز جانها و حرمش، آرامگاه قلبها و تماشاگاه رازهاست !!

### ۳- سیمای زیارت

این زیارت بصورت یک تابلوی زیبا و غم‌انگیز به تصویر درآمده است که حکایت از یک واقعه عظیم می‌کند و سیمای پر معنای کربلا و عاشورائیان را به بهترین شکل مجسم می‌سازد.

این تصویر نشان دهنده یک منظره از طبیعت نیست، نشانگر یک حماسه پر شور و پر معرفت است که جهان را به لرزه درآورده و خط مشی زندگی انسانها را القاء می‌کند.

انسان را با انبیاء و کمالاتشان آشنا می‌نماید و با مصائب و سختی‌های راه مأنوس می‌گرداند. عنایت‌های ویژه الهی را بر می‌شمارد تا نصرت‌هایش روشن شود و هر کس باور کند که وعده خدا حق است.

صحنه کربلا و مظلومیت کربلائیان را به گونه‌ای ترسیم می‌نماید که احساس‌ها از عمق جان برمی‌خیزد و شراره‌هایش شعله‌ور گشته، جان را به فغان و امیدارد؛ آنچنان که غمناک بنالد. نه ناله احساسی، بلکه ناله‌ای معرفتی و حرکت ساز.

چون زیارت خوانده شد	دل سراسر ناله شد
هر که را اینجا دلش بیدار شد	با خبر زان ناله‌های زار شد
معرفت با عاشقی همراه شد	أُ به رویش سیلاب شد
راه اشراقی به رویش باز شد	با نوای کربلا همساز شد



آری ! زیارت ناحیه، چهرهٔ کربلا را با تعبیری بلند، در فضائی سرشار از سوز و گدازهای مخلصانه و عارفانه بیان نموده ؛ آنگونه که جذبه گاه انسانها شده و هر کس به وادی آن قدم می‌گذارد، مجذوب آن زیارت عظیم الشان می‌گردد.

و آن گاه که سراسر وجود انسان را سرشار از سوز و معرفت کرد و او را با تمام وجود، مستعد حرکت و تحوّل نمود، خط مشی زندگی را برایش ترسیم می‌کند ؛ جانش را با تولّی و تبرّی مأنوس می‌سازد تا محبت اهل بیت و بی‌زاری از دین براندازان، ره توشه‌اش گردد و سلام بر حسین و حسینیان و لعن بر یزید و یزیدیان طول تاریخ، ورد قلب و زبانش شود و بالاخره راه عبدالله شدن رابه او می‌نمایاند، به گونه‌ای که با شور و معرفت بگوید:

« الهی! مرا به صالحان ملحق فرما و در عالم بالا با سروران خجسته‌ام پیوند ده. »

« اللهم الحقنی بالصّالحین و اجمع بینی و بین السّادة الميامین فی اعلا علیین ... »

## ۴ - تصویر کلی بخش‌های زیارت

زیارت ناحیه شامل ده بخش می‌باشد که سه بخش اول آن امام شناسی بوده و در قالب سلام (السّلام علی) بیان شده است.

**بخش اول** ، سلام بر پیامبران قبل از نبی اکرم (ص).

**بخش دوم** ، سلام بر اولیاء دین و شهداء کربلا.

در این دو بخش یک زیارت دوره‌ای از آدم تا خاتم وائمه اطهار و شهدای کربلا انجام شده است و در ضمن آن، سابقه امام حسین علیه السلام، شخصیت خودشان و همراهانشان معرفی شده است و چون امام حسین علیه السلام و کربلائیان محور اصلی زیارت هستند، بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

**بخش سوم** ، عمدتاً سلام بر عاشورائیان و امام حسین و یاورانشان می‌باشد و به مناسبت امام علیه السلام، بر اطرافیان خاص ایشان یعنی پدران و فرزندان و ملائکه همراه ایشان نیز سلام داده می‌شود.

سلام‌های این بخش، سلام‌های شناختی و کربلائی است؛ یعنی آنان را با چهره شهادت و مصیبت‌ها معرفی نموده است.

**بخش چهارم** ، با «السّلام علیک» شروع می‌شود و زیارت

کامل و با معرفت تعلیم داده می‌شود.

این بخش با سه بخش قبلی مجموعاً "چهار بخش اول را در

قالب سلام تشکیل می‌دهند.

بعد از این چهار بخش که با سلام شروع می‌شود، پنج بخش دیگر در جهت شناخت واقعه کربلا تدوین شده است.

**بخش پنجم**، اوصاف و عملکرد امام حسین علیه السلام را در دوران اول زندگی؛ یعنی در زمان معاویه بیان می‌کند.

**بخش ششم**، زمینه‌های قیام و حرکت سیدالشهدا و مراحل آن نهضت عظیم را مطرح مینماید.

**بخش هفتم**، شرح شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام، دلاوریهای ایشان و ناجوانمردیهای یزیدیان است.

**بخش هشتم**، شرح مصائبی است که پس از شهادت امام علیه السلام بر اسلام وارد شده است.

**بخش نهم**، عزادار شدن تمام عالم و موجودات آن را بیان می‌کند.

پس از این شناخت‌ها که زمینه دعا فراهم می‌شود، بخش پایانی فرا می‌رسد.

**بخش دهم**، توسل به ائمه اطهار علیهم السلام و دعا در پیشگاه خداوند است.

شایان توجه است که مکمل این زیارت، خصوصاً قسمت اخیر آن، نماز خاص زیارت است که با سوره‌های انبیاء و حشر خوانده می‌شود و دارای یک دعای بسیار عالی در قنوت می‌باشد.

به بیان دیگر: نه بخش اول مربوط به امام‌شناسی و بخش آخر مربوط به توسل و دعا می‌باشد؛ از اینرو زیارت ناحیه همانند هر

زیارتنامه‌ای شامل سه محور اصلی است: اوّل شناخت امام (که در زیارت ناحیه در نه بخش بیان شده است)، دوم توسّل به امام یا ائمه، سوم دعا و درخواست از پیشگاه خدا ( ایندو محور در این زیارت بصورت ترکیبی در یک بخش آمده است).

### توضیح بیشتر :

دعا و زیارت، امام شناسی و سپس توسّل به ائمه اطهار و در پایان ذکر حوائج و درخواست اجابت است؛ یعنی یکدفعه بدون مقدمه، حوائج خود را مطرح نمی‌کنیم.

این یک درس برای همه امور زندگی است. وقتی می‌خواهیم سراغ خدا برویم، لازم است پس از انجام مقدمات باشد؛ همانطور که (برای نزدیک شدن ذهن) در امور اجتماعی نیز چنین عمل می‌کنیم، مثلاً اوّل با رئیس دفتر آقای فلان هماهنگ می‌کنیم، سپس با آداب خاصی وارد می‌شویم.

برای رفتن به پیشگاه خدا نیز، اوّل بهترین راه را پیدا می‌کنیم که ائمه هستند. برای رفتن به پیش ائمه نیز اوّل باید آنها را بشناسیم، سپس با معرفت به آنها توسّل پیدا کنیم. در این صورت به خدا می‌گوئیم: خدایا شفیعاً بهتر از ائمه پیدا نکردم، این بهترین‌ها را آوردم. خدایا به حقّ این ائمه یا این امام خاص، دعا و خواسته‌های مرا اجابت فرما.

زیارت ناحیه بر همین مبنا در سه محور اصلی تدوین شده است. این سه محور شامل ده بخش و دهها موضوع می‌باشد.

## ۵ - بخش‌های زیارت از نگاه دیگر

موضوع	بخش اصلی	بخش فرعی	ویژگی‌های کلی
سلامهای	۱		سلام بر ۲۳ نفر از انبیاء قبل از نبی اکرم همراه با ذکر بعضی صفات ویژه پند آموز
	دوره‌ای	●	سلام بر اولیای دین به شرح زیر:
۲/۱		سلام بر آل عبا	
۲/۲		سلام بیشتر بر امام حسین	
۲/۳		سلام بر کلیه ائمه	
سلامهای شناختی بر عاشورائیان	۳	۲/۴	سلام بر شهداء کربلا
		۳/۱	امام حسین و اطرافیان خاص ایشان :
		*	پدران و فرزندان امام و ملائکه
		*	امام، برادر و دو فرزند ایشان
		۳/۲	عاشورائیان
		۳/۳	امام
		۳/۴	عاشورائیان
سلام زیارتی با «السلام علیک»	۴	۴/۱	امام و ملائکه حرم او
		۴/۲	قصد زیارت
		۴/۳	سلام عارفانه و....

ویژگی های کلی	بخش فرعی	بخش اصلی	موضوع
اوصاف و عملکرد امام حسین (ع) در دوران اوّل زندگی (قبل از یزید)		۵	شناخت امام حسین
تغییر شرائط جامعه و رویه ستمگران	۶/۱	۶	شناخت زمینه های قیام
عمل امام در همین شرائط	۶/۲		
تشدید شرائط	۶/۳		
عملکرد امام در شرائط جدید	۶/۴		
شرح شهادت امام و اسارت اهل بیت		۷	شهادت
شرح مصائب بعد از شهادت		۸	بعد از شهادت
عزاداری در سراسر هستی		۹	عزاداری
توسّل به ائمه اطهار و دعا		۱۰	توسّل و دعا

## ۶ - نام مشهور و معروف

این زیارت همانند زیارت عاشورا برای زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا وارد شده است و در غیر عاشورا نیز خوانده می شود<sup>(۱)</sup>. لذا هر دو، «زیارت امام حسین علیه السلام» هستند؛ لیکن اولی که از زمان امام باقر (ع) خوانده می شده<sup>(۲)</sup>، به زیارت عاشورا معروف گردیده و دومی که از زمان امام عصر (عج) خوانده می شده، به «زیارت ناحیه مقدسه» مشهور گشته است.

به بیان دیگر: زمان حادثه (عاشورا)، به عنوان نام، روی زیارت اول مانده و در عوض، جایگاه صدور روی زیارت دوم مانده است. اگر چه این تفاوت برای آن بوده که این دو زیارت با یکدیگر اشتباه نشود؛ ولی این جایگاه از جهاتی برای ما مهمتر است.<sup>(۳)</sup>

### یادآور نور

هر اسمی یادآور مسمی و خصوصیات آن بوده و یک فرهنگ را

۱ - توضیح این دو مورد در ص ۷۳ ارائه شده است.

۲ - طبق احادیث مختلفی که در بحث ویژگی های زیارت ناحیه (ص ۱۲۷ و ۱۲۸) ارائه شده است

۳ - توضیح این مطلب در «ویژگی های زیارت ناحیه»، ص ۱۲۹ بیان شده است.

بدنبال دارد ؛ بگونه‌ای که انسان با شنیدن آن کلمه، بسیاری از چیزها  
برایش تداعی می‌شود. به همین جهت در اسلام سفارش شده که در  
هنگام نامگذاری، نام نیکو انتخاب کنید تا همواره یادآور فضائل و  
کمالات باشد.

نام این زیارت، یادآور حجت زمان و امام منتظر است ؛ همان که  
دلها بسویش پر می‌کشد و چشم‌ها به دیدنش انتظار!  
دیده ما زانتظارت شد سفید، ای نور چشمان

قلبها خون شد ز هجرت، ای مه تابان کجائی  
خون جدّت ریخت اندر کربلا با نوجوانان  
طالب خون شهیدان، یار مظلومان کجائی<sup>(۱)</sup>  
آنگاه که واژه « ناحیه مقدّسه » به گوش می‌رسد، جان از کف  
می‌رمد و بسوی دیار عشق و ولا پر می‌کشد و مجذوب نورانیت آن  
نور منور می‌گردد و به دنبالش، اشک شوق از دل برآید.

آه ! این زیارت بوی دیگر می‌دهد بوی مهدی ؛ سرو هستی می‌دهد  
بوی قائم ، بوی امر و مقتدا اشک قائم ، بر شهید کربلا

۱ - شعر از صالحی نیشابوری، شکوفه‌های ولایت، ص ۳۵۳.



## ۷- زمان خواندن

زیارت ناحیه مقدسه، همانند زیارت عاشورا برای روز عاشورا وارد شده و در غیر عاشورا نیز خوانده می‌شود و در نتیجه اختصاص به زمان خاصی نظیر روز عاشورا ندارد؛ یعنی از زیارات مطلقه (بدون قید زمان) می‌باشد.

در این رابطه، شیخ مفید بعنوان اولین ناقل زیارت ناحیه<sup>(۱)</sup> و شیخ محمد ابن مشهدی فرموده‌اند: زیارت ناحیه مقدسه، مخصوص روز عاشورا است<sup>(۲)</sup>(۳)، ولی بزرگان دیگر نظیر سید مرتضی<sup>(۴)</sup>،

۱ - طبق توضیحاتی که در ص ۹۳ و ۹۴ از آن خواهد شد.

۲ - شیخ مفید (ره) در این زمینه دو بیان دارد:

أ - در المزار القديم: « زیارة أُخری فی یوم عاشورا بروایة أُخری، اذا اردت زیارته بها فی هذا الیوم،... » (طبق نقل علامه مجلسی در بحار الانوار ۹۸، ص ۳۱۷). همچنین علامه مجلسی در تحفة الزائر ص ۳۳۳، زیارت چهارم امام حسین (ع) فرموده: شیخ مفید رَوَّحَ اللهُ روحه فرموده است که: « زیارت دیگری است در روز عاشورا به روایت دیگر».

ب - در مناسک المزار فقط « زیارة أُخری » ذکر شده است.

بیان دوم با بیان اول، مقید می‌شود (حمل مطلق بر مقید) و در نتیجه، جمع آنها، این می‌شود که از نظر شیخ مفید (ره) زیارت ناحیه مخصوص عاشورا است.

۳ - المزار الكبير (ص ۷۱۸ نسخه خطی و ص ۴۹۶ نسخه چاپی):

« زیارة أُخری فی یوم عاشورا لابی عبدالله الحسین بن علی صلوات الله علیه ممّا خرج من الناحیه الی احد الابواب ».

۴ - المزار ش ۴۶۲ کتابخانه آیه مرعشی (ره)، ص ۱۴۶: ←

سید بن طاووس<sup>(۱)</sup> و علامه مجلسی<sup>(۲)</sup>، این زیارت را مطلقه دانسته‌اند.

نتیجه این که :

هرکس در وادی عشق قدم نهد و بخواهد با سید الشهدا رابطه‌ای عمیق‌تر برقرار نماید، در همان حال می‌تواند زیارت ناحیه را بخواند.

در وادی عشق، زمان برداشتنند

در راه صفا، قید و مکان برداشتنند

تا حدیث عاشقی برپا کنند

در وصال عالیان، زمزم کنند

⇒ «زیارة اخرى... و هي اول زيارة زار بها المرتضى علم الهدى رضوان الله عليه». مصباح الزائر سید بن طاووس، ص ۱۴۲ نسخه خطی و ص ۱۹۲ نسخه چاپی. و نیز کلام علامه مجلسی که در پاورقی ۲ صفحه بعد بیان شده است.

۱ - باب نهم، در زیارات انتخاب شده‌ای که با آنها امام حسین در سایر ایام (غیر از عاشورا) زیارت می‌شود.

۲ - علامه مجلسی در بحار الانوار ج ۹۸، ص ۳۲۸، ش ۹: «یحتمل ان لاتكون مختصة بیوم عاشورا، كما فعله السيد المرتضى». همچنین در تحفة الزائر، ص ۳۴۰ فرموده: این زیارت را با تغییرها و زیادتی هائی در زیارات ایراد کرده‌اند و به سید مرتضی نسبت داده‌اند و از زیارات مطلقه شمرده‌اند. پس دور نیست که در سایر ایام نیز می‌توان این زیارت را خواند.

## جایگاه زیارت ناحیه

با توجه به اینکه زیارت ناحیه مقدسه در بین مردم معروف نیست ، لازم است نسبت به خصوصیات و جایگاه این دعای عظیم الشان اطلاعاتی پیدا کنیم تا با معرفت و شناخت بیشتر و با دل سوخته تری وارد زیارت ناحیه شویم.

در فصل قبل آشنائی مختصری نسبت به این زیارت پیدا شد ، اینک سخن از جایگاه زیارت است .

بر حسب آنچه عملاً دیدیم، اولین سؤالی که افراد مطرح می کنند، اینست که چهارده قرن از قیام امام حسین علیه السلام گذشته است. این زیارت تا حالا کجا بوده و چرا حالا مطرح می شود؟ آیا خلق الساعه شده ؟ آیا کسی از جایی در آورده ؟ یا منبع موثقی دارد ؟

دومین سؤال اینست که این زیارت کجای مفاتیح است ؟ و چرا در مفاتیح نیامده است ؟

پاسخ سؤال اول، در چند محور بعدی (سابقه صدور تا آخر دلائل صحت انتساب...) بیان می شود و پاسخ سؤال دوم (چرا در مفاتیح نیامده) در فصل «اعتبار زیارت ناحیه» تبیین می گردد.

## ۱ - سابقه صدور

این زیارت ، در ابتدا از ناحیه مقدسه امام زمان (عج) صادر و به یکی از نمایان خاص داده شده است .<sup>(۱)</sup> آنگاه از طریق ایشان به یکی از مشایخ شیخ مفید و سپس به دست این بزرگوار رسیده است<sup>(۲)</sup> . بر حسب آنچه بزرگان فرموده‌اند، این زیارت سندهای مختلفی دارد<sup>(۳)</sup> . از اینرو سندهای اولیه و ناقلان اصلی این زیارت متفاوت هستند ؛ یعنی شیخ مفید، سید مرتضی ، و ابن مشهدی این زیارت را ثبت و ضبط نموده‌اند .

اعتبار این زیارت از چنان استحکام و جلالی برخوردار بوده که مورد توجه سید مرتضی قرار گرفته است و بدین جهت این زیارت، اولین زیارتی است که سید مرتضی با آن امام حسین صلوات الله علیه را زیارت کرد<sup>(۴)</sup> .

۱ - چنان که در ابتدای این زیارت طبق نقل ابن مشهدی آمده است و عبارت آن در ص ۷۳، پاورقی ۳ ذکر شد.

۲ - بر حسب این که بزرگان ، این حدیث را مستند دانسته‌اند (طبق توضیحات بعدی) و بین نمایان خاص و شیخ مفید (متولد ۳۳۶ ق و متوفای ۴۱۳ ق) یک طبقه فاصله می‌شود . فردی که در این وسط قرار گرفته ، قاعدتاً باید شیخ صدوق (۳۰۵ - ۳۸۱ ق) و یا ابن قولویه (متوفای ۳۶۹ ق) باشد .

۳ - المزار، نسخه خطی ش ۴۶۲ کتابخانه آیه الله مرعشی (ره)، ورق ش ۱۴۶ : «هی مرویه باسانید مختلفه». مستدرک الوسائل ۱۰/۴۳۵/ب ۵۳/ح ۱۶ و ۱۷ ، جامع احادیث الشیعه ۱۵/۴۰۵/ح ۱۶ و ۱۷ .

۴ - همانجا: «و هی اول زیارة زار بها المرتضی علم الهدی رضوان

## ۲- صحت صدور

آن سوزهای مخلصانه که با ناله‌های حزین همراه گشته و آکنده از اشک و آه گردیده و معارف بلندی که در عباراتی زیبا و موزون بیان شده و همراه با عشق در قالب زیارت ارائه گردیده، همه حاکی از آنست که این زیارت، رشحه‌ای از رشحات غم و اندوه جانکاه کسی است که تمام حوادث را با علم امامت دیده و با عمق جان لمس نموده است.

گوش می‌خواهد ندای آشنا آشنا داند صدای آشنا (۱)

آری! عظمت این مصیبت و ژرفای این فاجعه را او می‌داند که ولی الله الاعظم است و فرزند ثار الله.

آن اطلاعات دقیق که با تعبیر ظریف بیان شده و فرای از ظاهر، هوای خاص حسینی را بدنبال دارد و هر خواننده‌ای را به وادی عشق می‌کشاند، از کدامین عالم می‌تواند صادر شود؟! به جز کسی که همه وقایع قبل و بعد و ظاهر و باطن عاشورا و عظمت مصیبت آن را در افق ملکوت دیده و درک نموده است؟

⇒ الله علیه». مفهوم این عبارت این است که سید مرتضی بجای این که امام حسین را با زیارت عاشورا زیارت کند، با زیارت ناحیه زیارت کرده است و این امر، نکته قابل تأملی است.

همچنین در مصباح الزائر سیدبن طاووس (ص ۱۶۲ نسخه خطی و ص ۱۰۲ نسخه چاپی) چنین آمده است: زار بها المرتضی علم الهدی رضوان الله علیه.  
۱ - شعر از عثمان سامانی، گنجینه الاسرار، ص ۹۶.

### ۳- از دیار یار برای اهل معرفت

#### مقدمه

برای اثبات صحت صدور و انتساب زیارت ناحیه به امام زمان (عج)، همچون دیگر مطالب، دو طریق (ظاهری و باطنی) وجود دارد و هر کدام را مراحل و سطوحی است که در این جا به دو سطح آن بسنده شده است.

بیان عمومی هر دو طریق به تناسب فضای کتاب و مخاطبان، در دو بحث قبل تقدیم شد و بیان فنی و تخصصی طریق ظاهری به بخش مستقل بعدی واگذار می شود.

اینک، بدنبال بیان عمومی باطنی، بیان عمیق تر آن تقدیم اهل معرفت می گردد.

#### در آستانه نقل

علم و دانش یک طرف سکه معرفت است و طرف دیگر آن عشق و عرفان است و همیشه نمی توان حقایق را از لابلای سطور نگاشته شده یافت، بلکه گاه باید به «دفتر دل» و «کتاب تکوین» که دست حضرت حق بر آن می نگارد، رجوع کرد.

از اینرو بر آن شدم تا قضیه ای را بیان کنم که گوارای اهل دل و کسانی است که باورهایی آسمانی دارند و سندی متقن و محکم جهت انتساب این زیارت شریف به امام زمان (عج) است.

## مهدمات واقعه

گوش بر آن نغمه موزون کنید پنبه را از گوش جان بیرون کنید  
 کی رسد بی آشنائی با سروش این نوای آشنائیتان به گوش<sup>(۱)</sup>  
 در مرحله پایانی تدوین کتاب و در پی یافتن سندی محکم و  
 روشن برای صحّت صدور و انتساب این زیارت به امام زمان (عج)  
 بودم. در این وادی چاره‌ای نیافتم جز توسل به صاحب اصلی آن،  
 حضرت ولی عصر روحی له الفداء.

از این رو برنامهٔ چهل روزه‌ای را<sup>(۲)</sup> آغاز نمودم تا با لطف آن ولی  
 مطلق و عنایت آن حجّت حق، راه گشوده شود و به مقصد برسم.  
 چشم به امدادی غیبی جهت کشف ظاهری بودم و لطف خفیه  
 و کرامت کریمانه خداوند حکیم چنین مقدر فرموده بود که آیات مبین  
 را بر من بنمایاند و پرده‌ها را کنار زده و حقیقت را متجلی سازد.  
 بر این اساس، در پس پردهٔ غیب جریاناتی رخ می‌داد، ولی دل  
 غافل را یارای درکش نبود. زمان می‌گذشت و چیزی بدست نمی‌آمد  
 و دلتنگی بال می‌گسترانید تا این که آوای رحیل حسینی نواخته شد تا  
 این غافل را رهسپار دیار عشق و اشراق کنند.

این در حالی بود که با وجود توصیه‌های مکرر مادر بزرگوارم،

۱ - دیوان عُمّان سامانی، ص ۹۶.

۲ - از روز سه شنبه ۲۷/۱۰/۱۳۷۹؛ برابر با ۲۱ شوال ۱۴۲۱ هـ.ق.

هیچگونه آمادگی مالی و فکری<sup>(۱)</sup> برای سفر به کربلا را نداشتم . حتی تا یک ماه قبل از حرکت ، هیچگونه تصمیم و زمینه‌ای نداشته و غافلانه در روزمرگی‌های خود - هرچند علمی و دینی - غرق بودم. اما خداوند متعال با دیدهٔ رحمانیت خود از افق اعلیٰ بر این بنده حقیر و فقیر نگریسته و تقدیر را رقم می‌زد. او می‌دانست که چه می‌کند و در پس پردهٔ غیب چه می‌گذرد و من همچنان بی‌خبر از تقدیر! اسباب سفر تا حدودی مهیا شد ، باز احساس می‌کردم آمادگی ندارم! از اینرو نزد بزرگی استخاره کردم . آیه ۴۴ سوره قصص آمد و چنین بیان و مطرح شد که : در این سفر! همانند حضرت موسی در جانب غربی شاهد پیامها و اخباری غیبی خواهی بود<sup>(۲)</sup>.

۱ - که در اثر کثرت اشتغالات داشتم ، خصوصاً فشار بعضی کارهای پر فوریتی که متوجه من بود.

۲ - متن آیه چنین است : ﴿و ما کنت بجانب الغربیّ اذ قضینا الی موسی الامر و ما کنت من الشاهدین \* و لکنّا انشأنا قروناً... و ما کنت ثاوياً...﴾  
و ما کنت بجانب الطّور اذ نادینا و لکن رحمةً من ربّک لتُنذر قوماً...﴿

در این استخاره چند نکته لطیف و متناسب وجود داشت:

أ - موضوع استخاره ، سفر رفتن است .

ب - محل آن (کربلا) در جانب غربی شما (ایران) است .

ج - شاهد پیامها و اخباری غیبی خواهی بود.

د - تو در آن زمان نبودی که خود واقعیت را در عالم ظاهر بینی و شاهد ظاهری قضایا باشی ، ولی اینک پس از سالیانی چند، ما تو را از حقیقت امر آگاه می‌کنیم . به بیان دیگر: اگرچه به هنگام صدور این زیارت مقدس نبودی ، ولی ما تو را از حقیقت امر آگاه کرده و تو را شاهد حقیقت آن می‌کنیم .

ه - آنچه را به تو می‌دهیم ، رحمتی است از جانب پروردگارت تا گروهی را بیدار کنی. ﴿رحمةً من ربّک لتُنذر قوماً﴾.



با این وجود، غفلت غافل حجابی بود که مانع ایمان به این پیام شد. لذا استخاره دیگری نمودم که مشکل مالی چگونه حل می شود؟ آیه ۴ سوره سبأ آمد؛ بدین معنا که: (تو نگران نباش) خدای حکیم به همه چیز عالم است و هر چه هست، در کتاب مبین هم هست. خداوند به مؤمنانی که عمل صالح انجام دهند پاداش دهد و بداند که به آنان مغفرت و رزق کریم داده می شود.

باز هم ایمان مستقر نشد! استخاره سوم را برای ترک (سفر کربلائی که مهیا کرده بودند!) نمودم؛ بد آمد.

بناچار پذیرفته و پاسخ مثبت دادم، اما نه عاشقانه، بلکه باری به هر جهت! و از آنرو که حجّت بر من تمام شده بود.

### آغاز واقعه

بیست و دومین روز از چله مذکور رو به پایان بود که تقدیر، وارد مرحله جدید شده و عزیمت به امضاء رسید و منادی کوس حرکت بنواخت. روز بعد<sup>(۱)</sup> رهسپار جانب غربی شده و صبح روز بعد وارد عراق شده و شب جمعه نیمه ذیقعه را به زیارت کاظمین نائل آمدم. این ایام<sup>(۲)</sup> که مصادف با دوران چهل روزه (چله) موسای کلیم الله بود، بتدریج مقدرات محقق و رحمت‌های الهی ریزش می نمود و

۱ - چهارشنبه ۱۳۷۹/۱۱/۱۹ ه. ش.

۲ - پنجشنبه ۲۰ تا ۲۷ بهمن ۱۳۷۹ ه. ش. برابر با ۱۴ تا ۲۱ ذیقعه ۱۴۲۱

ه. ق. که روزهای ۲۴ تا ۳۱ چله مذکور بود.

سرانجام بعد ملکوتی آن رزق کریمی را که نوید داده بودند، نازل کردند.

دادند و چشانند و فهمانند، آنگونه که نه سخن را توانای بیان آن لطائف و نه قلم را یارای نگاشتن آن حقائق است و نه حال را مناسبت! این سخن بگذار تا وقت دگر!

شایان توجه است که تقدیر سفر کربلا و مهیا کردن اسباب آن و پاسخ استخاره‌ها، به منزله اجابت آن توسل و چله‌گیری قلمداد می‌شود و همه اینها، خود تقدیری بود لطیف که حکمتش، لطف خاص الهی بود.

به بیان دیگر، همه اینها برای این بود که:

من خواسته بودم صحت زیارت ناحیه برایم روشن شود و برحسب بضاعت خویش تصویری بیش از قبیل و قال‌های مدرسه‌ای و علم ظاهری نداشتم، لکن الله، ثار الله و ابن ثار الله (امام زمان) بر حسب غنا و کرم خویش بر آن شده بودند تا فرای از ظواهر، حق را نشان دهند و عظمت و جلال را بنمایانند و رابطه زیارت ناحیه را با این سه رکن (الله و...) مشهود و ملموس کنند. و به هر حال، این رحمتی است از جانب پروردگار برای گروهی خاص!

بر سر کوی وصال آمده‌ام	فارغ از قبیل و مقال آمده‌ام
در پی دعوت یار <sup>(۱)</sup> آمده‌ام	من به دیدار جلال آمده‌ام

## بیان واقع

از اینرو، در حریم صحن سامرا که جایگاه صدور آن زیارت بود، اولین تجلی رخ داد و دل از دست این دلداده بُرد و رعشه بر اندام انداخت. آنجا بود که فهمیدم:

قدر مجموعه گل، مرغ سحر داند و بس

نه هر آن کو ورقی خواند، معانی دانست (۱)

مقام امام زمان (عج) در مساجد کوفه و سهله، دومین تجلی رخ داد و رشحات غم جانکاه با شراره‌های عشق جانگداز باریدن گرفت و خرمن وجودم را بسوزاند. سوختم، افروختم و گریستم. نه آن که من بگیریم، که تجلی جلال، دل را آب کرده و تقطیر می نمود و سیلاب اشک طغیان می کرد.

حریم حسینی (شعاع وسیعی از حرم)، سومین تجلی گاه بود. چه سخت است؛ این جان‌ها که هنوز برجاست و نفسها که هنوز آهنگ زندگی می نوازند، باید پذیرای چنین داغی و چنان تجلی باشد. در فضای کلی کربلا، یک حقیقت را جلوه گر ساختند و در جای جای آن حقایقی دیگر را. هر جایش، ویژگی خاص خود را داشت. در راهرو صحن و در نگاه به گنبد، این جملات بر عمق وجود جان می نشست:

« السّلام علیک یا مولای و علی الملائکه المرفوفین حول

قبتک، الحافین بتربتک، الطائفین بعرصتک، الواردين لزيارتک «. آه! آه! آه! که آوای پرفرشتگان و ناله‌های جانسوزشان با جان‌ها چه می‌کند.

در زیر گنبد، جملات: «السَّلام علی مَنْ الاجابة تحت قبتہ، السَّلام علی صاحب القبة السَّامیة» (۱) در نگاه به قبر، جملات «السَّلام علیک و علی الملائکة المضاجعین».

در مقابل حضرت، خصوصاً مقابل سینه و گردن، جملات «السَّلام علی الجیوب المضرَّجات السَّلام علی المقطوع الوتین، السَّلام علی الشیب الخضیب السَّلام علی الخدَّ التَّریب» چه خوش است آن لحظه‌ای که انسان میتواند حداقل این صحنه را تصور کند که مولای انس و جان؛ حجت زمان (عج)، در مقابل سینه و گردن جدش نشسته و زار می‌گیرد و جملات مذکور را ترنم می‌کند.

در قتلگاه، جملات «و الشَّمر جالس علی صدرک و مولغ سیفه علی نحرک» جلوه‌گری می‌کرد.

«جلال» حسین هویدا گشته بود و در حریم جلالش متحیر بودم که به قتلگاه وارد شدم. بر زمین افتادم، همان جایی که حسین با محاسن خونین و گونه‌های خاکین افتاده و شمر بر سینه‌اش نشسته

۱- قُبَّة، به معنی گنبد و سامیة به معنی عالی و بلند مرتبه است (فرهنگ

بود! گاه در تحیر از جلال حسین بودم و گاه در تعجب از جفای شمر! آیا آن جلال حسین، که حر را حر نمود، برای شمر نمایان نبود؟! چگونه توانست در آن وادی جلال حسینی به چهره او نگاه کند، چه رسد به این که....!

آری! در آن مکان، بگونه « خَرَّ سَجْدًا » و در قرائت « و الشمر جالس علی صدرک ..... » بودم که....

با این حال همراه با اسب حسین به خیمه گاه می رویم، تا تجلی «اسرع فرسک شاردأ الی خیامک، قاصداً محمماً باکیاً، فلما رأین النساء جوادک مخزياً ونظرن سرجک علیه ملویاً، برزن من الخدور»، را دیده و لمس نمائیم.

در تل زینبیه، نگاه های مضطرب زینب تداعی شد. آن نگاه هائی که می خواست ببیند سرنوشت کعبه آمال چه شد. (۱)

\* \* \*

این حالات، سراسر وجود آدمی را آن چنان از عشق، نورانی و از غم، جانسائی می نمود که گریه کوهها و دامنه ها، دریاها و ماهیان و..... مشهود می گردید.

و این شهودها سبب روشن شدن معنای مشهد شد.

اگرچه مشهد به معنای محل شهادت است و شهادت هم به

---

۱ - در تل زینبیه و در بعضی جاهای دیگر، عظمت غصه جانکاه زینب را به گونه ای نشان دادند که علت کوتاهی عمرش را در یک لحظه، دفعتاً ادراک نمودم.

معنای شهید شدن است، ولی در افق باطن، شهادت به معنای محل دیدن و چشیدن و شاهد حقیقت شدن است.

وضع به گونه‌ای شد که نه از روی عبارت خوانی و تعبیدی، بلکه از عمق وجود و ناشی از شهود و ادراک و لمسی غیر مادی، در کربلا و غیر آن بانگ بر می‌آمد که:

«السَّلامُ عَلَیکَ، سَلامٌ مَن قَلْبُهُ بِمِصَابِکَ مَقْرُوحٌ وَ دَمْعُهُ عِنْدَ ذِکْرِکَ مَسْفُوحٌ، سَلامٌ المَفْجُوعِ الحَزینِ، الوالهِ المَسْتَکینِ».

«سلام بر تو! سلام کسی که قلبش از مصیبت تو جریحه دار شده و اشکش هنگام یاد تو جاری است. سلام کسی که در غم عزای تو، دردمند و اندوهگین گشته و سرگشته و زمین گیر شده است».

سرگشته و حیرانم، از یاد دل آرایت

بی تاب و توانم، با نام دل آسایت (۱)

۱ - یاد و نام حسین، دو نقش دارد: از یک طرف آرام بخش دلها (دل‌آرا و دل‌آسا) است. این حالت، ضعف‌های نفسانی را برطرف و قوت‌های روحانی را تقویت می‌کند و نیز انسان را سرگشته و حیران نموده و بی‌تاب و توان می‌کند. این ویژگی، مربوط به عظمت و جلال حسین است.

از طرف دیگر دردمند کننده قلبها است، انسان را از عمق وجود با شدت و عظمت مصائب سید الشهداء علیهم‌السلام آشنا می‌کند و عمق فاجعه را به او می‌چشانند، به گونه‌ای که انسان را از حرکت باز داشته و زمین گیر (مستکین) می‌نماید. این ویژگی، مربوط به عظمت مصیبت ابا عید الله الحسین صلوات الله و سلامه علیه است.

از آثار ظاهری و وجه مشترک هر دو بعد مذکور، جاری شدن اشک است و لرزش! یکی از جلال و دیگری از مصیبت. یکی از عشق و دیگری از عزا.

ترسم که کشد کارم، هر لحظه به رسوائی  
 از حال پریشانم، کز غصّه جانسایت  
 با ناله گریانم، در هر زمن و راهی  
 از دیده خونبارم، کز ماتم عظمایت  
 وای، وای، از این لمعات نورانی که آدمی را دیوانه کرده و سر  
 گشته (واله) و زمین گیر (مستکین) می کند و او را حیران می سازد.  
 اینجاست که صدای حزین، همچون صدای نی، همراه فوران  
 اشکها و لرزش اندام گردیده، می نالد و می گوید:  
 «اگر زمانه، تولّد مرا به تأخیر انداخت و تقدیر الهی،  
 مرا از یاری تو باز داشت، در عوض اینک هر صبح و شام  
 ،نه، شبانه روز و هر لحظه ای که مرا متوجه خود کنی، بر تو  
 شیون می کنم و بجای اشک ریختن، خون می گیرم. از  
 روی حسرت بر تو و غصّه بر مصائب تو، آنقدر غمناک  
 می نالم تا در اثر سوز جانفرسا و غصّه جانکاه جان سپارم.»  
 آری، این چنین بود، ای همسفر! ای همقدم! ای همصدای دل من!  
 و چنین بود سفر به دیار عشق و عرفان و سفره کریمانه ای که  
 برایمان گسترانیدند تا هم از رزق کریم بهره گیریم و هم برای دین  
 باوران و اهل معرفت به ارمغان آوریم. که:

﴿ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ ﴾<sup>(۱)</sup>

۱ - ذاریات (س ۵۱)، آیه ۲۲: روزی شما و آنچه وعده داده شده‌اید، در آسمان است.

و این نمی از یم بود که از جانب غربی نمایانند تا شاهد باشیم بر آنکه زیارت ناحیه مقدسه، اشکوارة امام زمان ارواحنا له الفداء بر سید الشهداء بوده و در هر زمان و مکانی، نه تنها خوانده می شود، بلکه آوای اهل معرفت است که همواره طنین انداز است. و اگر گوش جان بسپاریم، ناله جانسوز حضرتش را خواهیم شنید و با او هم آوا خواهیم شد و همره نور!

عشق اسطرباب اسرار خداست

شرح عشق و عاشقی هم عشق گفت (۱)

﴿ هذا بیان للناس و هدی و موعظة للمتقين ﴾ (۲)

آفتاب آمد دلیل آفتاب گر دلیلت آمد از وی رومتاب (۳)

۱- مثنوی مولوی .

۲ - آل عمران (س ۴)، آیه ۱۳۴ .

۳ - مثنوی مولوی .



## دلایل صحت انتساب زیارت ناحیه به امام زمان (عج)

### مقدمه

یکی از نکات قابل توجه که در روشن شدن جایگاه و اعتبار زیارت ناحیه نقش مهمی دارد، صحت انتساب زیارت به معصوم، خصوصاً امام زمان (عج) است.

همانطور که در بحث قبل بیان شد، برای این امر دو طریق (ظاهری و باطنی) وجود دارد و هر کدام در دو سطح قابل ملاحظه است. از این چهار بیان، سه موردش ارائه شد و یک موردش (سطح فنی طریق ظاهری) بدین جا واگذار شد؛ چرا که این بحث، جنبه فنی و تخصصی دارد و در نتیجه خارج از حوصله عموم بوده و با فضای روحانی زیارت‌ها، خصوصاً زیارت ناحیه و این شرح متناسب نمی‌باشد. از طرف دیگر، به لحاظ اهمیت علمی و وجود علاقمندان، پرداختن به آن ضرورت داشته و به لحاظ تخصصی بودن و گستردگی مطالب، نیاز به یک مبحث مستقل دارد.

از اینرو این بحث بطور مستقل تدوین و برای اهلش ارائه شد<sup>(۱)</sup>

---

۱ - کسانی که با خواندن زیارت و یا با سه بیان قبلی، اقناع گردیده و خود را بی‌نیاز از چنین بحث‌های تخصصی می‌دانند، بهتر است از این بحث گذشته و با همان روحیه دعائی که پیدا کرده‌اند، وارد زیارت و عظمت و شرح آن شوند.

تا مطالب کتاب، جامع و برای سطوح مختلف قابل استفاده باشد و هر کس به فراخور حال خود، مطالب مورد نظر خود را بیابد و اقناع گردد. آنگاه با اطمینان خاطر این زیارت شریف را بخواند. مطالب این بحث، در چند محور تبیین گردیده است:

### ۱- شیوه‌های بررسی

برای آن که ثابت شود کلامی از معصوم است، دو شیوه کلی وجود دارد:

أ - سندی : در این شیوه، اتصال سند و توثیق راویان ، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ یعنی تحقیق می‌شود که آیا سلسله راویان از ناقل تا معصوم، متصل است یا نه و اگر متصل است، آیا همه راویان مشخص بوده و مورد وثوق هستند یا نه.

این روش همیشه ضروری نبوده و یا ممکن نمی‌باشد؛ چرا که گاهی سند روایتی کاملاً روشن نیست و به اصطلاح فنی، روایت مرسله یا مقطوعه است. حتی ممکن است سند حدیثی ضعیف باشد، لیکن حجیت آن از روش دیگری ثابت شود.

صحّت انتساب زیارت ناحیه به امام زمان (عج)، فعلاً از این شیوه قابل اثبات نمی‌باشد؛ زیرا در کتب مربوطه ، راویان بین ناقل تا امام (عج) ذکر نشده‌اند.

ب - محتوایی : در این شیوه، محتوای کلام و جنبه‌های غیر سندی نظیر وثاقت نویسندگان و تعهد وی نسبت به ثبت احادیث صحیح، مورد بررسی قرار می‌گیرد. به نحوی که انسان یقین یا اطمینان پیدا می‌کند که این کلام از معصوم می‌باشد و ممکن نیست از غیر معصوم باشد. معمولاً وقتی اعتبار حدیثی از این طریق ثابت شود، به آن معتبره گویند.

نکته قابل توجه این است که اعتبار یک حدیث و صحت انتساب آن به معصوم مهم و ارزشمند است، نه شیوه اثبات.

اعتبار زیارت ناحیه از همین شیوه بدست می‌آید که در ذیل ملاحظه می‌شود.

## ۲ - سابقه ثبت زیارت ناحیه

کتابهایی که این زیارت عظیم الشان را ثبت نموده‌اند، به دو دسته متقدمین و متأخرین تقسیم می‌شوند:

متقدمین، کسانی هستند که روایتی را به سند خود از طریق سلسله راویان به معصوم نسبت داده و نقل کنند؛ یعنی این افراد، ناقل اصلی و اولیه<sup>(۱)</sup> حدیث هستند.

متأخرین، کسانی هستند که روایات را از متقدمین گرفته و نقل می‌نمایند.

کتابهای متقدمین در ارتباط با سند زیارت ناحیه بوده و در صحت انتساب آن به امام (عج) نقش دارند.

کتابهای متأخرین، اعتبار و سابقه توجه علما نسبت به این زیارت را روشن می‌کنند.

از اینرو، کتابهای متقدمین در این جا معرفی و بررسی می‌شود و کتابهای متأخرین در فصل بعدی ارائه می‌گردد.

۱ - ناقل اصلی به دو گروه گفته می‌شود:

أ - کسی که از خود امام شنیده است.

ب - کسی که پس از چند واسطه حدیث را از استاد خود شنیده و در کتاب او خوانده، سپس در کتاب خود ثبت نموده و اینک کتاب او از مصادر روایی ما می‌باشد؛ مثل کافی کلینی و کتب شیخ صدوق و شیخ طوسی.  
در این جا همین گروه دوم مورد نظر می‌باشد.

## ۲/۱ - المزار القديم

( شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ هـ ق. )

چنین کتابی پیدا نشد، ولی علامه مجلسی، زیارت ناحیه را از آن نقل کرده است. در این رابطه فرموده:

قال الشيخ المفید قدس الله روحه فی کتاب المزار بعد ایراد الزيارة التي نقلناها<sup>(۱)</sup> من المصباح ما هذا لفظه:

«زيارة أخرى فی يوم عاشورا برواية أخرى: اذا أردت زیارته بها فی هذا اليوم، فقف علیه صلى الله علیه وآله و قل: السّلام علی آدم صفوة الله...»<sup>(۲)</sup>

و نیز یک عبارت را که در مزار شیخ مفید و مزار ابن مشهدی آمده، ولی در مزار سیّد [مرتضی] نیامده، ذکر نموده است<sup>(۳)</sup>.

۱ - زیارت عاشورای غیر معروف که علامه مجلسی آنرا بعنوان حدیث شماره ۴ (بحار الانوار ۹۸ / ۳۰۳) از مصباح المتعجد شیخ طوسی نقل کرده و در ذیل آن (ص ۳۰۹) فرموده: این روایت را سیّد صلى الله علیه وآله در مصباح الزائر عیناً ذکر نموده و به شکل دیگر و با اختلاف فراوان در اقبال الاعمال ذکر نموده است.

۲ - بحار ج ۹۸، ص ۳۱۷. علامه مجلسی، زیارت ناحیه را ابتدا از المزار القديم شیخ مفید بعنوان حدیث ش ۸ نقل کرده و کلام مذکور در متن را از شیخ مفید، قبل از نقل زیارت، ذکر نموده است.

سپی در ابتدای حدیث ۹ (ص ۳۲۸) فرموده که همین زیارت را ابن مشهدی در المزار الكبير نقل کرده است و یادآور شده که عبارت اول المزار مشهدی، چنین است: «زيارة أخرى فی يوم عاشورا مما خرج من الناحية الى احد الابواب. قال: تقف علیه و تقول:.....».

۳ - همانجا، ص ۳۲۸، سطر ۱۹. عبارت موجود در دو مزار مذکور را «السّلام علی صاحب القبة السّامية» بعد از «المخصوص باخوته» بیان نموده است.

## ۲/۲ - مناسک المزار

( شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ هـ ق. )

در کتابخانه مرحوم آیه ... مرعشی (قم)، یک مجلد کتاب خطی به شماره ۲۴۵، شامل سه کتاب موجود می باشد که دومین کتابش (ص ۱۱۶ تا ۱۷۸)، «مناسک المزار» است.

نام مؤلف روشن نیست. لکن به لحاظ این که اکثر روایات را بلاواسطه از ابن قولویه نقل می کند، باید شیخ مفید باشد. هر ورق که شامل ۲ صفحه (دست راست و دست چپ) است، یک شماره دارد.

شروع کتاب<sup>(۱)</sup> چنین است: مناسک المزار، بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین، قل الحمد لله و سلام علی عباده...، اما بعد، فانی قد اعتزمت<sup>(۲)</sup> و بالله التوفیق علی ترتیب مناسک زیارة الامامین امیرالمؤمنین و الحسین علیهما السلام.

پایان کتاب، زیارت امام رضا به روایت علی بن حسن بن علی بن فضال بوده و سپس نام خطاط، حسین بن علی بن حسن بحرانی ثبت شده که در شهر جردن در تاریخ ۱۹ رمضان ۹۷۱ هـ ق. آرنوشته است.

۱ - ورق شماره ۱۱۶ سمت چپ، سطر ۹.

۲ - اعتزمت: تصمیم به انجام کاری گرفت.

زیارت ناحیه با این عبارات شروع می شود: (۱)  
«زیارة اخرى له عليه السّلام. تقف على باب قُبْتِه و انت على  
غسل و تقول: اللهم اليك توجهت...»  
این قسمت اولیه در ۴۲ سطر نوشته شده و سپس در ص ۱۴۰،  
سمت راست سطر ۱۰ چنین بیان شده است: «تدخل القبة و تقف  
على القبر و تقول: السّلام على آدم صفوة الله من خليقته...» .  
زیارت ناحیه در ص ۱۴۳ سمت چپ تمام می شود.

## ۲/۳ - المصباح

( سید مرتضی، متوفای ۴۳۶ هـ ق.)

چنین کتابی پیدا نشد، ولی سید بن طاووس زیارت ناحیه را از کتاب سید مرتضی در مصباح الزائر خود نقل کرده و چنین فرموده است: « زیارة ثانیة بألفاظ شافیة، تذکر بها بعض مصائب یوم الطَّف (۱)، یزار بها الحسین صلوات الله علیه و سلامه. زار بها المرتضی علم الهدی رضوان الله علیه و سأذکرها علی الوصف الذی اشار الیه. قال: فاذا اردت الخروج، فقل: اللهمَّ إلیک توجهت (۲)..... [ثمَّ] تدخل القُبَّةَ الشریفة و تقف علی القبر الشریف و قل: «السَّلَام علی آدم صفوة الله فی خلیقته...» (۳)(۴)

سید بن طاووس از کتاب سید مرتضی استفاده کرده، ولی نام و مشخصات آنرا ذکر نکرده است.

- ۱ - طف به معنای کنار ساحل است و مراد از آن، کربلا می باشد (مجمع البحرین). بنابراین، منظور از یوم العطف، روز عاشورا است.
- ۲ - مصباح الزائر سید بن طاووس، نسخه خطی (کتابخانه آیه الله مرعشی (ره)، ش ۱۶۰)، ص ۱۶۲، سمت چپ، سطر ۷ و نسخه چاپی، ص ۲۲۱
- ۳ - همانجا، ص ۱۶۵ خطی و ص ۲۲۴ چاپی.
- ۴ - زیارت ناحیه در فصل نهم، ص ۱۴۲ خطی و ص ۱۹۲ چاپی آمده و عنوان باب چنین است: الفصل التاسع فی مختار زیارات مولانا الحسین بن علی امیر المؤمنین صلوات الله علیهما و سلامه التي یزار بها فی سائر الايام [العاشورا].



همچنین علامه مجلسی در نقل این زیارت از المزار القدیم شیخ مفید، در چهار جا<sup>(۱)</sup> به کتاب سید مرتضی اشاره کرده و در آخرین جا در مورد اختلاف نسخه ها فرموده: بر حسب ظاهر، زیارتی را که از سید مرتضی آوردیم، از قلم نسخه نویسان افتاده است.<sup>(۲)</sup> از اینجا روشن می شود که اولاً سید مرتضی کتابی در زمینه ادعیه و زیارات داشته است. ثانیاً در بعضی موارد با کتابهای دیگر اختلاف دارد.

علاوه بر این سید محسن امین در اعیان الشیعه<sup>(۳)</sup>، چهل و دومین کتاب سید مرتضی را «المصباح» ذکر نموده است.

۱ - بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۲۸، سطرهای ۱۶ تا ۱۸ و ۲۱.

۲ - همانجا، آخر ص ۳۲۸: «و الظاهر أنه سقط من النسخ، الزيارة التي أحققناها من رواية السيد - ره -».

۳ - اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۲۱۹، مبحث تألیفات الشریف المرتضی علی

بن الحسین.

## ۲/۴ - المزار

یک نسخه خطی آن در کتابخانه آیه... مرعشی (ره) به شماره ۴۶۲ موجود می باشد که دارای ۱۸۱ برگ (هر برگ دو صفحه) شماره گذاری شده است.

این کتاب از شیخ مفید نیست؛ زیرا در برگ ۱۴۶ چنین آمده است:

«زيارة أخرى تختص بالحسين صلوات الله عليه و هي مروية باسانيد مختلفة و هي اول زيارة زار بها المرتضى علم الهدى رضوان الله عليه».

بدیهی است که شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هـ ق) نمی تواند در نوشته های خودش، برای سید مرتضی (متوفای ۴۳۶ هـ ق) بنویسد: «رضوان... علیه».

عبارت مذکور عیناً همان عبارتی است که در مصباح الزائر سید بن طاووس آمده است. ولی چون با ابتدا و انتها و نیز با زیارت ناحیه آن، کاملاً متفاوت است. لذا این کتاب از سید بن طاووس هم نیست.

در هر حال چنین کتابی از قدما موجود می باشد و زیارت ناحیه را نقل کرده است.

صفحه اول کتاب، شماره ندارد و به منزله نیمی از ورق شماره ۱

می باشد و قابل خواندن هم نیست.

صفحه دوم که جزء ورق شماره ۲ می باشد، با این عبارت شروع شده است: « عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر... قال دخل امیر المؤمنین علیه السلام مسجد الکوفة... فقال یا اصبع... ».

آخر کتاب با دعای کمیل به مناسبت اعمال شب نیمه شعبان پایان پذیرفته است .

زیارت ناحیه در برگ شماره ۱۴۶ با عبارت زیر شروع شده است:

« زیارة أُخری (که در ابتدای این قسمت ذکر شد)...

فاذا بلغت المقتل، فقل: أذن للذین یقاتلون...»

این دعای مقدماتی در ۳۰ سطر ذکر شده و سپس در ورق ۱۴۷، سمت چپ سطر ۸ چنین بیان شده است: «ثم تدخل القبّة و تقف علی القبر و تقول: السّلام علی آدم صفة الله فی خلقه...»

## ۲/۵ - المزار الكبير

( ابن مشهدی، متوفای ۵۹۵ هـ ق.)

یک نسخه خطی آن در کتابخانه آیه... مرعشی (ره) به شماره ۴۹۰۳ موجود می باشد که دارای ۹۵۶ صفحه است و اخیراً توسط آقای جواد قیومی اصفهانی مورد تحقیق قرار گرفته و نشر قیوم آن را در سال ۱۴۱۹ هـ ق. چاپ و منتشر نموده است.

ابتدای نسخه ظاهراً چند صفحه مقدماتی افتاده است، آخرین صفحه که قبل از شروع اصل کتاب بوده و فعلاً موجود می باشد چنین است: [ قال ] موسی بن جعفر بن محمد بن محمد بن طاووس الحسنی رضی الله عنه...

بعد از این صفحه، اصل کتاب با این عبارت شروع می شود: «بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله القديم احسانه...».

سپس در ص ۲ چنین آمده است: «اما بعد فانی قد جمعت فی کتابی هذا من فنون الزیارات» .

کتاب با نماز استغاثه امام زمان (عج) پایان می پذیرد.

زیارت ناحیه از ص ۷۱۸ تا ۷۴۴ نسخه خطی و ص ۴۹۶ تا ۵۱۹

نسخه چاپی می باشد و چنین شروع شده است:

« زیارة اخرى فی یوم عاشورا لابی عبدالله الحسین بن علی ممّا

خرج من الناحية الى احد الابواب. قال: تقف علیه (ص) و تقول:...» .

### ۳ - مستند بودن زیارت

بعد از این که روشن شد اصل زیارت در کتب قدما آمده است، نوبت به بررسی سند و سپس انتساب آن به امام زمان (عج) می‌رسد. این زیارت طبق عبارات المزار القدیم، المزار و المزار الکبیر، از معصوم صادر شده است.

علاوه بر این صراحت کلام قدما، امور زیر نیز آن را تأیید و تقویت می‌کند:

۲/۱ - در المزار آمده: «و هی مرویة باسانید مختلفه» (۱)

این عبارت نشان می‌دهد که زیارت ناحیه طبق سندهای مختلف، مستند می‌باشد. و بر این اساس، دیگر جایی برای این باقی نمی‌ماند که گفته شود یک سند هم ندارد.

۲/۲ - شیخ مفید که از عظمی خاص برخوردار است و از اعظام فقهاء شیعه و رئیس امامیه در عصر خودش بوده (۲) و بعلاوه، قدیمی‌ترین ناقل و نزدیکترین آنها به امام زمان (عج) می‌باشد، این زیارت را مروی (روایت شده از معصوم) دانسته است. (۳)

۱ - المزار، نسخه خطی ش ۴۶۲ کتابخانه آیه الله مرعشی (ره)، ورق ۱۴۶.

۲ - رجال نجاشی ص ۳۹۹، ش ۱۰۶۷، فهرست طوسی ص ۱۵۸ ش ۶۹۶.

۳ - مستدرک الوسائل ۱۰ / ۴۳۵ / ح ۱۶ و ۱۷ و جامع احادیث الشیعه ۱۵ / ۴۰۵ / ح ۱۶ و ۱۷. عبارت آنها در ص ۱۲۰ آمده است.

۲/۳ - سید مرتضی به این زیارت عمل کرده<sup>(۱)</sup> و این عمل،  
سندهای ضعیف را جبران می‌کند، چه رسد به این که ضعیفی در کار  
نبوده باشد.

۲/۴ - ابن مشهدی در اوّل کتابش (المزارالکبیر) فرموده:  
«اما بعد، فانی قد جمعتم فی کتابی هذا من فنون الزیارات... ممّا  
اتصلت به من ثقات الروات الی السادات...»<sup>(۲)</sup>.  
یعنی ایشان که فردی موثق است، خود را ملتزم نموده که فقط  
روایاتی را نقل کند که از روایان ثقه نقل شده و بطور متصل به ائمه  
رسیده است.

به عبارت دیگر: اگر روایان را ذکر ننموده به علت اختصار بوده  
است، نه این که راوی نداشته و یا فاصله افتاده و یا راوی ضعیف بوده  
است و نظائر اینها<sup>(۳)</sup>.

### بنابراین:

زیارت ناحیه، یک زیارت مستند و مروی  
از معصوم می‌باشد.

- 
- ۱ - طبق مدارکی که در پاورقی ۴، ص ۷۶ ارائه شد.
  - ۲ - المزارالکبیر، نسخه خطی موجود در کتابخانه مرحوم آقای مرعشی،  
ش ۴۹۰۳، ص ۳ و نسخه چاپی، ص ۲۷.
  - ۳ - علاوه بر موارد یاد شده، چند مورد دیگر در بحث بعدی (صحت  
انتساب) و نیز در سخنرانی آیه... کریمی جهرمی بیان شده است.

#### ۴ - انتساب زیارت به امام زمان (عج)

در این پنج نسخه کهن، فقط در المزار الکبیر ابن مشهدی تصریح شده که «این زیارت از ناحیه مقدس امام زمان (عج) صادر شده است».

این انتساب، با توجه به فاصله بین ابن مشهدی (متوفای ۵۹۵ ق) و زمان غیبت صغری (۳۲۹ ق)؛ یعنی ۲۶۶ سال، قابل تأمل و بررسی است. لکن همانطور که قبلاً بیان شد، این فاصله از طریق سلسله راویان سند قابل بررسی نمی‌باشد، بلکه از طریق دوم (بررسی محتوایی) امکان‌پذیر است.

صحت این انتساب که در کلام ابن مشهدی آمده، با این برهان اثبات می‌گردد:

\* ابن مشهدی، فردی موثق است و کتابش نیز مورد تأیید علماست.

\* در ابتدای کتابش خود را ملتزم نموده که فقط احادیث معتبری را نقل کند که از طریق راویان موثق نقل شده و متصل به معصوم باشد.

\* در نتیجه، صحت سند زیارت ناحیه و نیز انتساب این زیارت به امام زمان (عج) ثابت می‌گردد؛ چرا که او حدیث غیر مستند نقل نمی‌کند و دروغ هم نمی‌گوید؛ لذا انتساب او، یک واقعیت می‌باشد.

این برهان، مبتنی بر چند مقدمه مهم و قابل توجه می باشد و تا مقدمات ثابت نگردد، برهان تمام نمی شود. از اینرو یکایک این مقدمات بررسی و تبیین می گردد.

#### ۴/۱ - مشخصات ابن مشهدی

صاحب کتاب، «المزار الکبیر» ابو عبد الله محمد بن جعفر بن علی المشهدی الحائری معروف به ابن المشهدی و محمد بن مشهدی می باشد. علاوه بر المزار الکبیر، تألیفات دیگر هم دارد<sup>(۱)</sup>. ایشان در سال ۵۱۰ ق متولد شده<sup>(۲)</sup>، در سال ۵۷۳ کتاب المزار الکبیر را به پایان رسانیده است<sup>(۳)</sup> و در سال ۵۹۴ هـ ق. زنده بوده است.<sup>(۴)</sup>

۱ - المزار الکبیر، تحقیق از جواد قیومی اصفهانی، ص ۵ (مقدمه تحقیق)، دستخط مرحوم آیه الله مرعشی در ابتدای نسخه خطی المزار الکبیر که در کتابخانه ایشان با شماره ۴۹۰۳ موجود می باشد. البته در این دستخط کلمه الحائری ثبت نشده است. امل الامل ۲ / ۲۵۳ ش ۷۴۷، ریاض العلماء ۴۹/۵. مستدرک الوسائل، چاپ قدیم، ۳ / ۴۷۷، الفائدة الثالثة فی ذکر المشایخ العظام، در ترجمه هبة الله بن نما و چاپ جدید، ۱۹/۲۱، الکنی و الالقاب ۴۰۹/۱، اعیان الشیعه ۲۰۲/۹، ریحانة الادب ۲۰۸/۸، الذریعة ۳۲۴/۲۰، طبقات اعلام الشیعه ۲۵۳/۳ (قرن ششم)، معجم المؤلفین ۱۵۳/۹.

۲ - طبقات اعلام الشیعه ۲۵۲/۳، معجم المؤلفین ۱۵۳/۹.

۳ - دستخط مرحوم آقای مرعشی در صفحه اول کتاب مذکور: و تاریخ الفراغ من کتابتها، سنة ۵۷۳ ق.

۴ - معجم المؤلفین ۱۵۳/۹.



## ۴/۲ - وثاقت و جلالت ابن مهدی

بعضی شخصیت‌ها دارای چنان منزلتی هستند که در شرح حال‌ها یادی از آنها نشده است. گاهی هم در اثر اشتباهات، بعضی افراد باهم مشتبه می‌شوند و بزرگواری بواسطه هم نامی با فرد مشکوکی زیر سؤال می‌رود، گاهی هم به مرور زمان به فراموشی سپرده می‌شوند.

یکی از این شخصیت‌ها، ابن مهدی است که در توثیق ایشان، سخن صریحی از قدما دیده نمی‌شود و «کتابش در میان مردم حتی بین اهل فن معاصر، مشهور نشده است و این اولین شخصیتی نیست که یادش در میان مردم به فراموشی سپرده شده است»<sup>(۱)</sup>.

به هر حال، آنچه مهم است، حقائق و واقعیات است، نه شهرت حال. اگر از اندیشه‌های مشهور زمان حال، صرف نظر کرده و بادقت و تحقیق به حقائق و واقعیات توجه کنیم، روشن می‌شود که:

ابن مهدی از بزرگان علماء گذشته و از افراد مورد وثوق و جلیل‌القدر است و کتابش در ادعیه و زیارات، اصل است.<sup>(۲)</sup> این امر از جهات گوناگون روشن و محرز می‌شود که در ذیل ملاحظه می‌گردد.

۱ - مقدمه محقق المزار الکبیر چاپ شده، ص ۵.

۲ - هر کتابی که مصدر باشد و بقیه از او نقل کنند، اصل نامیده می‌شود.

نمونه‌های نقل بزرگان از کتاب ابن مهدی در صفحات ۱۱۱ و ۱۱۴ و ۱۱۵

ارائه شده است.

### أ- مشایخ

ابن مشهدی نزد ۲۷ نفر از بزرگان تحصیل نموده و یا از آنها اجازه نقل حدیث داشته و از آنها روایت نقل کرده است. (۱)

نکته مهم این است که تمامی این مشایخ، از ثقات بوده و بعضی از آنها نظیر ابن شهر آشوب<sup>(۲)</sup>، شیخ الطائفه بوده‌اند و عموماً جلیل‌القدر و عظیم‌الشان هستند؛ نظیر شاذان بن جبرئیل، عبد الله بن جعفر دوریستی، سید بن زهره و ورام بن ابی فراس.

### ب- راوی سند عالی

یکی از امتیازات ابن مشهدی این است که: «با دو واسطه از شیخ مفید روایت نقل می‌کند و این سند عالی است»<sup>(۳)</sup>.

این دو واسطه، ابن نقاش و محمدی<sup>(۴)</sup> هستند.

۱ - مستدرک الوسائل ج ۲۱ ص ۱۹، نام ۲۲ نفر را ذکر کرده، ولی مقدمه تحقیق المزار الکبیر ص ۱۲، نام ۲۷ نفر را بیان کرده است.

۲ - مستدرک الوسائل ۱۹/۲۱، اعیان الشیعه ۲۰۲/۹، طبقات اعلام الشیعه ۲۵۲/۳. علاوه بر این، توثیق هریک از این مشایخ در معجم رجال الحدیث آمده است.

۳ - اعیان الشیعه ۲۰۲/۹، الذریعه ۳۲۴/۲۰، طبقات اعلام الشیعه ۲۵۲/۳.

۴ - طبقات اعلام الشیعه ۲۵۲/۳: «ابن مشهدی، کتاب مقتعه شیخ مفید را قبل از سن بیست سالگی (۵۳۰ق) نزد علی محمد بن حسن بن منصور نقاش خواند و ابن نقاش مقنعه را در اول عمرش نزد الشریف النقیب المحمدی ←

در بعضی روایات نیز با سه واسطه روایت نقل می‌کند. این سه واسطه عبارتند از: شاذان بن جبرئیل یا عبدالله بن جعفر دوریستی و محمد بن موسی بن جعفر دوریستی و جعفر بن محمد دوریستی<sup>(۱)</sup> و یا محمد طبری، حسن بن محمد و پدرش.<sup>(۲)</sup>

⇒ در موصل خواند و شریف هم در اول عمرش، مقنعه را نزد مؤلف آن؛ شیخ مفید خواند. پس ابن مشهدی با ۲ واسطه (ابن نقاش و محمدی) از شیخ مفید روایت نقل می‌کند.»

تذکر: ابن زهره (متولد ۵۱۱ ق) نیز در سال ۵۳۰ ق، مقنعه مفید را نزد علی بن نقاش خوانده است.

۱ - قد ذکر الشيخ نجم الدین بن نما (جعفر بن محمد، متوفای ۶۸۰ ق) أنَّ والده (نجیب الدین، محمد بن جعفر بن هبة الله، متوفای ۶۴۵ ق) اجاز له رواية جميع كتب الشيخ المفید عن الشيخ محمد بن جعفر المشهدی (متوفای ۵۹۵ ق) عن الشيخین الجلیلین: ابی محمد عبدالله بن جعفر بن محمد الدوریستی (متولد ۴۸۲ ق. و متوفای ۶۰۰ ق) و ابی الفضل، شاذان بن جبرئیل (۵۸۴ ق. زنده بوده) عن جد عبدالله (محمد بن موسی بن جعفر دوریستی) عن جدّه (جعفر بن محمد دوریستی، متوفای ۴۹۵ ق.) عن الشيخ المفید (تذکره المتبحرین ص ۴۶۱ طبق نقل معجم رجال الحدیث ۱۵۳/۱۰، ریاض العلماء ۳/ ۱۸۹، روضات الجنات ۲ / ۱۷۷).

ظاهراً عبارت «عن جدّ عبدالله» لازم نیست، زیرا: بدون آن، اتصال از نظر زمانی وجود دارد؛ زیرا جعفر بن محمد متوفای ۴۹۵ ق است و عبدالله بن جعفر متولد ۴۸۲ ق است؛ یعنی عبدالله در سن ۱۳ سالگی بوده و قادر به نقل از طبقه قبلی بوده است. بنابراین نیاز به «جدّ عبدالله» نیست.

۲ - اخبرنی الشيخ الفقيه العالم عمادالدین محمد بن ابی القاسم الطبری قراءة عليه و انا اسمع فی شهر سنة ۵۵۳ بمشهد مولانا امیر المؤمنین (ص) عن الشيخ ابی علی الحسن بن محمد عن والده؛ الشيخ ابی جعفر عن الشيخ المفید. (المزار الکبیر چاپ شده، ص ۴۷۳، سند یکی از زیارات عاشورا).

## ج - شاگردان

سید فخار بن معد الموسوی (۱)

شیخ کمال الدین علی بن الحسین بن حماد الواسطی (۲)

هبة الله بن سلمان (۳) (۴)

شیخ نجیب الدین، ابوابراهیم، محمد بن جعفر بن محمد بن نما،  
الحلی، متوفای ۶۴۵ هـ.ق. ایشان، عالمی جلیل، محقق و فقیه بوده و  
استاد محقق حلی (متوفای ۶۷۶ هـ.ق.) می باشد (۵) (۶).

۱ - السید شمس الدین فخار بن معد بن فخار الموسوی الحائری، کان  
عالم، فاضلاً، ادیباً، محدثاً، یروی عن شاذان بن جبرئیل و... (معجم رجال  
الحديث ۱۳ / ۲۷۳) متوفای ۶۳۰ هـ.ق. است (روضات الجنات ۵ / ۳۴۷). طبق  
سلسله اسناد صحیفه سجادیه، تحقیق مدرسه الامام المهدي (قم)، ایشان  
صحیفه را از ابن مشهدی دریافت و نقل کرده است؛ از اینرو شاگرد ابن مشهدی  
می باشد.

۲ - فاضل، فقیه، زاهد (معجم رجال الحديث ۱۱ / ۳۸۳).

۳ - ایشان، ابن مشهدی را به تدوین المزار الکبیر ترغیب کرده است؛ چنان  
که ابن مشهدی در مقدمه المزار الکبیر (نسخه چاپی، ص ۲۷)، فرموده است:  
«حسبني على ذلك أيضاً ما التمسته مني الحضرة السامية، القضيوية المجديّة، ابي  
القاسم هبة الله بن سلمان ضاعف الله مجدها و...».

۴ - غیر از مدارکی که در پاورقی های ۱ و ۳ برای شاگرد بودن نفرات اول و  
سوم بیان شد، مقدمه محقق المزار الکبیر (جواد قیومی) ص ۱۶ نام هر سه نفر را  
ذکر نموده است. ایشان علاوه بر این سه نفر، نجم الدین بن نما را نیز ذکر نموده  
است که نادرستی آن، در نفر چهارم (نجیب الدین...) تبیین می گردد.

۵ - مشخصات یاد شده از: روضات الجنات ۶/۲۹۴ و ۲/۱۸۱. ←

⇒ دلیل شاگرد بودن ایشان : امل الامل ۱/ ۲۵۳ ، تذکرة المتبحرین ص ۷۴۶ (طبق نقل معجم رجال الحديث ۱۵/ ۱۸۸) و طبقات اعلام الشیعه، ج قرن هفتم ص ۱۵۴ : یروی ابن نما، «الصحيفة السجادية» عن محمد بن المشهدی . همین مطلب در سلسله اسناد الصحیفة السجادية، از تحقیقات مدرسة الامام المهدي (قم) آمده است .

۶ - در مقدمه تحقیق المزار الكبير، ص ۱۶، بیان شده که: نجم الدین، محمد بن جعفر بن نما الحلّی، صاحب مثير الاحزان، از شاگردان ابن مشهدی است .

این بیان غلط است ؛ زیرا :

اولاً: صاحب مثير الاحزان، نجم الدین، جعفر بن نجیب الدین، محمد بن جعفر بن هبة الله بن نما است (روضات الجنات ۲ / ۱۷۹) که فرزند نجیب الدین بوده و متوفای ۶۸۰ هـ.ق. می باشد .

ثانیاً: کسی که در سال ۶۸۰ فوت کرده نمی تواند شاگرد ابن مشهدی باشد که در سال ۵۹۵ ( ۸۵ سال قبل) فوت کرده است .

ثالثاً: محدث نوری (مستدرک الوسائل ۱۹ / ۳۶۳) چنین بیان کرده است : ذکر الشيخ نجم الدین بن نما فی الاجازة المذكورة سابقاً، أنّ والده اجاز له أن یروی عنه عن الشيخ محمد بن جعفر المشهدی کتاب «ازاحة العلة فی معرفة القبلة من سائر الاقالیم» تصنیف الفقیه ابی الفضل شاذان بن جبرئیل رحمه الله عن مصنفه رضی الله عنه...الی ان قال: و ذکر الشيخ نجم الدین بن نما أنه یروی المقنعه للمفید بالاجازة عن والده عن محمد بن جعفر المشهدی. همچنین در ص ۳۶۲ چند مورد برای نقل از ابن مشهدی آورده است.

بر اساس دو نقلی که در بیان فوق وجود دارد، پدر نجم الدین ؛ یعنی نجیب الدین، از ابن مشهدی نقل روایت می کند، نه خود نجم الدین .

بنابراین: أ - شاگرد ابن مشهدی، نجیب الدین است، نه نجم الدین.

ب - این شاگرد، صاحب مثير الاحزان نیست .

ج - نام نجم الدین، جعفر بن محمد است، نه محمد بن جعفر .

### د - تحصیل دروس عالی در نوجوانی

یکی از امتیازات دیگر ابن مشهدی این است که در نوجوانی کتاب مقنعه شیخ مفید را نزد استاد خوانده است.

در این رابطه، شیخ حسن صاحب معالم می‌فرماید:

ابن نما فرموده که او از پدرش اجازه دارد که مقنعه شیخ مفید را از طریق محمد بن جعفر مشهدی نقل کند و نیز ابن نما از ابن مشهدی حکایت می‌کند که او مقنعه مفید را قبل از سن بیست سالگی نزد ابن نقاش خوانده است. (۱)

این امر حاکی از تبحر ابن مشهدی در اوائل جوانی اوست. (۲)

### نتیجه

از چهار مبحث فوق روشن می‌شود که محمد بن مشهدی، عالمی بزرگوار، فاضل، متبحر، محدث و مورد وثوق بسیاری از علما و بزرگان و منجمله ابن شهر آشوب و ابن زهره و... بوده و شاگردانی همچون محقق حلّی داشته است.

۱ - بحار ۴۴/۱۰۶. مستدرک الوسائل ۳۶۲/۱۹ و ۳۶۳: ذکر الشیخ نجم الدین بن نما انه یروی المقنعه للمفید بالاجازة عن والده عن محمد بن جعفر المشهدی و حکى عن محمد بن جعفر انه قرأها و لم یبلغ العشرین علی الشیخ المکین ابن منصور محمد بن الحسن بن منصور النقاش الموصلی. و هو طاعن فی السن.

۲ - مقدمه تحقیق المزار الکبیر، ص ۶.

## هـ - نظر متأخرین

۱/ ۵- شهید اول، محمد بن مکی، متوفای ۷۸۶ ق، ابن مشهدی را به نیکی یاد کرده و فرموده: «الشیخ الامام السعید، محمد بن جعفر المشهدی رحمه الله»<sup>(۱)</sup>.

۲ و ۳/ ۵- شیخ حرّ عاملی متوفای ۱۱۰۴ ق. و عبدالله افندی متوفای ۱۱۳۰ ق: «کان فاضلاً محدثاً، صدوقاً»<sup>(۲)</sup>.

۴/ ۵- محدث نوری متوفای ۱۳۲۰ ق: «محمد بن جعفر بن علی ابن جعفر المشهدی الحائری، الشیخ الجلیل، السعید المتبحر، ابو عبد الله، المعروف بمحمد بن المشهدی و ابن المشهدی، مؤلف المزار المشهور، الذی اعتمد علیه اصحابنا الابرار، الملقب بالمزار الكبير فی بحار الانوار»<sup>(۳)</sup> يظهر منه أنه رحمه الله، من اعظم العلماء، واسع الرواية، كثير الفضل، معتمد عليه»<sup>(۴)</sup>.

۵/ ۵- شیخ عباس قمی (۱۳۵۹ ق): «الشیخ الجلیل السعید،

۱ - شهید اول، در اجازه‌ای که به شیخ شمس الدین داده، چنین مرقوم فرموده: «أجزت له دامت ایامه، رواية مصنفاً هؤلاء المذكورین ایضاً و مؤلفاتهم و مرویاتهم عنی عنهم بلا واسطة (بحار ۱۰۴ / ۱۹۶) ... و عن السید فخار بلا واسطة و نجیب الدین بن نما رضی الله عنهما بواسطة «الشیخ الامام السعید، ابی عبدالله، محمد بن جعفر المشهدی رحمه الله، جمیع مصنفاً شاذان بن جبرئیل...» (بحار ۱۰۴ ص ۱۹۷).

۲ - امل الامل ۲/ ۲۵۳ / ش ۷۴۷. ریاض العلماء ۴۹/۵.

۳ - مستدرک الوسائل ۲۱ / ۱۹.

۴ - مستدرک الوسائل ۱۹ / ۳۶۳.

المتبحر، عظیم المنزلة و المقدار. (۱)

۶/۵ - محسن امین متوفای ۱۳۷۱ ق. : شیخ جلیل، متبحر، محدث، صدوق (۲).

۷/۵ - محمد علی مدرس (۱۳۷۳ق): از کبار محدثین امامیه است، بسیار جلیل القدر و عظیم المنزله است. (۳)

۸/۵ - آقابزرگ تهرانی (۱۳۸۹ق): عالم جلیل، واسع الروایة. (۴)

۹/۵ - آية الله مرعشی (۱۴۱۱ ق.): صاحب هذا الكتاب (المزار الكبير) هو العلامة المحدث، الثبت، الثقة. كان والده من اعظم العلماء العزيز الشریف. (۵)

۱۰/۵ - آية الله خوئی: محمد بن جعفر بن علی ابن جعفر المشهدی الحائری، الشیخ الجلیل، السعید المتبحر، ابو عبد الله، المعروف بمحمد بن المشهدی و ابن المشهدی مؤلف المزار المشهور، الذي اعتمد عليه اصحابنا الابرار، الملقب بالمزار الكبير في بحار الانوار. (۶)

۱ - الكنى واللقاب ۴۰۹/۱.

۲ - اعيان الشيعة ۲۰۲/۹.

۳ - ريحانة الادب ۲۰۸/۸.

۴ - طبقات اعلام الشيعة ۲۰۲/۳.

۵ - دستخط آن بزرگوار در ابتدای نسخه خطی المزار الكبير که با شماره ۴۹۰۳ در کتابخانه ایشان موجود است.

۶ - معجم رجال الحديث ۱۷۷/۱۵، چاپ اول. در اینجا چند نکته وجود

دارد:

أ - این عبارت آية ... خوئی، همان عبارت مستدرک الوسائل (۱۹/۲۱) ←



۱۱/۵ - رضا کحّاله : محدث فقیه (۱) .

حال با چنین وضع روشن از اساتید و شاگردان، چگونه می توان،  
ابن مشهدی را مجهول دانست؟!

### نتیجه

از مطالب فوق روشن می شود که محمد بن مشهدی، علاوه بر  
داشتن فضائل و کمالاتی که از چهار مبحث قبل بدست آمد، عالمی  
بزرگوار، فقیه، کثیر الروایت، کثیر الفضل، مورد وثوق و صدوق  
بوده است .

⇒ است. ب - این عبارت در چاپ اول موجود است؛ ولی در چاپ  
سوم، معرفی مشهدی از صفحه ۱۷۶ شروع شده و عبارت مذکور کاملاً حذف  
شده و بجای آن چنین آمده است : « قال الشيخ الحرّ فی تذکرة المتبحرین  
(۷۴۷): محمد بن جعفر بن علی ابن جعفر المشهدی »

ج - ایشان در ج ۱۷ ص ۲۵۹ فرموده اند: ابن مشهدی کتابی دارد که به المزار  
شناخته شده است. سپس اشاره کرده اند که « وی غیر از جعفر بن محمد بن  
المشهدی است و در مقدمه (معجم ج ۱ ص ۴۶ چاپ اول) بیان شد که محدث  
نوری، ابن مشهدی را محمد بن جعفر بن محمد المشهدی الحائری می داند و  
این امر صحیح نیست» .

د - ایشان در ج ۱ ص ۴۶ چاپ اول و ص ۵۲ چاپ سوم فرموده اند:  
نمی توان به کلام ابن مشهدی در ابتدای کتابش اعتماد کرد؛ زیرا اولاً: اعتبار کتاب  
المزار الکبیر روشن نیست . ثانیاً: توثیق او ثابت نشده است.  
ناصحیح بودن ایندو دلیل و کلام قبلی ایشان (ج) با مطالبی که در متن آمده،  
روشن است .

### ۴/۳ - وثاقت کتاب المزارالکبیر

یکی از مقدمات برهان اعتبار زیارت ناحیه، وثاقت ابن مشهدی و کتاب وی (المزارالکبیر) می باشد.

این کتاب، به استناد گفته های علما مورد وثوق می باشد:

أ و ب - سید رضی الدین، علی بن موسی بن طاووس (۵۸۹ - ۶۶۴ ق.) در مصباح الزائر و سید عبدالکریم بن احمد بن موسی بن طاووس (۶۴۸ - ۶۹۳ ق.)<sup>(۱)</sup> در فرحة الغریّ به کتاب المزارالکبیر ابن مشهدی اعتماد کرده اند.<sup>(۲)</sup>

ج - علامه مجلسی: به نظر قاصر رسیده بود که با وجود زیارات منقوله ازائمه اطهار علیهم السّلام به زیارت [های] مؤلف علماء احتیاج نبود. خواست که رساله ای تألیف نماید که مقصود باشد بر ذکر زیارت و ادعیه و آدابی که به اسانید معتبره ازائمه دین صلوات الله علیهم اجمعین منقول گردیده است.<sup>(۳)</sup>

همچنین در بحار فرموده است: المزارالکبیر، يعلم من کیفیة

۱ - ایشان، فقیه، زاهد، عابد، رئیس سادات و اوحد زمان خود می باشد، در سال ۶۴۸ ق متولد و در سال ۶۹۳ ق فوت نموده است (روضات الجنان، ۲۲۱/۴).

۲ - بحارالانوار (۱ / ۳۵) به نقل از فهرست منتجب الدین . مستدرک الوسائل ۳۵۸/۱۹ به نقل از بحار. همین عبارت توسط کتابخانه آیه...مرعشی (ره) در ابتدای نسخه خطی المزارالکبیر (ش ۴۹۰۳ که دارای ۹۵۶ صفحه است) نوشته شده است.

۳ - تحفة الزائر، مقدمه علامه مجلسی، ص ۳.

أسناده أنه كتاب معتبر، و قد اخذ منه السيدان ابنا طاووس كثيراً من الاخبار و الروايات. (۱)

د - محدث نوری: اعتمد عليه [المزار الكبير] اصحابنا الابرار (۲)  
 يظهر من صدر كتابه الاعتماد على كل ما اودعه فيه، و ان ما فيه من الزيارات كلها مأثوره، و ان لم يستند بعضها اليهم السلام في محله... و يظهر منه غاية اعتباره و اعتبار مؤلفه و اظنه القطب الراوندى، لملاءية الطبقة، و عدّ الاصحاب من كتبه كتاب المزار،... و قد نقل فيه جملة من الاخبار المختصة سنداً و متنأ بمزار محمد بن المشهدى. (۳)

هـ - سيّد محسن امين : اعتمد عليه [المزار الكبير] الاصحاب. (۴)  
 و - شيخ عباس قمي : اعتمد عليه [المزار الكبير] علماءنا الابرار الملقب بالمزار الكبير في بحار الانوار. (۵)  
 ز - محمد على مدرس: كتاب المزار الكبير محل اعتماد اكابر است. (۶)

ح - سيّد محمد باقر خوانساري : محمد بن المشهدى، المتكرر

۱ - بحار الانوار ۳۵/۱ . مستدرک الوسائل (۳۵۸/۱۹) همين مطلب را از بحار نقل کرده است.

۲ - مستدرک الوسائل ۱۹/۲۱.

۳ - مستدرک الوسائل ۱۹ / ۳۵۹ / سطر آخر.

۴ - اعيان الشيعة ۲۰۲ / ۹ .

۵ - الكنى و الالقاب ۱ / ۴۰۹ .

۶ - ریحانة الادب ۲۰۸/۸ .

ذکره فی کتب المزار، و النقل عن کتاب زیاراته المشهور. (۱)

### نتیجه

از مباحث گذشته روشن شد که: محمد بن جعفر المشهدی، فردی جلیل القدر و مورد وثوق بوده، مشایخ عظیم الشأن فراوانی داشته و فقهاء و مراجع مختلفی او را مورد وثوق دانسته‌اند. همچنین کتاب المزار الکبیر او را تأیید نموده‌اند و مطالب فراوانی از آن نقل کرده‌اند. این امر سبب می‌شود که گفتار او را صحیح و مطابق با واقع بدانیم. از طرف دیگر در ابتدای کتاب فرموده: من فقط روایاتی را نقل می‌کنم که از ائمه معصومین صادر شده و توسط راویان موثق و متصل به هم به ما رسیده است؛ یعنی فقط احادیث صحیح و مستند را در این کتاب آورده‌ام. و نیز در ابتدای زیارت ناحیه فرموده: این زیارت از ناحیه امام زمان (عج) صادر و به دست یکی از نائبان رسیده است.

بنابراین:

اولاً: زیارت ناحیه دارای سند صحیح و معتبر می‌باشد.

ثانیاً: از امام زمان (عج) صادر شده و از طریق یکی از نائبان خاص بدست ما رسیده است.

علامه مجلسی در تأیید این امر، پس از نقل زیارت ناحیه فرموده: «فظهر ان هذه الزيارة منقولة مروية». (۲)

۱ - روضات الجنات ۶/۲۹۴.

۲ - بحار الانوار ۹۸/۳۲۸/ح ۹.

## اعتبار زیارت ناحیه

### ۱- در کتب متأخرین

قبلاً روشن شد که این زیارت در پنج کتاب از متقدمین ثبت شده است. این امر، علاوه بر این که ریشه صدور زیارت را نشان می دهد، پشتوانه توجه علما را نسبت به این زیارت می نمایاند و همچنین روشن می کند که این زیارت ساخته علما نیست<sup>(۱)</sup> و خلق الساعه هم نشده است.

حال برای اینکه مشخص شود این زیارت همواره مورد توجه بوده و بزرگان آنرا ثبت و ضبط نموده اند، جهت تکمیل بحث «زیارت ناحیه در کتب متقدمین»، کتابهایی معرفی می شود که این زیارت را نقل کرده اند.<sup>(۲)</sup> و آن را مستند و از امام زمان (عج) می دانند.

---

۱ - چنان که علامه مجلسی در تحفة الزائر برای بعضی از ادعیه بیان فرموده است.

۲ - با توجه به توضیحات گذشته، در این جا کتابهای کسانی معرفی می شود که بعد از سیدبن طاووس (متوفای ۶۶۴ق) بوده اند.

شماره	مؤلف	سال فوت (ه.ق.)	نام كتاب	صفحه كتاب
١	سيد بن طاووس	٦٦٢	مصباح الزائر	١٩٢
٢	علامه مجلسي	١١١١	تحفة الزائر بحار الانوار	٣ ٣١٧/٩٨ ج ٨ و ٩
٣	ابراهيم بن فيض كاشاني		الصحيفه المهديه	٢٠٣
٤	حسين نوري	١٣٢٠	مستدرک الوسائل	٣٣٥/١٠ ج ١٦ و ١٧
٥	محمد هادي ميلاني	١٣٩٥	قادتنا، كيف نعرفهم	ج ٦، ص ١١٥
٦	اسماعيل معزى	-	جامع احاديث الشيعة	١٦ ح / ٢٠٥ / ١٥
٧	سيد محمود ده سرخي	-	رمز المصيبة	١٠ / ٣

## توضیح

أ - سیّد بن طاووس، اوّلاً به نسخهٔ سیّد مرتضی اعتماد کرده و زیارت ناحیه را از آن نقل کرده است.

ثانیاً فرموده: این زیارت دارای الفاظ شافیه (عباراتی نیکو و جامع) است. (۱)

ب - علامه مجلسی، در سخنانش نکات مختلفی وجود داشت که در بحث «وثاقت کتاب المزار الکبیر» (۲) بیان شد.

## ج - فیض کاشانی (ابراهیم بن محسن)

\* این زیارت را در صحیفه مهدیه آورده که اختصاص به روایات امام زمان (عج) دارد. در همین رابطه در ابتدای مقدمه (ص ۳) فرموده: «چون بواسطهٔ غائب بودن نور مستور، سینه‌ام تنگ شده بود، بر تألیف کتابی همت گماشتم که مطالبش از امام زمان صادر شده و منسوب به ایشان است.

\* در ص ۲۰۲ چنین بیان کرده: «زیارتی که از ناحیهٔ [امام زمان (عج)] بسوی یکی از چهار نایب صادر شده است.

از این دو مطلب، روشن می‌شود که ابراهیم بن محسن فیض، زیارت ناحیه را از امام زمان (عج) و شادی‌بخش روح خسته‌ای می‌داند که از غیبت مولا، تنگ شده است.

۱ - عبارت ایشان و مدرک آن در صفحهٔ ۹۶ ذکر شد.

۲ - ص ۱۱۴.

### د - مستدرک الوسائل و جامع احادیث الشیعه

در این دو کتاب چنین آمده است: «الشیخ محمد بن المشهدی فی المزار: زیارة أخرى فی یوم عاشورا ممّا خرج من الناحية الى احد الابواب. قال: تقف علیه و تقول:... و رواه المفید فی مزاره» «المزار القدیم: زیارة اخرى تختص بالحسین علیه السلام و هی مرویة باسانید. و هی اول زیارة زار بها المرتضی علم الهدی رضوان الله علیه و ساق زیارة و ذکر مثله و فی زیارتین اختلاف کثیر». (۱)

### ه - آیت الله سیّد محمد هادی میلانی

قبل از نقل این زیارت فرموده‌اند: «در زیارت امام مهدی صلوات الله علیه توصیف دقیقی از وقایعی که بر جدشان امام حسین علیه السلام گذشته، می‌یابیم». (۲)

۱ - مستدرک الوسائل ۱۰/۴۳۵/ب ۵۳ / ح ۱۶ و ۱۷ ، جامع احادیث الشیعه ۱۵/۴۰۵/ح ۱۶ و ۱۷. توضیح این که عبارتی که در اولین « است، در ح ۱۶ مستدرک آمده و عبارتی که در دومین « آمده، در ح ۱۷ مستدرک و در جامع الاحادیث آمده است.

۲ - قادتنا، کیف نعرفهم، ج ۶، ص ۱۱۵: «و نجد فی زیارة الامام المهدی صلوات الله و سلامه علیه وصفاً دقیقاً لما جرى على جدّه الحسين علیه السلام».



## ۲- نظر نهائی و حاصل کلام

بر اساس مباحث گذشته،<sup>(۱)</sup> روشن شد که :

- ۱- زیارت ناحیه مقدسه از ناحیه امام زمان صادر شده و از طریق یکی از نمایان خاص آن حضرت به دست بعضی اساتید شیخ مفید و سپس شیخ مفید و سید مرتضی و ابن مشهدی رسیده است.<sup>(۲)</sup>
- ۲- این زیارت دارای سندهای مختلف و معتبر بوده<sup>(۳)</sup> و در کتب این سه بزرگوار ثبت و ضبط گردیده است.<sup>(۴)</sup>
- ۳- این زیارت، اولین زیارتی است که سید مرتضی، امام حسین را با آن، زیارت کرده است.<sup>(۵)</sup>
- ۴- صاحب کتاب المزار الکبیر،<sup>(۶)</sup> جناب ابن مشهدی فرموده:

۱- سخنان آیت الله کریمی در صفحات ۳۱ تا ۴۲ و مباحث اخیر در صفحات ۸۹ تا ۱۲۰ در باره دلائل صحت انتساب زیارت ناحیه به امام زمان . همچنین صفحات ۴۳ تا ۵۹ و ۱۲۷ تا ۱۳۵ درباره ویژگی های زیارت ناحیه و صفحات ۷۳ و ۷۶ و ۷۷ .

۲- رجوع شود به: صفحات ۷۶ و ۹۲ تا ۱۰۲ و ۱۱۶ .

۳- استظهار از کلام شیخ مفید، ص ۹۳ و صراحت کلام بزرگان، ص ۷۶ و ۹۸ و ۱۰۱ و ۱۱۹ و ۱۲۰ . اصل مستند بودن (بدون بیان تعدد سند) در ص ۱۰۱ و ۱۱۴ و ۱۱۶ و ۱۱۹ و ۱۲۰ ذکر شده است. همچنین در ص ۱۱۷ تا ۱۲۰ در کتب متأخرین.

۴- رجوع شود به: صفحات ۹۲ تا ۱۰۰ و ۱۱۶ .

۵- ص ۷۶ و ۹۶ و ۹۸ و ۱۰۲ .

۶- مشخصات ایشان و مورد وثوق بودن خودشان و کلامشان و کتابشان در صفحات ۱۱۰ تا ۱۱۶ بیان شد.

« فقط احادیث مستند و صحیح را در این کتاب می آورم ».

و همچنین فرموده :

- « زیارت ناحیه از ناحیه امام زمان صادر شده است »<sup>(۱)</sup>.
- ۵- از طرف دیگر، برخی از عبارات این زیارت، یا کاملاً مطابق با زیارات معتبر و یا با آنها همسو بوده است. مهم تر که این زیارت از ویژگی های خاص و منحصر بفردی برخوردار می باشد. این امتیازات سه گانه، بیانگر اعتبار و صحت زیارت ناحیه است.<sup>(۲)</sup>
- ۶- بسی شایان توجه است که فضای این زیارت از نورانیت خاصی برخوردار بوده، عباراتش گویا و زیبا و موزون و معانیش عمیق و دقیق است و به هر حال زیارتی است، معرفت افزا و حزن برانگیز و روح بخش جانها و دل آسا.<sup>(۳)</sup>
- ۷- بر این اساس، علاوه بر این که قدما زیارت ناحیه را در کتاب های خود ثبت کرده و تأیید نموده اند، متأخرین از سید بن طاووس تا زمان حال نیز آنرا نقل کرده<sup>(۴)</sup> و صریحاً تأیید نموده اند.<sup>(۵)</sup>
- ۸- این زیارت از زیارات مطلقه بوده و در همه ایام خوانده می شود.<sup>(۶)</sup>

- 
- ۱- صفحات ۱۰۲ و ۱۱۰ تا ۱۱۶. از وثاقت ابن مهدی و کلام ایشان ثابت می شود که: زیارت ناحیه از امام زمان صادر شده و مستند می باشد.
- ۲- صفحات ۳۲ و ۴۳ تا ۵۹. همچنین توضیحات بیشتر در دو فصل آخر کتاب و نیز جلد دوم ملاحظه خواهد شد.
- ۳- صفحات ۲۶ تا ۳۴ و ۷۷ تا ۸۸ و ۹۶ و ۱۱۹ و ۱۲۰. همچنین صفحات مذکور در پاورقی قبل.
- ۴- صفحات ۱۱۷ تا ۱۲۰.
- ۵- صفحات ۳۵ تا ۳۸ و ۹۶ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۹.
- ۶- توضیح آن در صفحه ۷۳ بیان شد.

### ۳ - چرا زیارت ناحیه در مفاتیح نیامده است ؟

برای روشن شدن این مطلب ، سه نگاه را شایان توجه است :

#### نگاه اول

قبل از هر چیز لازم است توجه کنیم که آیا چنین سؤالی بجا و صحیح است ؟ آیا هر چه دعا و زیارت معتبر و خوب وجود دارد در مفاتیح آمده و یا باید باشد و اگر چیزی در مفاتیح نیامده باشد ، دلیل بر بی اعتباری آنست ؟

چنین تصوّر و انتظاری ، نه تنها برای مفاتیح الجنان صحیح نیست ، بلکه برای معتبرترین منابع اصیل و مهمّ روائی نظیر کتب اربعه (کافی ، من لا یحضره الفقیه ، تهذیب الاحکام و استبصار) نیز صادق نیست و حتّی چنین تصوّری برای قرآن هم غلط است . مگر می توان گفت هر چه حقّ است در قرآن آمده ؟ اگر چنین است ، چه نیازی به معصومین داریم ؟

پس چنین تفکّر و سؤالی ، اساساً ناصواب و غیرمنطقی است .

#### نگاه دوم

این زیارت شریف مورد وثوق و مستند شیخ عباس قمی (ره) مؤلف مفاتیح الجنان بوده است ؛ چرا که خود ایشان در کتاب نفس

المهموم<sup>(۱)</sup> چنین فرموده: «فكان كما وصفه ابنه المهدي (عج): و للقرآن سنداً و للامة عضداً...»<sup>(۲)</sup>.

«امام حسین آنچه آن بود که فرزندش حضرت مهدی (عج) او را چنین توصیف نموده است...».

بنابراین: زیارت ناحیه، نه تنها در اصل معتبر بوده و از ناحیه مقدسه امام زمان (عج) صادر شده است و نه تنها چنین سؤالاتی (چرا در مفاتیح نیامده) و چنین تفکری اساساً خطا و بی مورد است، بلکه مورد اطمینان مؤلف مفاتیح نیز بوده و بدان استناد نموده و از آن بهره گرفته و آنرا در نفس المهموم نقل کرده است.

### نگاه سوم

علت اینکه زیارت ناحیه در مفاتیح نیامده، چند چیز می تواند باشد:

۱- هر مؤلفی با دیدگاه خاصی مطالب را جمع آوری و تدوین می نماید و هر چه خارج از دیدگاه و چهارچوب مورد نظر باشد، کنار گذاشته می شود؛ چنان که سید رضی (ره) بر اساس دیدگاه خاصی (ادبیات و فصاحت کلام) سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام را در نهج البلاغه جمع نموده و بدین لحاظ همه سخنان امام در نهج البلاغه

۱ - نفس المهموم، چاپ بصیرتی، ص ۲۳۳ = ترجمه مرحوم کمره ای، چاپ اسلامی، ص ۱۰۴، وقایع شب عاشورا. این تحقیق از آیه الله کریمی جهرمی است که در سخنرانی ایشان ملاحظه شد.

۲ - این کلمات و ادامه آن که در نفس المهموم آمده، از زیارت ناحیه است.

نیامده است.

از اینرو می‌توان گفت: حاج شیخ عباس قمی (ره) براساس دیدگاه خاص خود ادعیه و زیاراتی را در مفاتیح ذکر نموده و بقیه ادعیه و زیارات را که خارج از چهار چوب مورد نظرش بوده، در مفاتیح ذکر نکرده است.

ب- مفاتیح کتاب کاملی نیست و همه ادعیه را ندارد

همانطور که از ۵۴ دعای صحیفه سجّادیه فقط دعای مکارم الاخلاق را دارد و بقیه را ذکر نکرده است و یا اصلاً زیارتنامه‌ای برای حضرت زینب (س) نیاورده است و یا اعمال شب قدر خصوصاً مسائل مربوط به درک حقیقی و واقعی شب قدر را ذکر نکرده است، در حالی که در اقبال الاعمال سید بن طاووس آمده است و یا زیاراتهای متعددی برای امام حسین در بحار (ج ۹۸ ص ۲۹۰ به بعد) وارد شده، ولی در مفاتیح نیامده است.

ج - زیارت ناحیه برحسب ظاهر، طولانی و خارج از طاقت عموم می‌باشد.

زیارت ناحیه (بدون قنوت) در بحار ۱۵۸ سطر است که ۱۸/۱ صفحه مفاتیح می‌شود و باقنوتش ۲۱/۲ می‌شود و از نظر زمان قرائت، زیارت ۴۵ دقیقه و نماز آن هم (با سوره انبیاء و حشر و قنوت) ۴۵ دقیقه است<sup>(۱)</sup> و رویهم یک ساعت و نیم می‌شود. لذا بلندترین زیارت می‌باشد.

اگر بعضی دعاها و زیارتها نسبتاً طولانی است، اما این دعاها به

۱ - قنوت ۱۱ دقیقه و بقیه نماز ۳۰ دقیقه و تعقیبات ۴ دقیقه.

اندازه زیارت ناحیه نمی باشد؛ زیرا دعای جوشن کبیر، ۱۲/۷ صفحه مفاتیح و دعای عرفه، ۱۰ صفحه و دعای ندبه، ۶/۵ صفحه و زیارت جامعه، ۵/۵ صفحه است و بلندترین آنها (جوشن) حدود  $\frac{۲}{۳}$  زیارت ناحیه می باشد.

د - زیارت ناحیه، جایگزین ساده تری هم داشته است.

زیارت عاشورا با حذف صد لعن و صد سلام و گفتن «مائه مرّة»<sup>(۱)</sup> با نمازش حدود ۱۰ دقیقه طول می کشد<sup>(۲)</sup> یعنی  $\frac{۱}{۹}$  زمان زیارت ناحیه. و چون هر دو زیارت امام حسین (ع) در روز عاشورا می باشد، زیارت عاشورا جایگزین آن گردیده است.

نکته دیگر اینکه صد لعن و صد سلام زیارت عاشورا را در حال راه رفتن و انجام کارهای دیگر انجام می دهند، ولی زیارت ناحیه را نمی توان چنین خواند، خصوصاً قنوت آن که حدود یازده دقیقه (اگر بدون حال و سریع خوانده شود) طول می کشد.

۱ - این تغییر در دستور العمل امام معصوم، از ناحیه مردم بوده و چه از نظر منطق و چه به لحاظ حدیث، صحیح نمی باشد. در درجه اول باید زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام خواند و در درجه بعد، برای سهولت می توان طبق فرمایش امام هادی علیه السلام چنین عمل نمود: بعد از یک بار لعن گفتن، نود و نه بار «اللهم العنهم جميعاً» گفته شود و بعد از یک بار سلام دادن، نود و نه بار «السّلام علی الحسین..... و علی اصحاب الحسین» گفته شود. (شفاء الصدور ج ۱ ص ۱۱۰ و ۱۱۱).

۲ - زیارت عاشورا با یک لعن و یک سلام ۵۱ سطر بحار می باشد که خواندنش ۱۰ دقیقه طول می کشد ولی ۱ ساعت و ۲۰ دقیقه هم صد لعن و صد سلامش طول می کشد. یعنی زیارت عاشورا ۱/۵ ساعت وقت می گیرد و مردم آنرا مختصر نموده و به ۱۰ دقیقه آن بسنده می نمایند.

# ویژگیهای زیارت ناحیه

## ۱- کلیات

زیارت ناحیه و زیارت‌های دیگر خصوصاً زیارت عاشورا تفاوتها و اشتراک‌هایی دارند.<sup>(۱)</sup> نظر به این که زیارت ناحیه و زیارت عاشورا، هر دو برای امام حسین است، جا دارد بین این دو زیارت مقایسه‌ای انجام شود. ابتدا نقاط مشترک و نقاط افتراق اولیه بصورت اشاره بیان می‌گردد، سپس امتیازات ویژه زیارت ناحیه تبیین می‌گردد.

### نقاط اشتراک

- أ - هر دو، از امام معصوم صادر شده است .
- ب - هر دو، زیارت سالار شهیدان است .
- ج - اصل هر دو، متعلق به روز عاشورا است.<sup>(۲)</sup>

---

۱ - ادعیه و زیارات، دو ویژگی و اثر کلی دارند :

أ - شناخت و ارتقاء سطح آگاهی و درک عمیق معارف اسلامی .

ب - تحقق و تبلور اعتقادات که شامل ادای حقوق، توسل و... می‌شود .

این موارد در صفحات ۱۳ و ۲۵ توضیح داده شده است .

۲ - زیارت عاشورا : طبق صراحت کلام امام باقر علیه السلام در دو حدیث از

اسناد زیارت عاشورا. (بحار الانوار ج ۹۸، ص ۲۹۰، باب کیفیت زیارت امام

حسین صلوات الله علیه در روز عاشورا، ح ۱ و ۲).

حدیث اول به نقل از کامل الزیارات بوده و راوی آن «مالک جهنی» ←

د - هر دو را می توان در غیر عاشورا نیز خواند. (۱)

### نقاط افتراق اولیه

أ - زیارت عاشورا غیر از صد لعن و صد سلام، کوتاه است، ولی زیارت ناحیه بلند است .

ب - نوع سند و سلسلهٔ راویان این دو زیارت متفاوت است .

ج - زیارت عاشورا از امام پنجم و زیارت ناحیه از امام زمان می باشد. به عبارت دیگر، محل صدور این دو زیارت با هم فرق می کند و هر گلی بوئی می دهد. لیکن کدام با حال ما مناسب تر است؟ بیان این مطلب در ذیل روشن می گردد.

⇒ است . در ادامه این حدیث، علقمه نیز مطالبی از امام بیان کرده است . حدیث دوم به نقل از مصباح المتعجد شیخ طوسی بوده و راوی آن، «عُقْبَةُ بن قیس» است .

زیارت عاشورا سند سوم هم دارد (همانجا، ص ۲۹۶، ح ۳) که به نقل از مصباح المتعجد شیخ طوسی بوده و راوی آن، سیف بن عَمیرَة است . در این حدیث تصریح نشده که این زیارت برای روز عاشورا است و فقط در اوائل آن اشاره شده که علقمه از مدینه همراه با جمعی از اصحاب و امام صادق علیه السلام زیارت و دعائی را برای امام حسین علیه السلام خوانده که امام باقر علیه السلام به او تعلیم داده بودند .

زیارت ناحیه: در ص ۷۳ بیان شد .

۱ - زیارت عاشورا: طبق کلام امام باقر علیه السلام در انتهای احادیث ۱ و ۲ (در پاورقی قبل بیان شد) که فرموده اند: «ای علقمه، اگر می توانی که هر روز امام حسین را با این دعا زیارت کنی، انجام ده» و نیز در ابتدا و انتهای حدیث ۳ فوق الذکر .

زیارت ناحیه: در ص ۷۳ بیان شد .



## ۲- امتیازات ویژه زیارت ناحیه

### ۲/۱- از حجّت زمان است

یکی از نکات مهم و قابل توجه این است که ما همه انبیاء و اولیاء را قبول داریم و تمامی آنها را حجّت روی زمین می‌دانیم. اما، فلسفه تکرار نبوت و امامت و مرجعیّت، حجّت زنده است از اینرو هر حجّتی که فوت کند، شخص دیگری می‌آید و با حجّت زنده، دیگر حجّت قبلی حجّت نیست. ما الان از همه امامان تبعیّت می‌کنیم (دقت بفرمائید) از روایات همه ائمه پیروی می‌کنیم. روایت از امام علی بن ابیطالب باشد یا امام دوازدهم، فرقی نمی‌کند، می‌گوئیم حجّت است؛ اما از نظر عملی در این زمان از چه کسی تبعیّت می‌کنیم؟ فقط از امام زنده. مثلاً اگر کسی در زمان امام رضا زندگی می‌کرد، باید از ایشان تبعیّت می‌کرد؛ چرا که ایشان حجّت روی زمین بودند.

پس همه امامان را قبول داریم و از همه آنان پیروی می‌کنیم، ولی آن کس که زنده است برای ما اهمیّت ویژه‌ای دارد و حجّت زمان بوده و لازم است پروانه‌وار گرد او بچرخیم و «همره نور» گردیم. حال با توجه به این نکته، می‌رویم سراغ امتیازات زیارت ناحیه. زیارت ناحیه از امام زمان (عج) است و این ویژگی و امتیاز را دارد که با خواندن آن، تبعیّت از امام زمان نیز نموده‌ایم. اگر زیارت ناحیه را می‌خوانیم، با یک تیر چند نشانه می‌رویم:

\* از نقاط مشترک زیارت عاشورا و زیارت ناحیه بهره می‌گیریم و علاوه بر آن، همره حجّت می‌شویم.

\* وقتی زیارت ناحیه می‌خوانیم، خودمان را پشت سر امام زمان قرار می‌دهیم که بسوی حرم امام حسین علیه السلام رفته، پای مبارکش را از پله‌های باب القبله پائین می‌گذارد، ما هم «همره نور» شده و با دلی سرشار از عشق و محبت و شور و اشک با معرفت، قدم به قدم پشت سر ایشان حرکت می‌کنیم.

امام زمان در ایوان طلا، دم در حرم، رو به ضریح ایستاده و اذن دخول می‌خواند، ما نیز هم آوای او شده، همراه با او اذن دخول می‌خوانیم.

به او اذن داده می‌شود و با دلی افسرده و چشمانی گریان، آرام آرام بسوی ضریح حرکت می‌کند، .... او می‌رود و ما هم بدنبال او!! او زیارت می‌خواند و ما نیز همره او، زیارت را زمزمه می‌نمائیم.

در ایوان طلا، همره نور و صفا می‌خوانم

با نای سما، روضه عشق و عزا می‌خوانم

با دل غمزده از جور و جفا می‌گیریم

همره حجّت حق، نامه عشق و ولا می‌خوانم

همچو مرغ سحر از حال حسین می‌نالم

همره ملک و ملک، قصه عشق و عزا می‌خوانم

یعنی الان اگر کسی زیارت ناحیه بخواند، غیر از این که زیارت

امام حسین را می‌خواند و برای ایشان گریه می‌کند و دشمنان را لعن

می‌کند و امثال این‌ها، در زیارت ناحیه این نکته است که دائماً در پرتو

انوار قدسیه صاحب زمان، سیدالشهداء را زیارت می‌کند.

## ۲/۲ - گستردگی مخاطبین

یکی از ویژگی‌های مهم زیارت ناحیه و تفاوت آن با زیارت عاشورا این است که زیارت عاشورا برای خواص شیعیان است؛ بدین معنا که متنش فقط مورد علاقه عده‌ای از شیعیان است که تا حدودی فرهنگ عاشورائی پیدا کرده‌اند. اما زیارت ناحیه برای همه است که سه گروه‌اند:

أ - خواص از شیعیان (این مورد با زیارت عاشورا مشترک است)

ب - خواص از خواص شیعیان (رده بالاتر از قبلی)

ج - نا آشنایان با فرهنگ عاشورا.

این گروه شامل شیعیان عادی، اهل سنت و غیرمسلمان می‌شود چرا چنین است؟ علت این تفاوت چیست؟ این تفاوت برای این است که زیارت عاشورا بیشتر جنبه لعن و سلام دارد و مجمل می‌باشد، ولی زیارت ناحیه بیشتر جنبه معرفتی و احساسی دارد و بعلاوه مبین و مفسر است و به عبارت دیگر انسان را در دو بعد «شور» و «معرفت» توأم با هم رشد می‌دهد.

در زیارت عاشورا، بدون تحریک احساسات و بدون تقویت معرفت، به عده‌ای لعن می‌کند و در پایان هم صد لعن دارد. این مسئله برای خواص شیعه که با فرهنگ عاشورائی و محبت‌های ویژه اباعبدالله الحسین علیه السلام مانوس هستند، هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند و یک امر طبیعی است.

شاید به همین جهت از زمان امام حسین تا امام باقر زیارت عاشورا در کار نبوده و بعد هم، فقط افراد خاص از آن مطلع بوده و می خواندند .

خواص شیعه زیارت عاشورا می خوانند و از آن لذت می برند، چرا که حبّ حسین علیه السلام و بغض به دشمنان اهل بیت در دل آنها وجود دارد. وقتی صد لعن و صد سلام را می گویند، لذت می برند، چنین شیعه‌ای نمی تواند لعن نکند، از درون می جوشد و لعن می کند و با اینکار دلش را التیام می بخشد.

اما اگر همین زیارت عاشورا را به کسی بدهید که ذهنیت شیعی و جهان بینی عاشورائی را نداشته باشد، نه تنها برایش مفید نیست ، بلکه مشکل آفرین هم خواهد بود؛ چرا که او با فرهنگ عاشورائی مأنوس نیست، بدون سابقه ذهنی و حتی با ذهنیت کاملاً متفاوت و یا روشنفکر مآبانه است. با چنین شرائطی و بدون زمینه، یکدفعه می خواهد لعن کند. طبیعی است که برایش سؤال ایجاد می شود و احیاناً عکس العمل نشان می دهد.

در حالی که اگر شما زیارت ناحیه را به چنین افرادی بدهید، او برای لعن کردن آماده و برای گریستن مهیا می گردد و... چرا؟

برای این که زیارت ناحیه، اول انسان را با جهان بینی توحیدی و فضائل انبیاء که توسط خداوند به آنها داده شده آشنا می کند ، سپس امام حسین علیه السلام را در ابعاد مختلف معرفی می نماید ، دودمان گذشته و سابقه او را همراه با عملکرد و فلسفه قیامش تبیین می نماید ،

چگونگی ناجوانمردی های دشمنان را شرح می دهد و مصائب امام حسین را ترسیم می کند و به هر حال کاری با آدم می کند که دل می شکند و اشک با معرفت از عمق وجود بیرون می ریزد. در این حالت، دیگر سؤال پیش نمی آید که چرا گریه؟ چرا لعن؟ و.....

یعنی زیارت ناحیه فقط گریه و لعن نیست، شناخت و معرفت همراه با تحریک احساسات پاک انسانی است.

بنابراین، اگر بخواهیم امام حسین علیه السلام را و عاشورائیان را برای یک نفر، غیر از خواص شیعه (دقت کنید) روی عبارات و کلمات با زیارت عاشورا معرفی کنید، این زیارت مشکل آفرین است، ولی زیارت ناحیه واقعاً داروی درمان کننده و شفابخش و محرک است؛ یعنی اگر ابتدا زیارت ناحیه را به او بدهید، بدون اینکه برایش روضه بخوانید، وسط کار خودش به گریه می افتد با اینکه شیعه هم نیست. خودش آنچنان در درون می شورد و شور و عشق پیدا می کند که زبانش به لعن باز می شود. دیگر لازم نیست به او بگوئید لعن بکن و احیاناً او بگوید چرا لعن بکنم و یک علامت سوال جلویش بگذارد. شما ترجمه زیارت ناحیه را به او بدهید و بگوئید این را بخوان. وقتی میخواند، آرام آرام بجائی می رسد که بدون روضه خوانی، اشکهایش سراریز می شود.

این وضعیت برای عموم یعنی برای نا آشنایان با فرهنگ عاشورائی است که شامل سه گروه شیعیان معمولی، اهل سنت و غیر مسلمین می شود.

بهرتر از این وضعیت برای خواص شیعیان (گروه اول مذکور)، یعنی همان علاقمندان به زیارت عاشورا وجود دارد و نیازی به توضیح ندارد.

مهمتر اینست که خواص از خواص شیعیان (گروه دوم مذکور)، یعنی کسانی که حالات عرفانی بیشتری داشته و حوصله زمزمه های طولانی دارند، بیشتر به زیارت ناحیه راغب هستند.

زیارت ناحیه مقدسه، اشکوارة امام زمان (عج) بر جدش اباعبدالله الحسین علیه السلام است و هر کس به کوی عشق و معرفت قدم گذاشته باشد. هم آوای با امام زمان می شود، خود را در پشت سر ایشان در حرم امام حسین علیه السلام می بیند، و مصائب حسین را یادآور می شود و همگام با ملائکه آسمان و زمین می گیرد.

دوست دارم شمع باشم گوشه ای تنها بسوزم

همره مُلک و مَلک در غم عظاما بسوزم<sup>(۱)</sup>

### ۲/۳ - زیارت ناحیه، مفسر معارف اسلامی است

یکی از امتیازات ویژه زیارت ناحیه، مفسر و مبین بودن آنست. این زیارت معارف اسلامی و خصوصاً زیارات و بالاخص زیارت عاشورا را تشریح و روشن می نماید. بررسی و ملاحظه این مطلب در بعد کلی (مفسر معارف اسلامی بودن) به جلد دوم واگذار می شود و در زمینه زیارت عاشورا به فصل بعدی موکول می گردد.

۱ - مصرع اول از حسان: اشک شفق، ص ۳۲۵.

## زیارت ناحیه ، مفسر زیارت عاشورا.

### ۱ - ابو عبدالله

اولین جمله زیارت عاشورا، «السّلام علیک یا ابا عبدالله» است. قبل از ملاحظه تفسیر عبدالله در زیارت ناحیه ، لازم است به چند مطلب مقدماتی توجه شود.

#### ۱/۱ - چند مطلب مقدماتی

##### أ - کنیه بودن

کلمه مبارکه «ابو عبد الله» کنیه<sup>(۱)</sup> است. گاهی بجای ذکر نام، افراد را با کنیه صدا می کنند. کنیه معمولاً نسبت دادن شخص پدر به پسر بزرگتر یا مادر به فرزند یا فرزند به پدر است<sup>(۲)</sup>؛ مثل ابوالحسن که کنیه امیرالمؤمنین است و ایشان به پسر

---

۱ - کنیه از کنایه گرفته شده و به معنی ذکر نام بصورت اشاره و رمز است. کنیه به نحوی انتخاب می شود که ذکر آن، موجب انتقال ذهن گردد؛ یعنی انسان متوجه صاحب کنیه شود. (شفاء الصدور، ج ۱، ص ۱۳۹)

۲ - همانجا، با اصلاح و ویرایش.

بزرگتر منسوب شده‌اند؛ یا أم البنین که کنیه مادر ابوالفضل است و ایشان به فرزندان پسر منسوب شده‌اند؛ یا ابن عباس و أم ابیها.

### ب - سبب انتخاب این کنیه

#### ۱/ب - جنبه تبعیدی

معمولاً کنیه را پس از بچه دار شدن و به تناسب اولاد ارشد انتخاب می‌کنند، هر چند گاهی هم قبل از بچه دار شدن یا در مبداء ولادت خود شخص انتخاب می‌شود.

کنیه حضرت سیدالشهدا علیه السلام، در بدو تولد ایشان و توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انتخاب شده است؛ چنانکه در روایت اسماء بنت عمیس (۱) آمده: «روز اول ولادت، پیغمبر او را گرفت و فرمود: یا اباعبدالله، عزیز، علی. سپس گریه کرد. گفتم پدر و مادرم فدایت، از روز اول چنین می‌کنی؟ فرمود: بر پسرم گریه می‌کنم؛ زیرا سرکشان کافر از

۱ - اسماء بنت عمیس، از زنان مجلله روزگار و محبین اهل بیت علیهم السلام است. این بزرگوار سه بار شوهر کرد؛ ابتدا با جعفر طیار ازدواج نمود و حاصل آن عبد الله و عون و محمد بودند. سپس با ابوبکر ازدواج نمود و حاصل آن، محمد بن ابوبکر بود. آنگاه (بعد از وفات ابوبکر)، به ازدواج امیرالمؤمنین درآمد و حاصل آن عون بود که در کربلا به شهادت رسید. این بانوی جلیل القدر، همراه شوهر اولش؛ جعفر طیار به حبشه رفته بود. پس از مراجعت، همواره چون مادر مهربان، برای فاطمه زهرا علیها السلام خدمت می‌کرد. از ابتکارات معروف ایشان، ساختن عماری برای صدیقه طاهره می‌باشد. (ریاحین الشریعة ج ۲، ص ۳۰۴ تا ۳۱۳).



بنی امیه او را می‌کشند.» (۱)

این سبب کنیه گذاری جنبه تبعیدی دارد.

## ۲/ب - جنبه ظاهری و اکتسابی

اگر سید الشهداء در روز عاشورا این تلاش را نمی‌کرد، یکسره  
طریقه شریعت محمدیه از بین می‌رفت؛ ( علی الاسلام، السلام ).  
پس هر کس بعد از آن جناب، پرستش خدا و پیروی مصطفی نمود،  
همه به برکت آن وجود مقدس است؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود:  
«لَوْلَا مَا عُبِدَ اللَّهُ وَ لَوْلَا مَا عُرِفَ اللَّهُ» (۲)

«اگر آن جناب نبود، خدا شناخته و پرستش نمی‌شد.»

در واقع آن جناب پدر همه بندگان و پرستندگان خداست. (۳)  
بیان روشن‌تر این مطلب، با توضیحات بعدی بدست می‌آید.

## ج- معنای عبد

برای عبد چهار معنا ذکر نموده‌اند:

عَبَدَ اللّٰهَ : خدا را پرستش کرد

عَبَدَ الشَّيْءَ : به چیزی چسبید. بر اساس این معنا، عبدالله یعنی

به خدا چسبید. البته این چسبیدگی به لحاظ قرب و بر مبنای عمل  
است.

۱ - بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۳۸ تا ۲۴۰ و نیز ج ۴۴ ص ۲۵۰.

۲ - شفاء الصدور ج ۱ ص ۱۴۶.

۳ - شفاء الصدور، ج ۱، ص ۱۴۶. برای توضیحات بیشتر به همین جا

رجوع شود.

عَبْدُ الطَّرِيقِ: جاده را مهیا کرد، آسفالت کرد و...

مُعَبِّدُ الطَّرِيقِ: جاده صاف کن.

بر اساس جمع این معانی، «عبدالله، کسی است که با عملش جاده تکامل و قرب الهی را طی می کند و با اثر پای خود یا با جاده سازی اش، راه را برای دیگران هموار می کند و نهایتاً خودش قرب پیدا کرده، به خدا وصل می گردد».

د - چگونه می توان عبدالله شد؟

با چهار ویژگی می توان عبدالله شد:

\* - صالح بودن

\* - تشخیص وظیفه ای که مطابق با واقع و شرائط جامعه باشد.

\* - مطیع امر خدا بودن یا به وظیفه فوق عمل کردن

\* - پشتوانه دین و مردم بودن

کسی می تواند عبد خدا شود که در مرحله اول خود را آماده و مهیا نموده و به مقام صالح رسیده باشد و در مرحله دوم مبادرت به عملی کند که او را به خدا نزدیک نماید و آن چیزی جز تشخیص وظیفه و عمل بدان نیست. اگر چنین شد، مطیع خدا هم خواهد شد و ویژگی سوم محقق شده است و در مرحله چهارم، فرد با عملش پشتوانه دین و مردم می شود و این مرحله، ویژگی و نتیجه عمل صالح و انجام وظیفه است.

حال با روشن شدن مقدمات فوق، شرح ابو عبد الله در زیارت

ناحیه ارائه می شود.

## ۱/۲ - شرح از زیارت ناحیه

در بحث قبل، روشن شد که کنیه ابو عبدالله، گذشته از آنکه توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انتخاب گردیده، سه جهت دارد:

\* امام حسین علیه السلام، با کار خود زمینه ظهور عبدالله‌های تاریخ را فراهم نمود.

\* عبدالله کسی است که با عملش جاده تکامل و قرب الهی را طی می‌کند و...

\* عبدالله شدن با چهار ویژگی مذکور ممکن می‌شود.

حال می‌خواهیم این سه جهت را در زیارت ناحیه ملاحظه کنیم.

چون دو جهت اول در خلال مورد سوم روشن می‌شود، از اینرو هر سه جهت یکی بوده و بعنوان جهت سوم بررسی می‌شود.

برای عبد الله شدن چهار ویژگی بیان شد که یکایک آنها از زیارت ناحیه تبیین می‌گردد.

## أ - صالح بودن

۱ / أ - از نظر پدر و مادر و نسل گذشته:

«السّلام علی ابن خاتم الانبیاء»<sup>(۱)</sup>

«السّلام علی ابن سیّد الاوصیاء»

«السّلام علی ابن فاطمة الزهراء»

۱ - سه جمله دیگر نیز در توصیف پیامبر، پس از نام حضرت آمده است.

«السَّلام علی ابن خدیجة الکبری»

در اینجا بزرگواری و صالح بودن سید الشهداء با ذکر والدین و نیز والدین مادری<sup>(۱)</sup> تشریح گردیده است.

۲ / أ - از نظر خصلت ها و عملکردهای فرد:

«کریم الخلاق، عظیم السوابق، شریف النسب، منیف الحسب،

رفیع الرتب، کثیر المناقب»

ای حسین! تو صاحب منش‌های بزرگوارانه، گذشته‌های درخشان، نسب شرافتمندانه و حسب والا بوده و مقامات عالی داشته و صاحب فضائل فراوان بودی.»

۳ / أ - از نظر عمل‌های اجتماعی:

«كنت... حلیف الأنعام...، وفي الذم»

«تو هم پیمان احسان و وفادار به تعهدات بودی.»

احسان، عملی است که نه برای پاسخ نیکی دیگران انجام می‌شود و نه برای دریافت نیکی و جزا از دیگران.

امام حسین علیه السلام عملش با احسان عجین شده بود؛ بدون ملاحظه سوابق دیگران و بدون توقع، نیکی می‌کرد و هیچگاه بر خلاف تعهدات خود عمل نمی‌کرد.<sup>(۲)</sup>

۱ - والدین پدری امام حسین؛ یعنی جناب ابو طالب و فاطمه بنت اسد نیز از شرافت خاصی برخوردار بوده‌اند و جزء سوابق نسبی امام است. ولی در ادعیه و زیارات مطرح نشده است.

۲ - توضیحات بیشتر این سه بعد، در ویژگی‌های بعدی و نیز در ج ۲ ملاحظه خواهد شد.

## ب - تشخیص وظیفه

در سیر الی الله، عمل باید صالح و بر حسب وظیفه باشد.

عمل صالح سه ویژگی دارد: \* صالح بودن ذاتی عمل

\* خالص بودن نیت \* متناسب بودن با شرائط

ویژگی سوم که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، وجه مشترک عمل صالح و تشخیص وظیفه است. بنابراین جان کلام در همین امر است که آنرا در زیارت ناحیه ملاحظه می‌کنیم.

این تشخیص وظیفه در زیارت ناحیه بر اساس مراحل زیر تبیین شده است:

**مرحله اول - کارهای خیر شخصی نظیر:**

« کنت ربیع الایتام و عصمة الانام ».

« ای حسین! تو بهار یتیمان بودی و با وجود تو زندگی یتیمان

شاد و خرم و همانند بهار بود و علاوه بر این، تو پناه مردم بودی ».

**مرحله دوم - هدایت مردم بصورت کلامی و عملی، نظیر:**

« للامة ناصحاً... و للاسلام و المسلمین راحماً و للحق ناصراً ».

« ای حسین! تو نصیحت‌گر مردم بودی و برای اسلام و مسلمین

رحمت بوده و یاور حق بودی ».

**مرحله سوم - انکار باطل با قلب و زبان، نظیر:**

« تنکر المنکر بقلبک و لسانک علی حسب طاقتک و امکانک »

« ای حسین! تو با قلب و زیانت تا جائی که توان داشتی و برایت

امکان داشت، منکرات را انکار نمودی.»

**مرحله چهارم - قیام بخاطر این که لصل دین در خطر افتاده است.**  
 پس از سه مورد فوق که بعنوان مرحله قبل از قیام می باشد و پس از ذکر فضائل و خصلت های گوناگون سیدالشهدا، چنین می خوانیم:  
 «حتی اذا الجور مدّ باعه و اسفر الظلم قناعه و دعی الغیّ اتباعه».  
 «ای حسین! تو با آن همه بزرگواریها مشغول عبادت بودی و کاری با ستمگران نداشتی تا اینکه ستم دست تعدی دراز کرد و ظلم و بیداد نقاب از چهره انداخت و ضلالت و گمراهی، پیروان و لشکریانش را فرا خواند».

در اینجا اولین تغییر در شرایط جامعه و زمامداران مطرح شده و سه ویژگی برای آن مشخص شده است:

\* گسترش جور \* علنی شدن فساد \* بسیج همگانی  
 ستمگران و این شرایط، دقیقاً سرّ قیام امام حسین است.  
 این شرایط در حدّی بود که برای امام یقین حاصل شد هیچ عملی صالح و حافظ دین نیست مگر قیام. لذا در زیارت ناحیه می خوانیم:

«ثمّ اقتضاک العلمُ لِلانکارِ وَ لزمکَ ان تجاهدَ الفجّارَ، فسیرتَ فی اولادکَ و اهالیکَ...».

«با چنان شرائطی یقین پیدا کردی که اصلاح کلامی و کارهای فردی، ثمر بخش نیست و در نتیجه، این علم که به تناسب شرائط موجود و تکلیف الهی بود، ترا برای انکار صریح و عملی و نیز برای

قیام مصمم گردانید و ترا ملزم نمود که با فاجران و بدکاران به جهاد  
برخیزی. پس همراه با فرزندان و خویشان و دوستدارانت حرکت  
کردی.»

#### نکته

در این عبارات، نوع و ماهیت عمل سیدالشهدا بیان شده است.  
بعضی، عمل امام حسین را دفاع یا حماسه و... دانسته و آنرا  
قیام و اقدامی نمی دانند که ابتکار عمل بدست امام بوده باشد.  
ولی عبارت مزبور، عمل امام را «مجاهدت با فاجران» و ناشی از  
تصمیم آگاهانه سیدالشهدا بیان کرده است؛ یعنی ایشان آگاهانه قیام  
نموده است.

خلاصه و نتیجه این که :

امام بر حسب وظیفه واقعی و متناسب با شرائط جامعه،  
عمل نمود و لذا عبدالله است.

ج - مطیع امر خدا بودن

« كُنْتَ لِلَّهِ طَائِعًا وَ لِحَدِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله تَابِعًا وَ لِقَوْلِ  
أبيكَ سَامِعًا وَ إِلَى وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسَارِعًا »

« تو فرمانبردار خدا و پیرو جد بزرگوارت حضرت محمد ﷺ و  
گوش کننده فرمایشات پدرت امیرالمؤمنین ﷺ و سرعت گیرنده برای  
انجام وصیت برادرت امام حسن ﷺ بودی.»

د - پشتوانه دین و مردم بودن .

«كُنْتَ لِلْقُرْآنِ سَنَدًا وَلِلْأُمَّةِ عَضُدًا»

«ای حسین! تو سند قرآن و پشتیبان امت بودی» .

سند، بعنوان سند عملی است و نشان دهنده آن است که قرآن تحقّق پذیر می باشد . بر این اساس، امام حسین علیه السلام پشتوانه قرآن است و در نتیجه اگر ایشان نباشد، خود قرآن زیر سؤال می رود .  
پشتوانه دین و مردم بودن، در دو بعد است؛ باغبان از یک طرف گل می کارد و از طرف دیگر خار می چیند.

عبدالله، کسی است که از یک طرف ستونهای دین را بپا می نماید و از طرف دیگر با ستمگران می ستیزد و آنان را نابود می کند.  
از اینرو امام حسین علاوه بر این که پشتوانه دین و مردم بود، درهم کوبنده ستمگران نیز بود. «و لَلطَّغَاةِ مَقَارِعًا»

\* \* \*

ملاحظه گردید که براساس توضیحات زیارت ناحیه، حضرت سیدالشهداء علیه السلام، از جهات گوناگون فردی صالح بوده و در حالی که مطیع امر مولی (خدا و بزرگان دین) و پشتوانه محکمی برای دین و مردم بوده، بر حسب وظیفه واقعی، اقدامی آگاهانه کرده است و در نتیجه، علاوه بر کسب قرب الهی و اتصال خاص به خدا، زمینه ظهور عبد الله ها را در طول تاریخ فراهم کرده است . از اینرو: ابو عبد الله است .



## ۲ - نسب امام

در زیارت عاشورا، پس از سلام بر امام و ذکر کنیه مبارک ایشان (ابا عبد الله)، سلام بر جدّ، پدر و مادر ایشان ذکر شده تا شخصیت نسبی و خانوادگی ایشان مشخص گردد.

در زیارت ناحیه، علاوه بر این سه بزرگوار، موارد ذیل نیز ذکر شده است:

\* ذکر نام حضرت خدیجه: «السّلام علی بن خدیجة الکبری»  
 \* بیان سه جمله دیگر در اوصاف و القاب رسول اکرم  
 «السّلام علی بن سدرۃ المنتهی و...»

\* تعریف های دیگر برای امام حسین؛ نظیر:  
 «السّلام علی خامس اصحاب اهل الکساء»  
 «سلام بر پنجمین و آخرین نفر از افراد کساء»  
 «السّلام علی من ذریته الازکیاء»  
 «سلام بر کسی که نسل او، همه از پاکان هستند»  
 «السّلام علی من طهره الجلیل»  
 «سلام بر کسی که خدای جلیل او را پاک گردانید»  
 «السّلام علی من افتخر به جبرئیل»  
 «سلام بر کسی که جبرائیل به او افتخار می کرد».

«السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَاغَاهُ فِي الْمَهْدِ مِيكَائِيلُ»

« سلام بر کسی که میکائیل با او در گهواره گفتگو نمود.»

**بنابراین:**

در زیارت ناحیه، شخصیت امام در ابعاد گوناگون و متعددی تشریح شده تا انسان درک کند به زیارت چه شخصیتی آمده است. همه این شرح‌ها در این زیارت آمده و در زیارت عاشورا گذرا مطرح شده است.

توضیح بیشتر این مطلب در مباحث بعدی ملاحظه خواهد شد.

### ۳ - ثار الله و ابن ثاره

در زیارت عاشورا پس از ذکر کنیه و سه نفر از خانواده امام حسین، عبارت « السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ثَارَ اللّٰهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ » آمده است. نظر به این که این موضوع اهمیت فراوانی دارد و در معنای آن ابهامات و اشتباهاتی دیده می‌شود، جا دارد با تأمل بیشتری روی آن نظر کنیم.

#### ۳/۱ - بیان اجمالی معنای ثار

ثار، از « ثَارٌ، یُثَارُ، ثَاراً وَ تُثْرًا » گرفته شده است (۱) و دارای چهار معنا می‌باشد: ۱ - خون؛ خون بها ۲ - خونخواهی ۳ - دشمن ۴ - دشمنی و کینه.

اما بهترین معنای مناسب در عبارت مذکور، «خون» است و در این صورت، ترجمه آن چنین می‌شود: « سلام بر تو که خون خدا هستی و نیز فرزند کسی هستی که او هم خون خدا است. » این تعبیر مشابه تعبیرات دیگر نظیر یدالله، وجه الله، روح الله، بیت الله و... می‌باشد.

در بقیه استعمالات، مناسب‌ترین معنا، « خون بها » است. توضیحات این مطلب در ادامه ارائه می‌شود.

۱ - الصحاح، مقایس اللغة، لسان العرب، مجمع البحرین، المنجد.

### ۳/۲ - بیان تفصیلی معنای ثار

ثار (۱) مخفف ثَأْر (۲) است، نه ثَائِر. (۳)

ثأْر و ثار، که یک کلمه هستند، اسم و مصدر بوده و به چهار معنا بکار رفته است .

۱ - حرف دوم، الف (حرف عله) است، نه همزه.

۲ - مصباح المنیر، ص ۸۸: «الثَّارُ: الدَّحْلُ بِالْهَمْزِ وَ يَجُوزُ تَخْفِيفُهُ».

این تخفیف، جنبه نادر ندارد، بلکه ضابطه داشته و مثال‌های متعددی برای آن وجود دارد؛ چنان که در معجم الهمزة، ص ۳۹ آمده: تُخَفَّفُ الْهَمْزَةُ السَّاكِنَةُ فِي الدَّرَجِ وَالْوَقْفِ بِإِبْدَالِهَا بِحَرْفِ حَرَكَهٖ مَاقِبِلِهَا. فَإِنْ كَانَ مَا قَبْلَهَا فَتْحَةً، قَلِبَتْ الْهَمْزَةُ الْفَاءَ، كَفَأْرٌ ← فَاْرٌ، نَأْمُوسٌ ← نَامُوسٌ، تَأْرِيخٌ ← تَارِيخٌ.

روایات و اشعار مذکور در «معنای خون» و نیز روایات «کاربرد ثار در روایات»، این امر را تأیید می‌کند.

۳ - چنانکه در شفاء الصدور ج ۱، ص ۲۲۶ و ۲۲۷ به نقل از زمخشری در اساس البلاغه چنین آمده: «ثار مخفف ثائر است؛ مثل شاک که مخفف شائک می‌باشد» و در بحار الانوار ج ۹۸، ص ۱۵۱ چنین آمده است: «قیل: هو تصحیف ثایر و الثایر من لایبقی علی شیء حتی یدرک ثأره».

لیکن این مطلب غلط است؛ زیرا اولاً: قانونی پیدا نشد مبنی بر این که «همزه اصلی بعد از الف اسم فاعل برای تخفیف حذف می‌شود».

ثانیاً: مثال ذکر شده مربوط به اسم فاعل شوک (اجوف) است که واو آن، ابتدا به همزه تبدیل شده و سپس این واو اعلال شده، حذف شده است. در حالی که کلمه محل بحث، مهموز است و همزه بعد از الف اسم فاعل، حرف اصلی بوده و اعلال نشده است.

ثالثاً: در هیچ کتاب لغتی بیان نشده که ثار مخفف ثائر است .

رابعاً: در روایات، اسم فاعل بصورت ثائر آمده است؛ چنان که در معنای خونخواهی، ملاحظه خواهد شد .

أ - خون ، خون بها

۱ / أ - در کتب لغت :

\* الثَّارُ: الدم (۱)، قیل الدم نفسه. (۲)

\* الثَّائِرُ: الَّذِي لَا يَبْقَى عَلَى شَيْءٍ حَتَّى يَدْرِكَ ثَأْرَهُ. (۳)

\* الثَّائِرُ: الطَّالِبُ الثَّأْرَ وَهُوَ طَالِبُ الدَّمِ. (۴)

در این دو عبارت، کلمه ثأر شاهد مطلب است .

\* الثَّارُ: الذَّحْلُ (۵)(۶)، الذَّحْلُ الْمَطْلُوبُ. (۷)

۱ - قاموس المحيط.

۲ - لسان العرب در معنای ثأر و ذحل .

۳ - الصحاح .

۴ - النهاية و لسان العرب.

۵ - ذحل که در این عبارات آمده، به سه معنا است:

أ - خون : لسان العرب و مجمع البحرين.

ب - خوانخواهی و مقابله به مثل ( الطلب بالدم، طلب دم القتل ) : العين،

مقایس اللغة، لسان العرب، المنجد.

ج - کینه و دشمنی : الصحاح، المصباح المنیر، لسان العرب، مجمع البحرين.

این معنا اولاً: در موارد خاصی بکار می‌رود، نه در اینگونه امور؛ چنان که هر

چهار کتاب مذکور بیان کرده‌اند که: الذَّحْلُ: الحقد و العداوة، يقال: طلب بذحله،

ای بئاره. ثانیاً: متناسب با عبارت مورد نظر نمی‌باشد؛ چنان که در ادامه متن

بیان شده است .

از اینرو، ثار در جاهائی که به ذحل معنا شده است، می‌تواند به دو گونه

(خون و خونخواهی) معنا شود.

۶ - المصباح المنیر، لسان العرب.

۷ - مقایس اللغة . ترجمه: خون ریخته شده‌ای که طلب شده است.

در این دو جا، ذحل به معنای اول آن (خون) در نظر گرفته شده است .

\* ثار: خون بها. (۱)

۲/۱- در روایات:

\* امام علی علیه السلام: «ما یدرک بکم ثار» (۲)

«خون بهائی به کمک شما گرفته نمی شود».

\* امام باقر علیه السلام: «جَعَلْنَا وَ اَيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بَثَارِهِ [الحسين] مع

وليه الامام المهدي من آل محمد صلوات الله عليهم. (۳)

«حداوند ما (ائمه) و شما (شیعیان) را از طلب کنندگان خون

حسین علیه السلام قرار داده است.

\* در زیارت امام زمان می خوانیم: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا طَالِبَ ثَارِ

الانبياء و ابناء الانبياء». (۴)

«سلام بر تو ای طالب خون انبیاء و فرزندان انبیاء».

در این سه حدیث، ثار اولاً: با الف آمده است، نه با همزه.

ثانیاً: به معنای خون بها (اولی) و خون (دومی و سومی)

استعمال شده است، نه معانی دیگر آن. (۵)

۳/۱- در اشعار:

در جنگ جمل، غلامی از لشکر عایشه اشعاری می خواند که

یک مصرع آن چنین است: اِنَّ الْوَلِيَّ طَالِبَ ثَارِ الْوَلِيِّ (۶).

در این شعر، ثار (با الف) آمده و به معنای خون یا خون بها است.

۱- فرهنگ معاصر عربی به فارسی، ص ۶۷.

۲- نهج البلاغه خطبه ۳۹ ص ۱۲۴ فیض الاسلام.

۳- بحار الانوار ج ۹۸، ص ۲۹۰، ح ۱.

۴- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۸۶، سطر ۱۳.

۵- توضیحات بیشتر در بحث های بعدی ارائه می شود.

۶- بخار ج ۳۸، ص ۲۱.

## ب - خونخواهی

۱ / ب - در کتب لغت :

\* الثَّارُ: طلب دم القتل (۱)، الدم و الطلب به (۲).

\* الثَّارُ: طلب مكافأة بجناية جُنيت عليك (۳)

\* الثَّارُ: الدَّحْل؛ يقال: ثَّارْتُ القَتيلَ، اى قتلْتُ قاتله. (۴)

\* ثَّارَ: انتقام خون كسى را گرفتن، خون بهای كسى را ستاندن

(معانى مصدرى)، انتقام، انتقام حون (معانى اسمى). (۵)

۲ / ب - در روایات :

\* در زیارت امام زمان مى خوانیم: «الثَّارِ بدم المقتول بكرىلا» (۶)

« خونخواه خون كسى كه در كربلا كشته شده است».

در اینجا اولاً: اسم فاعل بصورت ثائر آمده است، نه ثار.

ثانياً: اسم فاعل (ثائر) به معنای خونخواه استعمال شده است،

نه ثار.

۱ - لسان العرب و المنجد.

۲ - قاموس المحيط.

۳ - لسان العرب در ماده الدَّحْل و بعنوان قیل، المنجد.

۴ - الصحاح، المصباح المنیر، لسان العرب، مجمع البحرین.

۵ - فرهنگ معاصر عربی به فارسی، ص ۶۷.

۶ - بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۸۶، سطر ۱۳.

## ج - دشمن

\* الثأر: العدو. (۱)

## د - کینه و دشمنی

\* ثأر: کینه و دشمنی. (۲)

## جمع بندی

از این چهار معنا، دو مورد آخرش برای جمله مورد نظر (ثار الله) و امثال آن (ثارات الحسين و ...)، هیچ تناسبی ندارد و فقط دو معنای اوّل (۱ - خون، خون بها. ۲ - خوانخواهی) می تواند متناسب باشد. لیکن پس از بررسی روایات و موارد استعمال این کلمه، روشن می شود که از این دو معنا هم، فقط معنای اوّل (خون و خون بها) صحیح و متناسب می باشد.

برای روشن شدن این مطلب، نگاهی به روایات می کنیم.

---

۱ - لسان العرب و منتهی الارب .

۲ - منتهی الارب .



## ۳/۳ - کاربرد ترکیبی در روایات

کلمه ثار، به شش گونه با کلمات دیگر ترکیب شده است که در ذیل ملاحظه می‌گردد:

## أ - ثار الله

این عبارت در زیارت عاشورا و بعضی زیارات امام حسین (۱) آمده است.

در این گونه موارد، معنای خونخواهی صحیح نمی‌باشد؛ زیرا:  
 أولاً: خدا شهید نشده است تا کسی خونخواه او بشود.  
 ثانياً: معنا ندارد که بگوئیم امام حسین خونخواه خدا است.  
 ثالثاً: همانطور که در ابتدای بحث ۳/۲ بیان شد، ثار اسم است، نه اسم فاعل و در نتیجه هر دو کلمه ثار و الله اسم بوده و عبارت «ثار

۱ - در زیارت امام حسین عليه السلام چنین ذکر شده است:

« اشهد أنك ثار الله في الارض من الدم الذي لا يدرك ثاره من الارض الا باوليائك » (بحار ج ۹۸، ص ۱۴۸).

« اشهد أنك ثار الله في الارض » (بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۵۲).

« اشهد أنك ثار الله في الارض والدم الذي لا يدرك ترته احد من اهل الارض و لا يدركه الا الله وحده » (بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۶۸).

« اشهد أنك ثار الله في الارض حتى يستبشر لك من جميع خلقه » (بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۶۸).

« اشهد أنك ثار الله في ارضه » (بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۴۹).

الله»، اضافه معنوی<sup>(۱)</sup> خواهد بود، نه اضافه لفظی.<sup>(۲)</sup> بنابراین :

نمی‌توان ثار در ثارالله را به خونخواهی کننده و خونخواه و انتقام گیرنده و نظائر اینها معنا کرد.

توضیح بیشتر این امر و بقیه موارد در بحث‌های بعدی ارائه می‌شود.

### ب - ثار الانبیاء

در زیارت امام زمان می‌خوانیم: « السّلام علیک یا طالب ثار الانبیاء و ابناء الانبیاء». <sup>(۳)</sup>

در این جا، قبل از عبارت ثار الانبیاء، کلمه طالب آمده است. در نتیجه، فقط معنای خون بها صحیح و متناسب بوده و خونخواهی غلط است؛ زیرا خوانخواهی، خودش، طلب کردن خون است و طلب قبل از آن، موجب تکرار می‌شود.

به بیان دیگر: مجموع دو کلمه طلب و ثار (خون)، خونخواهی می‌شود، نه ثار به تنهایی.

۱ - اضافه اسم به اسم است که جنبه نسبت دارد و برای تعریف یا تخصیص بکار می‌رود و به معنای یکی از حروف جاره است (مبادی العربیه ج ۴، ص ۳۳۲).

۲ - اضافه صفت به موصوف است و سه حالت دارد: أ - اضافه اسم فاعل به مفعول خود ب - اضافه اسم مفعول به نایب فاعل خود ج - اضافه صفت مشابه به فاعل خود (مبادی العربیه ج ۴، ص ۳۳۱ و ۳۳۶).

۳ - بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۸۶، سطر ۱۳. ترجمه آن در ص ۱۵۰ ذکر شد.

## ج - ثار الحسین

اسم دوم در این ترکیب، بصورت ضمیر است؛ مثل زیارت عاشورا (طلب ثارک و ثارکم)<sup>(۱)</sup> و حدیث دوم که در معنای خون ذکر شد.

در همه این موارد، قبل از ثار، کلمه طلب آمده است، لذا طبق توضیحات فوق، فقط معنای خون بها صحیح و متناسب می باشد و معنای جمله چنین می شود: «خدایا، این روزی را نصیب من کن که: خون بهای حسین را طلب کنم».

بدیهی است که نتیجه طلب خون بها (هر دو کلمه) و رسیدن به آن، انتقام گرفتن است. ولی نباید فراموش کرد که نتیجه دو چیز، غیر از معنای یک کلمه است.

## د - ثارات الحسین

هنگامی که امام زمان قیام می کند، چهار هزار فرشته ای که همواره پریشان حال در کنار قبر حسین گریه می کرده اند و نیز مردان

۱ - در اوائل زیارت عاشورا آمده است: «أَنْ يَرْزُقَنِي طَلْبَ ثَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ» و نیز در بحارالانوار (ج ۹۸: ص ۱۵۰، ح ۱) در آخر زیارت مطلقه امام حسین عليه السلام آمده است: دمک و ثارک.

در وسط زیارت عاشورا آمده است: «أَنْ يَرْزُقَنِي طَلْبَ ثَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ هَدَى» و نیز در زیارت عاشورای غیر معروفه چنین آمده است: «أَنْ يَوْفِقَنِي لِلطَّلْبِ بِثَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ الْمُنْتَظَرِ»

استواری که یاوران امام زمان بوده و در طالقان هستند، همراه ایشان قیام نموده و شعارشان این است: یا لثارات الحسین<sup>(۱)</sup>

ثارات، جمع ثار<sup>(۲)</sup> است و جمله «یا لثارات الحسین» مخفف شده و اصل آن «یا اهل ثارات الحسین» بوده و معنایش این است: «یا ایها الطالبون بدمه»<sup>(۳)</sup> پس مضاف (اهل) حذف شده و مضاف الیه (ثارات) بجای آن قرار گرفته است.<sup>(۴)</sup>

بنابراین: ثار در این عبارت، اگر چه برحسب ظاهر، به معنای خونخواه است، ولی این معنای ظاهری بخاطر مضاف محذوف است، نه بواسطه معنای کلمه.

خلاصه این که ثار در این جا به معنای خون می باشد.

۱ - فرشتگان: بحار الانوار ج ۴۴، ص ۲۸۵ و ج ۹۸، ص ۱۰۲، هر دو حدیث یکی بوده و از امام رضا علیه السلام است (حدیث ابن شیبب).  
مردان استوار: بحار الانوار ج ۵۲، ص ۳۰۷ و مستدرک الوسائل ج ۱۱، ص ۱۱۴، از امام صادق علیه السلام. در حدیث مستدرک توصیحات مهمی درباره این مردان داده شده است.

۲ - المعجم المجمع، جلد ۱، جزء ۲، ص ۱۵۸ و نیز فرهنگ معاصر عربی به فارسی، ص ۶۷. ثارات، جمع ثار یا ثائرة نیست؛ جمع ثار، ثارین و ثارون است و جمع ثائرة، ثارات و ثوار می باشد (همانجا؛ المعجم...). از این گذشته، ثائرة، مؤنث بوده و ارتباطی به امام حسین یا خونخواهان ایشان ندارد.  
۳ - توجه شود که در اینجا صریحاً کلمه دم بکار رفته است، نه کلمه دیگر که بین خون و خوانخواهی مشتبه شود.

۴ - لسان العرب. البته مثال را برای عثمان آورده است.

## ه - اولیاء الله

در وصف امام زمان چنین می خوانیم : «... القائم المهدی،... الا انه المدرك بكل ثار لاولياء الله عزوجل».<sup>(۱)</sup>

ثار در اینجا به معنی خون بها می باشد و معنای جمله چنین است : « بدانید که امام زمان، خون بهای همه اولیاء الله را می گیرد».

## و - مطلق

گاهی کلمه ثار بدون اضافه شدن بکار رفته است ؛ مثل حدیث اول معنای خون .

همانطور که در آنجا بیان شد، ثار در این حدیث، به معنی خون بها است .

## نتیجه :

بر حسب لغت، ثار به چهار معنا می باشد که بر اساس تناسب این معانی با امام حسین علیه السلام و استعمال این کلمه در روایات، فقط معنای « خون و خون بها» صحیح و مناسب است .

### ۳/۴ - تبیین معنای ظاهری ثار

بعد از بررسی‌های اولیه و روشن شدن معنای ثار و عبارات ترکیبی آن (ثارالله و...)، شایسته است با دقت بیشتر و در ابعاد گوناگون، تشریح و تبیین گردد.

از طرف دیگر، همه امور و کلمات، دو نمای ظاهری و باطنی دارند (خصوصاً در این گونه موارد که لطافت‌های خاصی نیز وجود دارد) و توجه به هر دو نما، علم انسان را جامع‌تر و صحیح‌تر می‌کند. از اینرو ابتدا معنای ظاهری ثار تبیین می‌گردد و سپس در مبحث بعدی معنای باطنی و مسائل ذیربط با آن تشریح می‌شود. بنا بر توضیحات فوق، معنای ظاهری ثار، خون و خون بها است.

یکی از نکات قابل توجه در این جا، تبیین معنای ثار (خون) و تفاوت آن با خون (دم) می‌باشد.

ثار، خون داخل بدن (دم) نیست که یک ماده و عنصر ظاهری می‌باشد؛ بلکه:

اولاً: خون بناحق ریخته شده‌ای است که معمولاً همراه با غارت و اسارت می‌باشد.

ثانیاً: یک امر حقوقی است، نه حقیقی.

از اینرو، حق ایجاد شده آن، جنبه قصاص و انتقام دارد، نه جنبه مالی و دریافت پول بعنوان خون بها.

## ۳/۵ - انتساب ثار به الله

در مباحث فوق روشن شد که ثار الله به معنای خون خدا است و معنا و مفهوم ثار نیز تبیین گردید. این روشنگری‌ها جنبه ظاهری داشت و اگر کمی دقت کنیم و به عمق مطلب و انتساب ثار (با معنایی که داشت و توضیحی که ارائه شد) به خدا بیندیشیم، سوالات جدید و قابل تأملی وجود دارد که در ذیل تبیین می‌گردد.

## أ - خون خدا

اولین مسئله این است که آیا خدا خون دارد؟  
خون برای خدا یک استعاره<sup>(۱)</sup> و تشبیه است؛ نظیر ید الله، وجه الله، روح الله، بیت الله و...

خدا جسم و نیازمند نیست تا خون داشته باشد و بعلاوه، خون خدا نیاز خدا را برطرف نمی‌کند، بلکه همانند ید الله و...، برطرف کننده نیاز مردم است.

خون خدا همانند وجه الله و روح الله، مجاری فیض حق است و هستی، خصوصاً جامعه و مردم بر اساس این خون زنده اند.

---

۱ - استعاره در اصطلاح علم بدیع عبارت است از استعمال یک کلمه در غیر معنای حقیقی خودش بر سبیل عاریه. استعاره یک نوع تشبیه است که در آن یکی از ارکان تشبیه (مثلاً مشبه به) آورده می‌شود و رکن دیگر (مثلاً مشبه) در ضمیر نگهداشته می‌شود (فرهنگ عمید).

چه تشبیه لطیفی است؟! خون خدا به منزلهٔ عامل حیات و دوام و رشد جامعه است. همانطور که در هر بدنی وجود هستی و نیز وجود خون ضروری است، جامعه نیز به وجود چنین خونی نیاز دارد و چنانچه این خون در رگهای جامعه نباشد، جامعه می میرد.

### ب - وجه تشبیه امام به خون

دومین مسئله این است که چگونه امام حسین خون خدا است؟ به بیان دیگر: در ثار الله دو چیز مورد تشبیه قرار گرفته است؛ یکی این که خدا خون دارد و دیگری این که سید الشهداء خون خدا است. تشبیه اول روشن شد و اینک تشبیه دوم تبیین می گردد.

وجه تشبیه امام حسین به خون، عامل حیات بودن است.

خون، یک مادهٔ حیاتی برای بدن و رشد تمامی سلولها و اعضاء کوچک و بزرگ بدن است و با فقدانش، مرگ فرا می رسد.

امام حسین علیه السلام نیز عامل حیات اصل دین و موجب رشد تمامی اعضاء کوچک و بزرگ جامعه است و با فقدانش، مرگ دین و انسانیت فرا می رسد. (علی الاسلام، السلام).

امام حسین علیه السلام، نه تنها عامل حیات جامعه است، بلکه عامل خیر و برکت نیز می باشد.

نکته ای که نباید از آن غفلت نمود، این است که :

این صفت و لقب، بعد از شهادت امام حسین مطرح شده است.



### ج - انتساب به خدا

سومین مسئله این است که وجه این انتساب چیست ؟  
تشبیه امام حسین به خون و انتساب آن به خدا، یک نوع تشریف و شرافت است ؛ یعنی اولاً: امام حسین علیه السلام ، خون یا عامل حیات جامعه دانسته شده است.

ثانیاً: این خون به خدا اضافه شده است تا جنس و اصلش روشن و مبدأ و مقصدش مشخص باشد .  
توضیح بیشتر این مطلب در ذیل ارائه می گردد.

### د - معانی مختلف انتساب

همانطور که قبلاً بیان شد، تسببت ثار به الله، اضافه معنوی است که در سه جا و به سه معنا بکار می رود و هر سه معنا برای امام حسین صحیح بوده و شایسته سالار شهیدان می باشد. این سه معنا عبارتند از:

#### ۱/د - بیان جنس؛ مانند انگشتر طلا.

از این جهت، معنای ثار الله چنین می شود: خونی که از جنس خدا است .

#### ۲/د - بیان صاحب؛ مانند کتاب من .

از این جهت، معنای ثار الله چنین می شود: خونی که صاحبش خدا است .

### ۳/د - بیان ظرف؛ مانند نماز عصر.

از این جهت، معنای ثار الله چنین می شود: خون (ریخته شده در راه) خدا.

### خلاصه

امام حسین، اولاً: عامل حیات دین و جامعه است .  
 ثانیاً: این شرافت را دارد که از جنس خدا است .  
 ثالثاً: صاحبش خدا است.  
 رابعاً: در راه خدا؛ این ظرف اصیل، به شهادت رسیده است .  
 توضیح بیشتر این موارد چهارگانه، همراه با شرح از زیارت ناحیه  
 ارائه می گردد.

### تذکر

این نقش لطیف (ثارالله) هم برای امام حسین علیه السلام بیان شده و  
 علی علیه السلام؛ چرا که هر دو نور واحد هستند .

## ۳/۶ - شرح از زیارت ناحیه

## أ - عامل حیات

«لِلْأُمَّةِ نَاصِحاً وَ لِلْإِسْلَامِ وَ الْمُسْلِمِينَ رَاحِماً»

« نصیحت گرامت بوده و برای اسلام و مسلمین رحمت بودی.»

## نصیحت

حیات به حرکت و شدن است، نه در بودن و ماندن! در رگ سبز حیات، زندگی بودن نیست، رندگانی شدن است .  
 آنگاه که مردم در سنگلاخ‌های زندگی می‌مانند و حرکت و حیاتشان رخت برمی‌بندد، نصایح حکیمانه، آنان را از واماندگی در آورده و حرکت و حیات می‌بخشد . ناصح مشفق، احیاگر مردم است و حسین چنین بود «لِلْأُمَّةِ نَاصِحاً» .

## رحمت

چه چیزی بالاتر از رحمت ؟ امام حسین برای اسلام و مسلمین رحمت بود و رحمت نقشی جز خیر و برکت و ایجاد حرکت ندارد .  
 « كُنْتَ رِبِيعَ الْاِیْتَامِ وَ عَصْمَةَ الْاَنَامِ » .  
 « تو بهار یتیمان و پناه مردم بودی.»

## بهار

بهار، طبیعت را از سکوت و افسردگی و مردگی بیرون آورده و به آن حیاتی نو می‌دهد. همین نقش حیاتی را سالار شهیدان داشت .

ای حسین! تو همانند بهار، شادی بخش زندگی یتیمان بودی؛ همان کسانی که زندگی شان، شبیه مردگان بوده و دلی افسرده دارند.

### پناه

ایجاد امنیت و پناه مردم بودن، از عوامل بقاء و حیات است و سالار شهیدان چنین بود: «عصمة الأنام».

### نکته‌ای جدید

یکی از کارها و آثار خون، این است که وقتی قسمتی از بدن آسیب می‌بیند، فوراً خون بدانجا هجوم می‌آورد و میکروب را دفع نموده و محل آسیب دیده را درمان می‌کند.

این مطلب نیز درباره‌ی امام حسین صادق است؛ چنان که در زیارت ناحیه می‌خوانیم: «للطغیان قامعاً و للطغاة مُقارعاً»  
«ای حسین! تو نابودکننده‌ی گردنکشان و درهم‌کوبنده‌ی تجاوزگران و سرکشان بودی».

یعنی امام حسین علیه السلام همانند خون، زخمها و مفاسد جامعه را شناسائی نموده و فوراً آنرا درمان می‌کرد.

نکته جالب‌تر این که این درمان بخشی، نه با خشونت، بلکه با متانت و دلسوزی و همراه با بیان حکمت و پندهای نیکو بود.

«و دَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ».

آن چه بیان شد، پنج نمونه از زیارت ناحیه بود که عامل حیات بودن امام حسین رانشان می‌دهد و روشنگر وجه تشبیه ایشان به خون خدا است.

## ب - معادل اسلام بودن

«لقد قتلوا بقتلک الاسلام و عطلوا الصَّلَاةَ و الصَّیَامَ و نقضوا السُّنن و الاحکام و هدموا قواعد الايمان و حرّفوا آیات القرآن.»<sup>(۱)</sup>

« ای حسین! وقتی تو را کشتند، با قتل تو، اسلام را به قتل رساندند و نماز و روزه را ضایع کرده و از بین بردند، سنّت‌های الهی و احکام دین را شکستند، پایه‌های ایمان را نابود کردند و آیات قرآن را تحریف نمودند.»

## چه تعبیر بلند و لطیفی !!

قرآن کریم حضرت ابراهیم را امت نامیده است و امام زمان، سیّد الشهداء را فرای امت و بعنوان ارکان دین دانسته است؛ یعنی او را ۱- اسلام ۲- قرآن ۳- نماز ۴- روزه ۵- سنّت‌های الهی و احکام دین ۶- پایه‌های ایمان ۷- آیات قرآن دانسته است .

مردم هم وقتی اطلاعات پیدا کرده و قیام امام حسین را روشن‌فکرانه تحلیل می‌کنند، به استناد بعضی ظواهر می‌گویند: امام حسین برای زنده ماندن اسلام، قیام کرد. ولی در زیارت ناحیه، از افقی بالاتر می‌گوئیم: ای حسین! با کشتن تو، اسلام را کشتند و نماز و روزه را ضایع کردند.

اینجا هم مثل بقیه جاها ظاهر و باطن داریم. در عالم ظاهر،

۱ - موارد دیگری نیز در همین راستا وجود دارد (ص ۵۶ زیارت ناحیه، چاپ مسجد مقدس جمکران).

اسلام یک چیز است و امام حسین چیز دیگر و در این عالم، امام حسین فرمانده دین است « السَّلام علی یعسوب الدّین »  
 و حامی دین است « السَّلام علی المحامی بلا معین » .  
 و پشتوانه قرآن است « و للقرآن سنداً » .

در عالم باطن، این دوگانگی ها و تفاوت ها و افتراق ها رخت بر می بندد و وحدت جایگزین آن می شود. بر همین اساس، در عالم باطن، امام حسین، خودِ اسلام و احکام و نماز و روزه و... است .  
 از اینرو در زیارت ناحیه می خوانیم که: ای حسین ! با کشتن تو اسلام را کشتند و نمی گوئیم رهبر دین را کشتند. (دقت کنید) .  
 و می گوئیم نماز و روزه را ضایع کردند و نمی گوئیم نمازخوان را کشتند و .....

بعضی تصور می کنند که جمله حرّفوا... حکایت از تحریف آیاتی می کند که در شأن امام حسین است.

ولی بر اساس توضیحات فوق روشن می شود که امام حسین ، خودش، آیات قرآن است و منظور از تحریف آیات قرآن ، کشتن امام حسین است ؛ یعنی چون حسین، آیات قرآن است، کشتن او، کشتن و تحریف قرآن است .

آن چه بیان شد، هفت نمونه از زیارت ناحیه بود که عظمت امام حسین را نشان می دهد و روشنگر وجه تشبیه ایشان به خون خدا است.

## ج - شرافت

سید الشهداء، از چنان مقام و منزلت و شرافتی برخوردار است که امام زمان در دعای آخر زیارت ناحیه می فرماید :

« اللَّهُمَّ فَبِحَرَمَةِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُتَيْفِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْشُرْنِي فِي زَمْرَتِهِمْ وَ ادْخُلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ ».

« خدایا به حرمت این مکان بلند مرتبه، بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا در زمره آنان محشور فرما و به شفاعت آنان وارد بهشت کن. »

چگونه می توان تصور کرد که برای ورود به بهشت، نیاز به شفاعت چهارده معصوم داریم و این کار مبتنی بر این است که خدا بر آنها صلوات بفرستد و رمز این کار، وساطت امام حسین است؟!

آری! امام حسین از چنان شرافتی برخوردار است که برای اجابت چنین دعائی، باید خدا را به حرمت حرم شریفش قسم دهیم.

همچنین امام زمان در قنوت نماز زیارت ناحیه می فرماید:

« اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْاِمَامِ فَرَجًا قَرِيْبًا وَ صَبْرًا جَمِيْلًا. »

« خدایا! به حق این امام بزرگوار! از تو می خواهم فرجی نزدیک و صبوری نیکو، مبذول فرمائی. »

یعنی امام زمان برای تعجیل در ظهورش، خدا را به شرافت و حق امام حسین قسم می دهد.

و در آخر قنوت هم می فرماید :

« اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهَذَا الصَّادِقِ الْإِمَامِ ، وَ نَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ  
الَّذِي جَعَلْتَهُ لَهُ وَ لَجْدِهِ رَسُولِكَ وَ لِأَبَوَيْهِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ أَهْلِ بَيْتِ  
الرَّحْمَةِ... » .

« خدایا ! بوسیله این امام صدیق، به تو متوسل می شویم و به  
حق و حرمتی که برای او و جد او ؛ رسول خودت، و پدر و مادر او ؛  
علی و فاطمه که اهل بیت رحمت اند، از تو می خواهیم که حاجات ما  
را مستجاب نمائی. » .

چه شرافتی بالاتر از این ! امام زمان برای اجابت دعا به سید  
الشهدا متوسل می شود و از خدای متعال می خواهد که به حق او و  
حق جد و پدر و مادر او دعاها را اجابت نماید .

آن چه بیان شد، سه نمونه از شرافت امام حسین در زیارت ناحیه  
بود که روشنگر وجه تشبیه ایشان به خون خدا نیز می باشد .

#### د - خون ریخته شده در راه خدا

یکی از وجوه تشبیه، این بود که امام حسین علیه السلام، خونی است که  
در ظرف اصیل ؛ یعنی راه خدا قیام نموده و صابرانه مجاهدت کرد و  
سرانجام نیز به شهادت رسید. این مطلب در جاهای مختلف زیارت  
ناحیه آمده است که چند نمونه آن ارائه می شود .

« السَّلَامُ عَلَى شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ » « السَّلَامُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ »  
« أَشْهَدُ أَنَّكَ... جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ وَ كُنْتَ لِلَّهِ قَانِعًا. »



## ۴ - الوتر الموتور

در زیارت عاشورا، وتر و موتور، هر دو به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده و در زیارت ناحیه، پیامبر را موتور معرفی کرده است.

« لقد اصبح رسول الله صَلَّى الله عليه و آله مَوْتوراً ».

« ای حسین! با شهادت تو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله موتور شد ».

### ۴/۱ - معنای کلمات

#### أ - معنای وتر

وتر، به فتح و کسر واو، مصدر و نیز اسم است و دارای هفت معنا می باشد:

۱ / أ - فرد. این معنا، مصادیق مختلفی دارد که عبارتند از:

\* چیزی که ضمیمه نداشته باشد؛ مثل نماز وتر که یک رکعت است و چیزی به آن (اصل نماز که یک رکعت است) ضمیمه نشده است. (۱)

\* بی نظیر؛ فردی که مشابه و نظیر نداشته باشد؛ مثل خدا. (۲)

\* یکتا؛ مثل خدا. (۳)

۱ - اکثر کتاب‌های لغت اصل این معنا (نماز یک رکعتی) را بیان کرده‌اند.

۲ - مجمع البحرین: الله و تر: خدا نظیری ندارد.

۳ - فرهنگ تطبیقی (طبق نقل التحقيق فی کلمات القرآن).

\* فرد؛ عدد غیر زوج. (۱)

\* تنها. (۲)

۲ / أ - ظلم در خون، قتل، غارت و اسارت (۳)، نه ظلم در حق

و امثال اینها.

۳ / أ - خون (۴)

۱ - تمام کتاب‌های لغت .

۲ - اقرب الموارد: وتر القوم: جعل شفعم وترأ.

۳ - العین: «وتر: ظلامه فی دم». ظلامه دو معنا دارد: یکی ظلم و دیگری دادخواهی. پس کلام العین طبق معنای اول می‌شود: «ظلم در خون» و طبق معنای دوم می‌شود: «دادخواهی در خون و قتل و غارت و اسارت». لسان العرب: «وتر: الظلم فی الدحل». ذحل نیز دو معنا دارد: یکی خون و دیگری دادخواهی (طبق توضیحات ص ۱۴۷، پ ۵). پس کلام لسان العرب طبق معنای اول می‌شود: «ظلم در خون» و طبق معنای دوم می‌شود: «ظلم در دادخواهی».

همچنین اضافه نموده است که: «وتر: الجنایة التي یجنيها الرجل علی غیره من قتل او نهب او سبی». یعنی جنایتی است از قبیل قتل و غارت و اسارت که شخصی بر دیگری وارد می‌کند.

مجمع البحرین: «الوتر: الجنایة». در این جا تصریح به خون نشده، ولی کلمه جنایت بر آن دلالت دارد.

التحقیق فی کلمات القرآن: ان الاصل الواحد فی المادة: هو ما یكون سبباً للهلاک و الفناء».

۴ - الصحاح، مقایس اللغة، مفردات راغب، المصباح المنیر: «الوتر: الدحل». همانطور که در پاورقی قبل بیان شد، ذحل به دو معنا است: یکی خون و دیگری دادخواهی.

- ۴ / أ - کینه، دشمنی و هرگونه ظلم. (۱)  
 ۵ / أ - ظلم در انتقام و دادخواهی. (۲)  
 ۶ / أ - دادخواهی در قتل و غارت. (۳)  
 ۷ / أ - کمان درست کردن، کمان کشیدن و محکم کردن آن. (۴)

### جمع بندی معانی

نظر به این که وتر از صفاتی است که به مناسبت عاشورا و شهادت ایشان مطرح شده است، این کلمه شامل صفات کلی و یا مربوط به قبل از شهادت نمی‌شود. از اینرو معنای اول، مناسبت ندارد.

معنای سوم (خون)، با توجه به ذکر «ثار الله» بعد از وتر الموتور، مناسبت ندارد.

معنای چهارم تا هفتم نیز متناسب با سید الشهداء نیست.

بنابراین: فقط معنای «ظلم در خون، قتل و غارت و اسارت» مناسب است.

۱ - منتهی الارب . المنجد : «الوتر : الظلیمة» یعنی ظلم.

۲ - لسان العرب با توضیحاتی که در معنای خون (ص ۱۴۹ پ ۵) ارائه شد. المنجد: «الوتر: الظلم فی الانتقام». به نظر می‌رسد منظور از انتقام در اینجا، همان دادخواهی باشد.

۳ - العین با توضیحاتی که در معنای خون (ص ۱۴۹، پ ۵) بیان شد.

۴ - اکثر کتاب‌های لغت .

## توضیح

کلمه وتر و معنای مورد نظر آن (ظلم) ، بر حسب ظاهر اسم است، ولی در واقع اسم مفعول می باشد؛ یعنی: مظلوم و کسی که به او و اهل بیتش ظلم شده و ستمگران، آنها را کشتند و اموالشان را غارت نموده و خودشان را به اسارت بردند.

## لطیفه

چگونه امام حسین را وتر و به معنای ظلم بدانیم؟! همان طور که توضیح داده شد، وتر بر حسب ظاهر اسم است، ولی در اینجا و بر حسب واقع به معنای مظلوم است. این کار، (استعمال اسم بجای اسم مفعول)، یک تشبیه لطیف بوده و کنایه از شدت ظلم است؛ یعنی ظلم در حدی بوده که: مظلوم عین ظلم شده و چهره مظلوم سند گویای ظلم ظالم است.

## ب - معنای موتور

موتور که بر حسب وزن، اسم مفعول از وتر می باشد، به سه معنا است:

۱ / ب - مفرد و منفرد شده. کنایه از آنست که چیزی از چیز دیگر جدا شده باشد؛ مثل این که حق کسی را از او بگیرند. (۱)

۱ - این معنا به استناد معنای اول وتر و صیغه اسم مفعول بدست می آید.

گاهی هم افراد بخاطر ویژگی های خاص، منحصر به فرد شده و بدون این که حقی را از آنها گرفته باشند، فرد ؛ یعنی تک شده اند.

۲ / ب - انتقام نگرفته ؛ کسی که خونس بناحق ریخته شده و مورد ستم قرار گرفته است و نتواند خونخواهی کند و انتقام خون خود را بگیرد . ( مظلوم در خون و انتقام نگرفته ) .<sup>(۱)</sup>

در این معنا بین انسان و حقش فاصله شده و انسان نسبت به حقش منفرد و جدا شده است.

۳ / ب - خونخواه<sup>(۲)</sup>

بدیهی است که این معنا جنبه اسم فاعلی دارد، نه اسم مفعولی و بعلاوه برای ولیّ دم بکار میرود.

با توجه به معنای دوم و سوم، روشن می شود که: مَوْتور بودن پیامبر اکرم، به معنای سوم ؛ یعنی ولیّ دم و خونخواه بودن است و موتور بودن امام حسین، به معنای دوم ؛ یعنی انتقام نگرفته است .

۱ - این معنا به استناد معنای دوم وتر و صیغه اسم مفعول بدست می آید. علاوه بر این کتاب های ذیل آنرا بیان کرده اند: الصحاح، لسان العرب، مجمع البحرین، المنجد و منتهی الارب .

۲ - لسان العرب و النهاية: « فی حدیث محمد بن مسلمة: أنا الموتور: الثائر، الصّاحب الوتر، الطالب بالثأر، و الموتور المفعول ». همچنین: الصحاح، مجمع البحرین، المنجد .

### ج - معنای وتر الموتور و تبیین آن

روشن شد که هر یک از این دو کلمه چند معنا دارند و ترکیب آنها با تغییر معنای هر کدام معانی فراوانی خواهند داشت، ولی با توجه به توضیحات ارائه شده، بهترین معنا چنین بدست می آید: «مظلوم انتقام نگرفته».

این معنا، ابعاد گوناگونی دارد که در ذیل تبیین می گردد.

۱/ ج - کسرتدگی مظلومیت امام حسین، نه تنها در حق امامت مظلوم و انتقام نگرفته است، بلکه در قتل و غارت و اسارت خود و اهل بیت او نیز می باشد و در هر حال خون او بناحق ریخته شد.

### ۲/ ج - نتیجه ظلم، بی نظیر شدن

همانطور که توضیح داده شد، امام حسین در اثر این ظلم، از حقش جدا شده و بعلاوه منحصر بفرد و تک گردید و مشابه ندارد. در نحوه شهادت و ریخته شدن خورش، نه تنها در زمان خود، بلکه در تمام زمانها منحصر بفرد و تک می باشد.

### ۳/ ج - امور حقوقی

امام حسین در اثر آن ظلم عظیم و مظلومیت، صاحب حق شد و حق شکایت کردن پیدا نمود و به همین جهت پیامبر اکرم بعنوان ولی دم، موتور گردید.

از طرف دیگر، سید الشهداء نتوانست حق خود را بگیرد. بنابراین خود ایشان، «انتقام نگرفته» است. این مورد بعنوان ویژگی دوم

عبارت مورد نظر قابل طرح می‌باشد و در واقع معنای کلمه موتور است .

با توجه به این که امام حسین، انتقام نگرفته است ، امام زمان بعنوان ولیّ دم، خونخواهی کننده امام حسین است .

### جمع بندی

بر اساس توضیحات فوق، در الوتر الموتور چهار ویژگی وجود دارد :

أ - مظلومیت                          ب - گستردگی ظلم

ج - بی نظیر شدن امام              د - انتقام نگرفته .

علاوه بر اینها، نوع ظلم، منحصر بفرد بودن ستم‌ها و شدت مصیبت هم برای امام حسین مطرح است.

همه این موارد در زیارت ناحیه بطور گسترده بیان شده است . در اینجا فقط دو مورد کلی آن که مربوط به اصل «الوتر الموتور» است ؛ یعنی مظلومیت و انتقام نگرفتن امام حسین ملاحظه می‌شود و بقیه موارد در بحث «عظمت مصیبت» تبیین خواهد شد .

## ۴/۲ - شرح از زیارت ناحیه

### أ - مظلوم بودن

«السَّلام على القَتيل المظلوم . السَّلام على المظلوم بلا ناصر».

سلام ! سلام به تو، ای کشته مظلوم، سلام به تو، ای مظلوم بی

یاور.

تو چه کردی و آنها چه کردند؟

تو پناه مردم بودی و آنان را با پندهای حکیمانه و نصیحت‌های دلسوزانه حیات می‌بخشیدی. یزیدیان نتوانستند حیات انسانها را ببینند، منطق هم نداشتند، پس از در ظلم وارد شدند «واجهوک بالظُّلم و العدوان».

با این وجود تو جاهلانه برخورد نکرده و دست به ستم نزدی، در عوض، آنان را موعظه نمودی «الایعاز لهم» و حجت را بر آنان تمام کردی «و تأکید الحجّة علیهم» و در این وادی زُهیر و حرّ را متحول ساختی. آنها به وادی نور قدم نهادند. دزدان انسانیت به خروش آمدند و جنگ را با تو شروع کردند «بدؤوک بالحرب».

ددمنشان در میدان نبرد هم نتوانستند مردانه بجنگند، همین که خود را در برابر دلاوری تو زیون یافتند، از در ناجوانمردی وارد شده و خواستند در میان عطش جانفرسا، ترا عاجز کنند، دامنه جنگ را شدت بخشیدند و از هر طرف بسویت نیزه انداختند «و رشقوک بالسَّهام و النِّبال».



با این وجود، آن چنان با ذوالفقار شمشیر می‌زدی که گویا تو همان علی برگزیده خدا بودی، دلاوری و مردانگی تو ملائکه را به تعجب واداشت و دشمن را به شقاوت. پس دستهای بنیان برانداز را بسویت دراز کرد و هیچ حرمتی را رعایت ننمود «و لم یرعوا لک ذماماً».

از هر طرف گرداگرد تو حلقه زدند و با زخمهای فراوان، تو را از توان انداختند و راه را بر تو بستند و تو هیچ یآوری نداشتی «و لم یبق لک ناصرأ»

در دفاع بودی تا این که ترا از اسب جوانمردت سرنگون ساختند و تو با بدنی سراسر مجروح به زمین افتادی «فهویت الی الارض جریحاً». در آن سختی جانسوز بودی که دستور داده شد بدنت را زیر سم اسبها متلاشی کنند. پس اسبها، ترا با سم‌های خود لگد کوب می‌کردند «تطؤک الخیول بحوافرها» و ناجوانمردها ترا با شمشیرهایشان می‌زدند «و تغلوك الغاة بیواترها».

چشم مجروح زمان می‌چرخید      کمر ثانیه‌ها خم می‌شد  
لحظه‌هایی که تو جان می‌دادی      گوئی از عمر زمین کم می‌شد<sup>(۱)</sup>

ای حسین! مظلوم بودن و ستم دیدن برای همه ائمه بوده است، ولی مظلومیت تو را هیچ کس نداشته و تو در مظلومیت منحصر بفرد هستی.

### ب - انتقام نگرفته

ای حسین! ای فرزند زمزم و صفا! با آن سر بریده‌ات چگونه انتقام گرفتی؟ با آن پیکرت که در زیر آفتاب تغییر رنگ یافته بود، چگونه انتقام گرفتی؟ تو که کشته شده‌ی مظلوم هستی و یاوری نداشته و در میان غریبان غریب بودی، چگونه انتقام گرفتی؟

«السَّلامُ عَلٰی غَرِيبِ الْقُرْبَاءِ».

ای سالار شهیدان! تو انتقام گرفتی یا فرزند بیماریت و یا خواهر داغدار و اسیرت؟!

ای عزیز زهرا! نه تنها تو نتوانستی انتقام خون خود و یارانت را از دشمن بگیری، بلکه ائمه اطهار نیز نتوانستند چنین کنند. از اینرو جدّ بزرگوارت موتور گردید.

«لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْتُوراً»

## ۵ - عظمت مصیبت

در زیارت عاشورا بعد از سلام‌های پنجگانه که توضیح داده شد، سلام دیگری بر همه شهداء داده می‌شود. آنگاه می‌خوانیم:

«یا ابا عبدالله لقد عظمت الرّزیة و جلّت و عظمت المصیبة بک  
علینا و علی جمیع اهل الاسلام و جلّت و عظمت مصیبتک فی  
السّموات علی جمیع اهل السّموات.»

بزرگی مصیبت در زیارت عاشورا بدون توضیح بیان شده است و شرح و توضیح آن در زیارت ناحیه بطور بسیار گسترده و قابل توجه آمده است.

در اینجا نگاهی کوتاه بر جنایتی عظیم و هولناک داریم و شرح و تفصیلش را به جای دیگر (جلد دوم) می‌سپاریم.

می‌خواهی به کجا نگاه کنی؟

آیا خود را آماده نگاه کرده‌ای و توان و تحملش را داری؟!  
از پیچ و خم‌های تاریخ به دشت سرخ کربلا می‌رویم و نظاره‌گر  
سبزه زارهای فرات می‌شویم.

نخل‌های تشنه و زخم تبرزین ستم  
صحنه‌های آتش و خون و تماشا و عطش  
شیهه اسب و غبار و خیمه‌های سوخته  
کودکان موپریشان و خدایا و عطش

ای فرات! این دست‌های یاس را لبریز کن  
چشم‌ها خیس‌اند و لب‌ها خشک و غوغا و عطش<sup>(۱)</sup>

### ۱ / ۵ - سر بریده

در دشت تاریخ، همه امامان شهید و در این جمع، تنها علی و حسین، مقتول و با سری خونین دیده می‌شوند.  
شاید به همین دلیل هم بوده که عبارت ثارالله (خون خدا) فقط برای این دو بزرگوار بکار رفته است.  
و از این دو خون خدا، تنها حسین است که سر بر بدن ندارد، بلکه سر برنی دارد.

«السَّلامُ عَلَى الْمُقْطُوعِ الْوَتِينِ ، السَّلامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ»  
«سلام بر آن که شاهرگش بریده شد، سلام بر آن سری که بالای  
نی‌آشیان گرفت»

### ۲ / ۵ - لبان خشک و جگر عطشان

در دشت لاله‌های گلگون، این دو امام و افراد بسیاری را می‌بینیم که در راه خدا جنگیده‌اند، ولی شرائط هیچکدام همانند شرائط امام حسین نیست.  
اگر چه لشکر معاویه آب را به روی لشکر امیرالمؤمنین بست، ولی کسی تشنه نماند.

۱ - شعر از علی اکبر فخرو، آوای نینوا، ص ۴۸.

تنها در دشت سرخ کربلا، در گرم‌ترین زمان؛ یعنی بعد از ظهر تابستان<sup>(۱)</sup> پس از چند روز بی‌آبی و در اوج تشنگی، با دشمن نبرد می‌کردند. علی اکبر با آن تشنگی چنان دشمن را درهم کوبید که دشمن زبون به شیون آمد و خود نزد پدر شد تا از او نیرو بگیرد. حسین هم با لبان خشک و جگر عطشان خود، لبان علی اکبر را بوسه زد و گویا زبان در کامش کرد.

چگونه ببینم که زبان خشک در دهان خشک فرو می‌رود!

ای دل ز داغ سینه لب تشنگان بسوز

تا روز حشر در غم خونین دلان بسوز<sup>(۲)</sup>

در کدامین صحنه تاریخ، لباس اسلام بر تن کردگان، در کنار آبی

گوارا با خاندان پیامبرشان چنین کرده‌اند؟!

کدامین دل را یارای دیدن این صحنه است و کدامین زبان است

که ببیند و نگوید: سلام! سلام پر طراوت من به آن لبان خشکیده.

« السَّلَامُ عَلَى الشَّاهِ الذَّابِلَاتِ »

۱ - دهم محرم ۶۱ هـ.ق. برابر با ۶/۶/۶۰ هـ.ق. بوده است.

۲ - شعر از تل‌لو، آوای نینوا، ص ۱۸.

## ۳ / ۵ - قتلگاه

اینک در دشت سرخ کربلا هستیم و مصیبت حسین و حسینیان  
را در آینه زیارت ناحیه نظاره می‌کنیم.

می‌خواهی به کجا نگاه کنی؟

آماده شو تا برویم قتلگاه!

قتلگاه کجاست؟ همان جایی که من نمی‌گویم چه شد. گوش  
جان باز کن و با نوای کربلا همساز شو و بیان حجت زمان را گوش کن.

چون بَصْر آمد به دیدار خروش

شد سخنگوی از زبان من خموش<sup>(۱)</sup>

چون کنی دل مستعد و جرعه نوش

نعمه حجت بر آید پر خروش

آنگاه که از اسب به زیر افتادی و اسب‌ها بر بدنت تاختند، عرق  
مرگ بر پیشانی مبارکت نشست و با نفس‌های گند، طرف راست و  
چپ تو بطور متناوب بالا و پائین می‌رفت و تو آرام با گوشه چشم  
بسوی خیمه‌های حرم نگاه می‌کردی.

«قد رشح للموت جبینک و اختلفت بالانقباض و الانبساط  
شمالک و یمینک، تُدیر طَرْفًا خَفِيًّا اِلَى رَحْلِكَ وَ بَيْتِكَ».

در همین لحظات، شمر بر روی سینه‌ات نشست و..... و  
سرانجام ترا در ملأعام (وری) نحر کرد.

۱ - خروش: شور و غوغا (فرهنگ عمید). مصرع دوم از عُمان سامانی،

گنجینه الاسرار، ص ۱۰۰.

## «السَّلامُ عَلَی الْمَنحُورِ فِی الْوَرَى».

در کدامین رخداد تاریخ چنین واقعه‌ای پیدا می‌کنیم؟ فرزند رسول الله را کشتند! او را نحر نمودند، نه در خفا، که در ملاءعام و در حضور مردم! و با گستاخی و به نام دینداری.

در شهادت امیرالمؤمنین، قاتل فقط یک ضربه زد و فرار کرد، بعلاوه از پشت و مخفیانه (رعایت مسائل امنیتی) بود. ولی شهادت امام حسین علیه السلام در ملاءعام بود.

لشکریان و تماشاچیان که همگی از مسلمین و نمازگزاران بودند جمع شده و در کشتن امام پیشی می‌گرفتند. هر کس سعی می‌کرد به نحوی خود را در شهادت امام شریک نماید.

وقاحت به جایی رسیده بود که پیروان رسول الله، ریختن خون فرزندش را افتخار می‌دانستند. می‌زدند و می‌کشتند و قطعه قطعه می‌کردند و خود را پیروز می‌دانستند، نه گناهکار و شرمنده!!

ابن ملجم فرار کرد، ولی شمر همانند قهرمانان که برای معرفی و شناخته شدن بالای سکوی قهرمانی می‌روند و...، سر بریده حسین را بر بالای نیزه کرد و آنرا نشان جمعیت داد. «رُفِعَ عَلَی الْقَنَاةِ رَأْسُكَ».

چشم خصم از دیدن سر خیره شد      دهشت و وحشت به دلها چیره شد

قلب جبریل امین از غم نژند<sup>(۱)</sup>      بانک تکبیر آمد از لشکر بلند<sup>(۲)</sup>

هرکه را دیده بر آن سر اوفتاد      لب به تکبیر از تعجب برگشاد<sup>(۳)</sup>

۱ - نژند، به فتح اول و دوم: اندوهگین، خشمگین... (فرهنگ عمید)

۲ - توضیح این مصرع در سخنان آیه الله کریمی (ص ۳۴، پ ۱) بیان شد.

۳ - محمد علی انصاری، شکوفه‌های ولایت ص ۱۹۰.

#### ۴ / ۵ - عزاداری در سراسر هستی

ای حسین ! ای لاله هستی ! مصیبت تو آنقدر بزرگ بود که  
سراسر هستی عزادار شدند و از آسمان گرفته تا آدم و آب و خاک و  
سنگ ، همه و همه گریستند .

خلق را نام حسینی به زبان می بینیم  
هر کجا نام حسین ، آه و فغان می بینم  
همه گویند حسین و همه دارند خروش

از غمش ولوله در کون و مکان می بینم (۱)

این گستردگی عزاداری در زیارت ناحیه بیان شده و عزاداران در  
هشت گروه معرفی شده اند .

#### گروه ۱ - ملائکه و اعلا علیین و انبیاء

«عزّاه بک الملائکة و الانبیاء»..... «اختلفت جنود الملائکة  
المقربین، تُعزّی أباک امیر المؤمنین و أُقیمت لک المناتم فی اعلا  
علّین و لطمت علیک الحور العین» .

#### گروه ۲ - بهشت و نگهبانان آن

«بکت.....الجنان و خزائنها»

« بهشتیان و نگهبانان بهشتی در عزای تو گریستند» .

#### گروه ۳ - جنّ

«بکت.....الجنان و ولدانها»

« جنیان و فرزندانشان در عزای تو گریستند» .



در این باره مواردی از نوحه سرائی و اشعار جنیان نقل شده که از آن جمله<sup>(۱)</sup> است :

«زنان جنیان محزون هستند و از شدت حزن گریه می‌کنند و با نوحه سرائی، زنان هاشمی را سر سلامتی می‌دهند. بر حسین علیه السلام شیون می‌کنند و می‌گویند «مصیبت‌های حسین بزرگ است» و همان گونه که دینار را برای خالص شدن می‌زنند، آنها بر گونه‌های خود سیلی و مشت می‌زنند.<sup>(۲)</sup>»

گروه ۴ - پیامبر و خاتدانش

«انزعج الرسول و بکی قلبه المهول»..... «فجعت بک أمک الزهراء».

«پیامبر اکرم پریشان و آشفته گشت و قلب نالانش گریان شد. مادرت، زهرا، عزادار گشت.»

گروه ۵ - زنان حرم

«فلما رأین النساء جوادک مخزياً و نظرن سرجک علیه ملویاً، برزن من الخدور،... لاطمات الوجوه، سافرات، و بالعویل داعیات..»

«همین که بانوان حرم، اسب جانباز ترا بلازده دیدند، و زین ترا بر آن واژگون یافتند، از پس پرده خیمه‌ها بیرون آمدند، حرکت می‌کردند و بر گونه‌های خود سیلی می‌زدند و شیون زنان و گریه کنان

۱ - بحار الانوار ج ۴۵، ص ۲۳۳، ب ۴۳.

۲ - سه گروه فوق مربوط به عالم ملکوت و غیب و عالم ارواح بود. پنج گروه بعدی، مربوط به عالم ظاهر و زنده‌ها است.

ترا صدا می کردند».

گروه ۶- جواد (اسب جوانمرد و جانباز) امام  
 «اسرع فرسك شاردأ الى خيامك، قاصداً محمماً باكياً»  
 «آنگاه که تو کشته شدی، اسب جوانمردت برای خبردار کردن  
 اهل بیت، شیون کنان و گریان بسوی خيام حرم سرعت گرفت».

### گروه ۷- حیوانات

علاوه بر اسب جانباز (جواد) امام که ارتباط خاصی با ایشان  
 داشت، ماهیان نیز گریه کردند  
 «بکت... البحار و حیتانها».

### گروه ۸- جمادات

علاوه بر موجودات زنده (انسانها و جانوران)، اجسام بی شعور  
 و بی احساس (بر حسب ظاهر) نیز گریه کردند؛ آسمان، بهشت،  
 زمینهای مقدس حرم، مشعر الحرام، بیت الله الحرام و مقام ابراهیم و  
 نیز زمینهای دیگر همچون کوهها و دامنه‌های کوه و دریاها، همه و  
 همه بر مصیبت عظمای حسین گریستند.

«بکت السماء و سگانها و الجنان و خزائنها و الهضاب و اقطارها  
 و البحار و حیتانها و الجنان و ولدانها و البيت و المقام، و المشعر  
 الحرام و الحلّ و الأحرام».

همه گویند حسین و همه نالند ز درد

با حسین این همه را عشق نمان می بینم

همه گویند که شد کشته بیداد، حسین

همه را نوحه کنان، تعزیه خوان می بینم<sup>(۱)</sup>

۱ - محمد شفیع = وصال شیرازی، شکوفه‌های ولایت ۷ ص ۱۶۹.

## ۶ - سرّ لعن

در زیارت عاشورا، پس از شش سلام «السّلام علیک» و یادآوری عظمت مصیبت امام حسین علیه السلام چنین آمده است:

«فلعن الله أمة أسست أساس الظلم و الجور علیکم اهل البيت و لعن الله امة دفعتکم عن مقامکم.....»

این جملات با «ف» شروع شده که به آن فاء تفریع یا نتیجه گفته می شود و معنایش این است که با تو چنین کردند، پس بر این اساس و بخاطر این رفتارها لعنت خدا بر این ستمگران باشد.

لعن به معنی «طرد و تبعید» است و لعنت خدا، دوری از رحمت او می باشد. «لعن الله الشیطان» یعنی او را از خیر و از بهشت دور کرد. (۱)

حال سخن در این است که چرا باید چنین نفرین بزرگی کرد؟ آیا درست است بگوئیم مرگ بر...، لعنت بر...؟ اگر می توان لعنت کرد، در چه مواردی جایز است و آیا نسبت به تمامی حامیان کفر در طول تاریخ صحیح است؟

آنگاه که انسان با دقت وارد زیارت ناحیه می شود، سرّ این لعن و ضرورت آن برایش روشن می شود. آن مصائب را با عمق وجود درک می کند و بعلاوه خود را در صحنه ای از هستی می بیند که همه و همه

می‌گیرند، از ملائک گرفته تا انسانها و حیوانات و درندگان و دیگر موجودات و جمادات. خود را در فضائی می‌بیند که حتی خاک و سنگ نیز می‌گیرند. و در مقابل، خبثت افرادی را می‌نگرد که بر تاریخ بشریت ظلم کرده و با این وجود شادمانند.

در این حال، به خود می‌آید که چرا لعن نکنم؟! مگر می‌شود چنین ستمگرانی در دایره رحمت الهی قرار گیرند؟ مگر می‌شود نسبت به چنین افرادی بی تفاوت بود؟ هرگز! واقعیت عملکرد چنین تجاوزگرانی، چیزی جز دوری از رحمت؛ یعنی ملعون بودن نیست و کسی که ملعون است، چگونه او را ملعون ندانیم؟ چگونه منکر واقعیت شویم؟ چگونه گمراه کننده نسل بشریت را در وادی رحمت بدانیم؟

آری، زیارت ناحیه این چنین سرّ لعن کردن را روشن می‌کند. با خواندن زیارت ناحیه، نه تنها لعن کردن، سؤال برانگیز نخواهد بود، بلکه بر عکس، لعن نکردن سؤال برانگیز می‌شود.

از اینرو هر کس زیارت ناحیه را با دقت بخواند، بر حسب الفاظ و نیز بر حسب ارتباط معنوی و وصلهای خاص بدین جامی رسد که با تمام وجود می‌گوید: «اللّٰهُمَّ الْعَنِ اَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ اٰخِرِ تَابِعٍ لَهٗ عَلٰی ذٰلِكَ». و نه یکبار، بلکه صد بار می‌گوید.

اینها نمونه هائی بود بر این که: زیارت ناحیه، مفسر زیارت عاشورا است.

و الحمد لله ربّ العالمین

## فهرست منابع، مأخذ و مراجع

موضوع	نام کتاب	نام مؤلف	وفات هـ. ق.	ناشر - محل
تراجم	اعیان الشیعه	سید محسن امین	۱۳۷۱	التعارف، بیروت
	امل الامل	شیخ حر عاملی تحقیق: احمد حسینی	۱۱۰۴	— بغداد
	الذریعة	آقا بزرگ تهرانی	۱۳۸۹	اسلامی - تهران
	روضات الجنات	محمد باقر خوانساری	۱۳۱۳	اسماعیلیان، قم
	ریاحین الشریعة	ذبیح الله محلاتی	زنده	دارالکتب الاسلامیه، تهران
	ریحانة الادب	محمد علی مدرس	۱۳۷۳	خیام - تهران
	ریاض العلماء	عبدالله افندی تحقیق: احمد حسینی	۱۱۳۰	کتابخانه مرعشی - قم
	طبقات اعلام الشیعه	آقا بزرگ تهرانی تحقیق: منزوی	۱۳۸۹	دارالکتاب - بیروت
	الکنى و الالقاب	شیخ عباس قمی	۱۳۵۹	صدر - تهران
	معجم المؤلفین	عمر رضا کحّاله	۱۴۰۸	احیاء التراث العربی، بیروت
رجال	رجال النجاشی	احمد نجاشی	۴۵۰	مؤسسة النشر الاسلامی - قم
رجال	الفهرست	شیخ طوسی	۴۶۰	شریف رضی قم
	معجم رجال الحدیث	سید ابوالقاسم خوئی	۱۴۱۳	چاپ های اول وسوم - بیروت

بحار الانوار	علامه مجلسی	۱۱۱۱	الوفاء - بیروت
روائی	علامه مجلسی	۱۱۱۱	چاپ قدیمی (۱)
جامع احادیث الشیعه	اسماعیل معزی	زنده	مؤلف - قم
و	امام سجاد <small>علیه السلام</small>	—	مؤسسه الامام
الصحیفة السجادية	تحقیق: مؤسسه الامام	المهدی	المهدی - قم
الجامعة	ابراهیم بن محسن	؟	مؤسسه الامام
دعائی	فیض کاشانی	؟	المهدی - قم
مستدرک الوسائل	محدث نوری	۱۳۲۰	آل البيت - قم
مصباح الزائر	سید ابن طاووس	۶۶۴	آل البيت - قم
نهج البلاغه	ترجمه فیض الاسلام		فیض الاسلام
کتب خطی قدما	که در صفحات ۹۳ تا	از ۴۰۰	کتابخانه آیه الله
از مفید تا مشهدی	۱۰۰ معرفی شده است	تا ۵۹۵	مرعشی - قم
شرح	ابوالفضل تهرانی	۱۳۱۶	موحد ابطحی .
شفاء الصدور	تحقیق: موحد ابطحی		قم
شرح زیارت عاشورا			
شعر	مجموعه اشعار		ستاد شب شعر
آوای نینوا	شعرای مختلف		ماه نو - تهران
اشک شفق	محمد فکور صفا		
این همه نیست	محمد حافظ	۷۹۱	
دیوان حافظ	شعرای مختلف		اعلمی - نهران
شکوفه های ولایت	عمان سامانی	۱۳۲۲	میثم - اصفهان
گنجینه الاسرار	محمد مولوی	۶۷۲	
مثنوی معنوی			

۱ - تحفة الزائر به شماره ۶۱ در کتابخانه آیه ... گلپایگانی (ره) موجود است که دارای ۵۲۲ صفحه می باشد و در سال ۱۳۱۲ ق در چاپخانه مشهدی محمد علی تهران چاپ شده است.

عربی	مبادئ العربية معجم الهمزة مغنى اللبيب	معلم رشيد الشرتوني أدما طزبينة ابن هشام	— زنده ۷۶۱	دار العلم - قم مكتبة لبنان بيروت
لغت	اقرب الموارد التحقيق في كلمات القرآن الصحاح العين الفروق اللغوية فرهنگ عميد فرهنگ معاصر عربی به فارسی قاموس المحيط	سعید الشرتونی حسن مصطفوی اسماعیل جوهری خلیل فراهیدی ابی هلال عسکری حسن عمید آذرتاش آذرنوش محمد فیروزآبادی	۱۳۳۱ زنده ۳۹۳ ۱۷۵ قرن ۴ زنده زنده ۸۱۷	مرعشی - قم ارشاد - تهران دارالعلم بیروت جامعه مدرسین بصیرتی - قم امیرکبیر - تهران نشرنی، تهران دارالکتب العلمیة - بیروت
	لسان العرب مجمع البحرين المصباح المنیر المعجم المجمعی المفردات مقایس اللغة منتهی الارب المنجد النهاية وجوه قرآن	محمد ابن منظور فخرالدین طریحی احمد قیومی عبدالحسین بقال راغب اصفهانی احمد بن فارس صیفی پور لویس معلوف ابن اثیر حُبیش تفلیسی	۷۷۱ ۱۰۸۵ ۷۷۰ ۱۴۲۰ ۵۰۲ ۳۹۵ ؟ ۱۳۳۱ ۶۰۶ قرن ۶	احیاء التراث مرتضویه تهران دارالهجرة - قم دانشگاه تهران مرتضویه تهران دفتر تبلیغات قم اسلامیه، تهران مشرق - بیروت احیاء الکتب بنیاد - تهران
معارف	قادتنا، کیف نعرفهم	س. محمد هادی میلانی	۱۳۹۵	آل البيت، قم

مقتل	رمز المصيبة	محمود ده سرخی	زنده	مؤلف - قم
------	-------------	---------------	------	-----------

## تذکر

لطفاً قبل از مطالعه، عبارات زیر را در محل خود قرار دهید:

صفحه	سطر	عبارت
۶۴	قبل از آخر	اشک خون آمیزه هر آه شد
۷۲	قبل از آخر	آه! این زیارت بوی دیگر می دهد بوی دلبر، پور کوثر می دهد بوی مهدی، سرو هستی می دهد بوی یاسین، نای عرشی می دهد
۷۴	قبل از آخر	تا حدیث عاشقی محرم کنند
۸۲	آخر	در پی دعوت آل (۱) آمده ام
۸۲	پاورقی	۱ - منظور از آل، آل یاسین؛ یعنی امام زمان است.